



# انتظار فرج امام زمان (عجل الله فرجه)

پیشخوان شماره ۱۴۵

در کلام حضرت آیت الله خامنه‌ای



**KHAMENEI.IR**

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست

- ۷/ ساختن زندگی امروز در جهت حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)
- ۵۳/ رسیدن به تمدن نوین اسلامی، مقدمه ظهور حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه)
- ۱۳/ مبارزه با استکبار، تلاشی برای حاکمیت اسلام
- ۷۵/ درس‌های نیمه شعبان برای منتظران
- ۱۹/ انتظار فرج یعنی حرکت در جهت قسط و عدل
- ۷۹/ از غدیر تا ظهور
- ۸۵/ درس‌های اعتقاد به مهدویت و انتظار موعود
- ۲۹/ عقیده درست به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) عامل تسلیم نشدن مردم
- ۹۵/ نگاه صحیح به مهدویت و تأثیر آن در عرصه اجتماع
- ۱۰۱/ نقش علما در زمینه‌سازی ظهور
- ۳۹/ ایجاد ناامیدی، شیوه استعمار برای مبارزه با عقیده انتظار
- ۹۵/ انتظار ظهور موعود؛ حقیقتی معطوف به واقعیت
- ۴۷/ ارتباط خاص بسیجیان با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)





«معرفتهاتان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایتهای سیاسی و اوراق روزنامه‌ها و پرسه‌زدن در سایتهای گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینها نیست... سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارهاست که حتماً لازم است. به نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۶/۰۵/۱۳۹۱)

## اشاره

فراتر رفتن از اخبار و هیاهوهای رسانه‌ای روزمره و داشتن برنامه و سیر مطالعات دینی و اجتماعی از جمله توصیه‌ها و تأکیدات همیشگی رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سالیان متمادی بوده است.

از جمله عرصه‌هایی که می‌تواند در مسیر مطالعات اسلامی افراد گوناگون به خصوص فعالین فرهنگی - اجتماعی و ... مورد توجه و استفاده قرار گیرد اندیشه‌های مقام معظم رهبری بوده و اصلی‌ترین مجرای ظهور و بُروز این افکار نیز بیانات معظم‌له می‌باشد. پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR پیش از این در جهت نیل به این مهم و زمینه‌سازی مناسب جهت آشنایی مناسب اقشار گوناگون با ابعاد مختلف این اندیشه‌ها، محصول «پیشخوان» را ارائه داده بود. پیشخوان مبتنی بر فهرست بیانات پایه و اصلی رهبری در یک موضوع بود که هر یک از بیانات مربوط به موضوع نیز دارای نمایه‌ی موضوعی خاص خود بود که هم‌اکنون نیز آرشیو این موضوعات در صفحه‌ی پیشخوان این پایگاه قابل دسترسی است.

اینک در جهت تکمیل این حرکت مطالعاتی، جزوات موضوعی پیشخوان جهت دریافت و مطالعه‌ی مخاطبان آماده شده است. گفتنی است «جزوات پیشخوان» در قالب PDF آماده شده و شامل بیانات مختص به هر موضوع به صورت مجزا و مشخص می‌باشد.



## ساختن زندگی امروز در جهت حکومت امام زمان (عج)

- ❖ رابطه‌ی معنوی بین آحاد مردم و امام زمان (عج)
- ❖ ملازمت انتظار واقعی، با اطمینان و اعتماد به آینده
- ❖ امید، شرط مبارزه و حرکت به سمت صلاح
- ❖ انقلاب اسلامی ایران، مهمترین وسیله برای امیدواری ملت‌ها
- ❖ صدور انقلاب عامل تکثیر امید در ملت‌ها
- ❖ تلاش غرب برای مایوس کردن ملت‌ها
- ❖ مسأله پیشرفت و تأثیر آن در امید ملت‌ها
- ❖ عدالت، مهمترین بنای جامعه مهدوی

## ساختن زندگی امروز در جهت حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) \*

### ❁ رابطه‌ی معنوی بین آحاد مردم و امام زمان (عج)

ارتباط قلبی یکایک مردم مؤمن با مقام ولایت عظمی و ولی الله اعظم، یکی از برکاتی است که از مشخص بودن مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عقیده‌ی مردم ما ناشی می‌شود. ما علاوه بر اعتقاد به اصل وجود مهدی و این که کسی خواهد آمد و دنیا را از عدل و داد پُر خواهد کرد، شخص مهدی را هم می‌شناسیم و نام و کنیه و پدر و مادر و تاریخ ولادت و کیفیات غیبت و اصحاب نزدیک و حتی بعضی از کیفیات هنگام ظهور او را نیز می‌دانیم. اگر چه آن شخصیت درخشان و خورشید تابان را در بیرون و محیط زندگی خود نمی‌بینیم و او را تطبیق نمی‌کنیم، اما معرفت به حال او داریم.

رابطه‌ی بین شیعیانی که این اعتقاد را دارند، با مقام ولایت و مهدی موعود، یک رابطه‌ی دایمی است و چه قدر خوب و بلکه لازم است که یکایک ما، قلباً هم این رابطه را با توجه و توسل و حرف زدن با آن حضرت حفظ کنیم. طبق همین زیاراتی که وارد شده و بعضاً مأثور است و به احتمال زیاد به خود معصوم (ع) مستند می‌باشد، این رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دایم در دل انسان زنده نگه می‌دارد.

### ❁ ملازمت انتظار واقعی، با اطمینان و اعتماد به آینده

انتظار، یکی از پُربرت ترین حالات انسان است؛ آن هم در انتظار دنیایی روشن از نور عدل و داد. «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً»<sup>۱</sup>. خدای متعال به دست او، سرزمین بشری و همه‌ی روی زمین را از عدالت و داد گستری

\*. بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۱۲/۲۲

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۵

پُر خواهد کرد. انتظار چنین روزی را باید داشت. نباید اجازه داد که تصرف شیطانها و ظلم و عدوان طواغیت عالم، شعله‌ی امید را در دل خاموش کند. باید انتظار کشید. انتظار، چیز عجیبی است و دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مأیوس نبودن است. همین روح انتظار است که به انسان تعلیم می‌دهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنی ندارد و اگر اطمینان به آینده هم نباشد، انتظار معنی ندارد. انتظار واقعی، با اطمینان و اعتماد ملازم است. کسی که شما می‌دانید خواهد آمد، انتظارش را می‌کشید و انتظار کسی که به آمدنش اعتماد و اطمینان ندارید، انتظاری حقیقی نیست. اعتماد، لازمه‌ی انتظار است و این هر دو، ملازم با امید است و امروز این امید، امری لازم برای همه‌ی ملت‌ها و مردم دنیا می‌باشد.

### 🌸 امید، شرط مبارزه و حرکت به سمت صلاح

دنیا در طول تاریخ طولانی بشر، ادوار سیاه و تاریکی به خود دیده است؛ اما بدون شک، یکی از تاریکترین ادوار زندگی بشر و تلخترین روزگارهای عمومی مردم عالم، همین روزگار کنونی است که در آن هیچ تردیدی نباید کرد و این به خاطر تسلط روزافزون قدرتهای شیطانی و بزرگ عالم بر زندگی انسانهاست. اگر شما به وضع دنیا نگاه کنید، قضیه روشن می‌شود. در دنیا، قدرتها عالم را بین خودشان تقسیم کرده بودند و روز به روز تسلط و تصرف قدرتهای بزرگ نسبت به مناطق گوناگون عالم، سخت‌تر و سنگین‌تر شده است. مثلاً امروز دخالت قدرت شیطانی و طاغوتی امریکا در زندگی ملت‌ها، از همیشه بیشتر است. در همه‌ی شؤون عمده و اساسی ملت‌ها دخالت می‌کنند و این دخالت، منحصر به مسایل اقتصادی ملت‌ها نیست؛ بلکه در فرهنگ و سیاست و اداره‌ی امور و تعیین مدیران امور کشورها نیز دخالت می‌کنند. اگر کسانی در جوامع گوناگون اوضاع را نفهمند و ندانند، راحت زندگی می‌کنند؛ اما صاحبان فکر و افراد هوشمند و روشنفکر و کسانی که می‌فهمند قدرتهای طاغوتی با زندگی و سرنوشت آنها چه می‌کنند، حقیقتاً دنیا برای آنها تیره و تار است و زندانی بیش نیست. «ضاقت علیهم الارض بما رحبت»<sup>۲</sup> حقیقتاً انسانهای هوشمند در بسیاری از مناطق دنیا، این‌گونه زندگی می‌کنند. اگر در دل‌ها امید به روزگار روشن باشد، مبارزه ممکن است و اگر امید بمیرد، مبارزه و حرکت به سمت صلاح هم خواهد مرد.

### 🌸 انقلاب اسلامی ایران، مهمترین وسیله برای امیدواری ملت‌ها

واقعیت دیگر آن است که امروز ما در دنیا شاهد بیداری ملت‌ها هم هستیم. درست است که با پیشرفت وسایل جدید و تلویزیون و رادیو و تبلیغات و پول و امکانات صنعتی و غیره، تسلط قدرتهای استکباری بر ملت‌ها و بر شؤون آنها روز به روز بیشتر شده است؛ اما سنت الهی بر این قرار گرفته که ملت‌ها هم بیدار بشوند و ما امروز می‌بینیم که ملت‌ها هم روز به روز بیدار می‌شوند و این به خاطر امیدی است که آنها به آینده پیدا کرده‌اند. امید، در حال بیدار کردن ملت‌هاست. بدون شک، مهمترین وسیله‌ی امید برای ملت‌ها در ده سال اخیر، پیروزی





انقلاب اسلامی در ایران، تشکیل حکومت مردم، تأسیس حکومت «نه شرقی و نه غربی» و پیشرفت سیاست مقاومت در مقابل قدرتهای استکباری بود. این وقایع، به مردم دنیا - خصوصاً مسلمانان - امید بخشید و آنها را بیدار کرد. این، صنع الهی و قدرت خدا بود.

### 🏠 صدور انقلاب عامل تکثیر امید در ملتها

چه قدر تبلیغات جهانی این جمله‌ی امام عزیز و فقیدمان را کوبیدند که فرموده بودند: «ما انقلابمان را به همه‌ی عالم صادر خواهیم کرد». صدور انقلاب به معنای این نبود که ما برمی‌خیزیم و با قوت و قدرت به این طرف و آن طرف می‌رویم و جنگ راه می‌اندازیم و مردم را به شورش و انقلاب وادار می‌کنیم؛ مقصود امام به هیچ‌وجه این نبود. این کار جزو سیاستها و اصول ما نیست؛ بلکه مردود است. آنها این جمله را این‌گونه معنا کردند و آن را کوبیدند.

معنای صدور انقلاب این است که ملت‌های دنیا ببینند یک ملت، با قدرت خود و با اتکاء به اراده و عزم خویش و با توکل به خدا می‌تواند ایستادگی کند و تسلیم نشود. اگر ملت‌های این پایداری را دیدند، باور خواهند کرد و تشویق خواهند شد که خودشان را از زیر بار ظلم نجات بدهند. امروز شما واضحت‌ترین حرکات مسلمین را در جاهایی می‌بینید که سال‌های متمادی مسلمان‌های آن‌جا زیر فشار بودند؛ مثل کشمیر و سایر کشورهای که امروز مسلمانها سر بلند کرده‌اند. البته، بر اینها فشار خواهند آورد و فشار آوردند و ظلم کردند؛ اما فشار به معنای از بین بردن نتیجه‌ی کار نیست. فشار قادر نیست که یک حرکت مستمر و متوکل بر خدا را متوقف بکند؛ بلکه گاهی فشار، آن حرکت را وسیعتر هم خواهد کرد.

شما اگر امروز به مردم فلسطین در داخل سرزمین‌های اشغالی نگاه کنید، می‌بینید که حقیقتاً مردم با فشار مبارزه کردند. این مبارزه در شرایط سختی در فلسطین انجام می‌گیرد؛ اما مردم این مبارزه را ادامه دادند. همین ملت افغانستان که با سختیهای بسیار مواجه شدند و در سرتاسر دنیا هیچ‌کس نبود که حتی یک روز به داد اینها برسد و به آنها کمک کند، تنها و مظلومانه جنگیدند و ایستادند و ادامه دادند. بقیه‌ی ملت‌ها هم همین‌گونه‌اند و این از الگوی اسلام و جمهوری اسلامی در ایران ناشی می‌شود. انقلاب، این‌طور صادر می‌شود و درس و تعلیم و سرمشق برای ملت‌ها به وجود می‌آورد.

آنچه که امروز دستگاه استعماری امریکا و اذتاب او و سایر دشمنان اسلام و انقلاب به دنبال آن هستند، این است که چهره‌ی مقاومت ملت ایران را در سطح جهان مخدوش کنند. مردم دنیا از مقاومت شما امیدوار شدند؛ چون دیدند شما ایستادگی کردید و در مقابل فشار زانو نزدید. اگر دشمن بخواهد امید را از مردم دنیا بگیرد، چه کار باید کند؟ باید به مردم دنیا وانمود کند که ملت ایران نتوانستند پایداری کنند و مقاومتشان تمام شد. اگر - العیاذ بالله - امریکا و تبلیغات غرب و استکبار بتوانند این حرف را در دنیا به کرسی بنشانند که ملت ایران هم با این همه ادعا و هیاهو، بالاخره نتوانست طاقت بیاورد و به زانو درآمد، در این صورت به مقصود خود رسیده‌اند و در نتیجه همان امیدی که در دل‌های مسلمانها و ملت‌ها و مستضعفان به وجود آمده

بود، به یأس مبدل خواهد شد.

### 🌸 تلاش غرب برای مایوس کردن ملت‌ها

اگر به تبلیغات استکباری و امریکایی و غربی و صهیونیستی نگاه کنید، خواهید دید که تمام کارهای آنها، روی همین یک نقطه متمرکز است. به عبارت دیگر، هر چیزی که نشان‌دهنده امید و مقاومت ملت ایران است، آن را منعکس نمی‌کنند. آنها وحدت و شور و حماسه‌ی مردم و حضور گسترده‌ی ملت ما را در راهپیمایی‌های عظیم ۲۲ بهمن و سایر مناسبت‌ها، عمداً منعکس نمی‌کنند و خبر فعالیت‌ها و پیشرفت‌ها و تلاش‌های دولت جمهوری اسلامی را منتشر نمی‌سازند و از وفاداری بی‌نظیر ملت ما نسبت به دستگاه‌های مسؤول حرفی نمی‌زنند و حتی خبر پیروزی ایران در مقابل کسانی که ادعاهای حقوق بشری داشتند و پس از سفر نماینده‌ی سازمان ملل به ایران، ادعاهای دشمنان انقلاب و منافقان را تأیید نکردند و آنها را در گزارش خود رسوا ساختند، در رسانه‌های استکباری درست منعکس نشد.

آنها کمال خبثت را در انعکاس حقایق روشن ملت ایران اعمال می‌کنند؛ چون اگر مردم دنیا بفهمند که در بیست و دوم بهمن بعد از رحلت امام، چنین حرکت عظیمی انجام گرفت، امیدشان بیشتر خواهد شد. آنها نشانه‌ی مقاومت ملت ایران را منعکس نمی‌کنند. در دوران جنگ هم پیروزی‌های ملت ما را منعکس نمی‌کردند. آن روزی که رزمندگان سلحشور ما خرمشهر را پس گرفته بودند، خبر آن را منعکس نکردند. به طور کلی، هر چیزی که نشان‌دهنده مقاومت و امید و ایستادگی ملت ایران در مقابل قدرتهاست و به ملت‌های دیگر امید می‌دهد، آن را مکتوم نگه می‌دارند و پخش نمی‌کنند؛ اما بعکس، اگر چیزی موجب ناامیدی می‌شود، آن را منتشر می‌کنند! فرض کنید ناطقی در یک جا حرفی بزند و آماره‌ی به راست یا دروغ بدهد که حکایت از یک نارسایی و نابسامانی کند، می‌بینید تمام رادیوهای بیگانه آن را پخش می‌کنند! اگر کسی ادعا کند که اختلاف و تفرقه هست، یا حرفی بزند که بوی اختلاف و تفرقه در آن باشد، این حرف و ادعا را با صد‌ها زبان منعکس می‌کنند تا نشان دهند که در ایران اختلاف و تفرقه وجود دارد!

### 🌸 مسأله پیشرفت و تأثیر آن در امید ملت‌ها

با وجود ابتکار و پیشرفت در کارهای شما و ورودتان در زمینه‌های جدید علمی و عملی، رادیوهای بیگانه در صدد این نیستند که پیشرفتهای جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف را به جهانیان منعکس نمایند؛ بلکه اگر نقاط ضعفی پیدا کنند، آن را ده برابر جلوه می‌دهند؛ چون وضعیت شما مردم برای قدرتها دردسر خواهد داشت و در روحیه‌ی ملت‌های دیگر اثر می‌گذارد و قدرتهای استکباری نمی‌خواهند مقاومت و ادامه‌ی حیات قدرتمندانه‌ی شما، به دیگران امید بدهد.

البته، خدای متعال با ماست. در تمام مراحل این دوره یازده سال، خداوند به ما کمک کرده و باز هم کمک او شامل حال ملت ایران خواهد بود - در این تردیدی نیست - شرطش این است که در کارهای خودمان، خدا را



در نظر داشته باشیم؛ خصوصاً ما مسؤولان و کسانی که کاری در اختیار آنهاست، سعی کنند کار را برای خدا و صلاح ملت، خوب انجام بدهند.

### عدالت، مهمترین بنای جامعه مهدوی

ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (علیه‌الاف التحیه‌والثناء و عجل الله تعالی فرجه) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آن گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم.

مظهر عدل پروردگار، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) است و می‌دانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان (علیه‌الصلاة والسلام) - که در دعاها و زیارات و روایات آمده است - عدالت می‌باشد: «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً». ما باید امروز جامعه را جامعه‌ی عدالت بکنیم. در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهمتر است. عدالت، به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام است. عدالت، یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت، یعنی این که برنامه‌ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد. عدالت، به معنای این است که کسانی که در زیر سایه‌ی سنگین نظام طاغوتی، از حقوق خود محروم ماندند، به حقوقشان برسند. عدالت، یعنی این که عده‌ی خاصی برای خودشان حق ویژه‌ی قابل نباشند. عدالت، یعنی این که حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقلهای مادی و منحرف از معنویت، توانستند به چیزهایی که حق آنها نبوده است، دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه‌ی کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است.

البته، کمک به مظلومان و محرومان، شامل کمکهای فردی هم می‌شود، اما قضیه بالاتر از اینهاست؛ زیرا تحقق زندگی عادلانه به این است که کمک نظام و تشکیلات و حرکت آن، در جهت کمک به مستضعفان باشد. ما اگر در این جهت، زندگی خود را پیش بردیم و حرکت کردیم، مطمئناً خدای متعال کمک خواهد کرد و قدرتهای مادی نخواهند توانست با این ترفندها و فریبها، ملت ما را از راه پُرافتخار خود منصرف کنند و مقاومتش را بگیرند. ان شاء الله روز به روز مقاومت مردم بیشتر خواهد شد.



## مبارزه با استکبار، تلاشی برای حاکمیت اسلام

اهمیت و ارزش مسأله انتظار در تشیع

مفهوم شناسی مسأله انتظار

امتحان انسانهای پاک در میدان مجاهدت قبل

از ظهور

ترسیم فضای یأس آلود در مقابل چشم

مستضعفان، حربه استکبار

آماده کردن زمینه ظهور با حاکمیت قرآن و اسلام

اولین قدم برای ظهور

بهترین شیوه برای مصون ماندن انقلاب

صدور انقلاب اسلامی با صبر و استقامت ملت

## مبارزه با استکبار، تلاشی برای حاکمیت اسلام\*

عید میلاد مبارک و باسعادت و سرشار از امید و انتظار امام غایب و حجت الهی در زمین، مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف و سلام الله علیه و علی ابائه الأطیبین الأطهرین) را به شما برادران و خواهران عزیز قمی صمیمانه تهنیت و تبریک می گویم. این یک فرصت بسیار مغتنم و بالارزش برای این جانب است که شهر قم و مردم قم و این آستان مقدس را - که حرم اهل بیت است - در روزی زیارت کنم که روز عید و جشن همه‌ی منتظران عالم و همه‌ی کسانی است که در اعماق جان خود، انتظار آزادی و عدالت و رهایی از ظلم و تعدی و طغیان را دارند.

از اولین لحظات پیدایش این نهضت مبارک که تحت الطاف حضرت ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه) روز به روز به پیش رفته است، شما مردم قم، زن و مردتان، پیر و جوانتان، با آن ارتباط پیدا کردید؛ به آن کمک کردید و در صحنه‌های گوناگون، با همه‌ی وجود از آن دفاع نمودید. خوشحالم از این که خداوند متعال این توفیق را به این جانب داده است که باز بتوانم شما عزیزان قمی را در این مکان مقدس و شریف و در این شهر پُر خاطره، آن هم در چنین روز عزیز و شریفی زیارت کنم.

### اهمیت و ارزش مسأله انتظار در تشیع

لازم می‌دانم چند مطلب را در این مدت کوتاه عرض کنم؛ که اینها مطالب اساسی فکری و سیاسی ماست و به هم مرتبط هم است:

مطلب اول درباره‌ی این بخش عظیم اعتقادی ماست که عبارت است از انتظار ظهور ولی عصر و مهدی

موعود و منجی بشریت. همه‌ی مسلمانان، حقیقت‌مهدی موعود را از طریق روایات خدشه‌ناپذیری که از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اولیای دین رسیده است، قبول دارند؛ اما این حقیقت در هیچ جای جهان اسلام، مثل محیط زندگی ملت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهره‌ی درخشان و این روح پُر تپش و پُر امید را ندارد؛ این به خاطر آن است که ما به برکت روایات متواتره‌ی خودمان، شخص‌مهدی موعود را با خصوصیاتش می‌شناسیم. مردم ما ولی الله اعظم و جانشین خدا در زمین و بقیه‌ی اهل بیت پیامبر را با نام و خصوصیات می‌شناسند؛ از لحاظ عاطفی و فکری با او ارتباط برقرار می‌کنند؛ به او می‌گویند؛ به او شکوه می‌برند؛ از او می‌خواهند و آن دوران آرمانی - دوران حاکمیت ارزشهای والای الهی بر زندگی بشر - را انتظار می‌برند؛ این انتظار دارای ارزش زیادی است. این انتظار به معنای آن است که وجود ظلم و ستم در عالم، چشمه‌ی امید را از دل‌های منتظران نمی‌زداید و خاموش نمی‌کند. اگر این نقطه‌ی امید در زندگی جمعیتی نباشد، چاره‌ی ندارد جز این که به آینده‌ی بشریت بدبین باشد.

### مفهوم شناسی مسأله انتظار

این ظلم عظیم مسلط بر عالم، این سلطه‌های ناحق، این زورگویی به ملت‌ها در سطح جهان، این ریختن خون‌های بناحق، این پایمال کردن شریفترین و عزیزترین ارزشهای انسانی، این دروغها و تزویرهایی که سردمداران استکبار جهانی هر روز تحویل بشریت می‌دهند، این همه بدی، این همه استثمار و ظلم، انسانی را که چشمه‌ی امیدی در دل نداشته باشد، به‌طور طبیعی مأیوس می‌کند؛ لذا است که شما می‌بینید نسل جوان در کشورهای غربی، به سوی پوچی کشانده می‌شوند. نسل جوانی که به سنتها خو نگرفته است و خود را پایبند سنتها نکرده است، وقتی که این نابسامانی محیط زندگی بشریت را می‌بیند، ناامید می‌شود؛ لذا به سمت پوچی کشیده می‌شود. بسیاری از دختران و پسران در کشورهای غربی، به سمت بیهودگی و بی‌اعتنایی به مظاهر زندگی و پوچی و غرقه شدن در شهواتِ آنی کشیده می‌شوند؛ این بر اثر یأس است؛ بسیاری از دانشمندان و نویسندگان و سخنگویان بشریت به این حالت دچار می‌شوند؛ اما آن ملتی که به آینده امید دارد، می‌داند که روزگار ظلم و ستم و زورگویی و تجاوز و طغیان و استکبار، با همه‌ی حجم عظیمی که امروز در جهان به وجود آورده است، یک روزگار تمام‌شدنی است و دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره‌ی حق، همه‌ی قله‌های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم‌انداز زندگی بشر را با نور عدالت منور خواهد کرد؛ معنای انتظار دوران امام زمان این است.

### امتحان انسانهای پاک در میدان مجاهدت قبل از ظهور

شما جوانان عزیز که در آغاز زندگی و تلاش خود هستید، باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی آماده کنید؛ دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد؛ دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعالتر و خلاقتر و آفریننده‌تر است؛ دورانی که ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند؛ دست‌های

جنگ‌افروز عالم - همانهایی که جنگهای منطقه‌یی و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می‌اندازند - دیگر نمی‌توانند جنگی به راه بیندازند؛ در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست؛ باید برای آن دوران تلاش کرد. قبل از دوران مهدی موعود، آسایش و راحت‌طلبی و عافیت نیست. در روایات، «والله لتمعصن» و «والله لتغربلتن» (۲) است؛ بشدت امتحان می‌شوید؛ فشار داده می‌شوید. امتحان در کجا و چه زمانی است؟ آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود، در میدانهای مجاهدت، انسانهای پاک امتحان می‌شوند؛ در کوره‌های آزمایش وارد می‌شوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود (ارواحنافداه) روز به روز نزدیکتر می‌شود؛ این، آن امید بزرگ است؛ لذا روز نیمه‌ی شعبان، روز عید بزرگ است.

### ترسیم فضای یأس آلود در مقابل چشم مستضعفان، حربه استکبار

حالا که بحمدالله توجهتان کاملاً جلب شد، من یک بار دیگر این عید را به شما تبریک می‌گویم؛ بخصوص که این عید مایه‌ی امید و درست نقطه‌ی مقابل آن فضای یأس آلودی است که استکبار می‌خواهد در مقابل چشم مستضعفان عالم به وجود بیاورد. اگر امروز شما سیاستگذاران و طراحان برنامه‌های استکباری را مشاهده کنید، خواهید دید که از مهمترین کارها و هدفهای آنها یکی این است که در مقابل چشم مردم، فضای یأس آلودی نسبت به اصلاحاتی که باید انجام بگیرد، ایجاد کنند. ملتها باید از صلاح مأیوس بشوند، تا حربه‌ی استکبار کارگر بیفتد؛ والا اگر ملتها امیدوار باشند و امیدوار بمانند، حربه‌ی استکبار چندان کارگر نیست. سعی می‌کنند فضای تیره‌یی را در مقابل چشمها ترسیم کنند؛ فضای تیره به این معنا که به ملتها تفهیم کنند که نیروی ذاتی شما، فرهنگ شما، اعتقادات شما، شخصیت و هویت ملی شما، نمی‌تواند برای شما کاری انجام بدهد؛ باید قدرتهای بزرگ به شما کمک کنند تا بتوانید حرکت کنید.

درست صدو هشتاد درجه مقابل این فکر، فکر انتظاری است که بر محیط ما و بر محیطهای طرفداران مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) حاکم است. انتظار، یعنی دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر. ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند - فاصله هست - اما بلاشک آن دوران وجود دارد؛ لذا تبریک این عید - که عید امید و عید انتظار فرج و گشایش است - درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمن می‌خواهد به وجود بیاورد.

### آماده کردن زمینه ظهور با حاکمیت قرآن و اسلام

مطلب دوم در دنباله‌ی همین مسأله است. ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود (ارواحنافداه) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. همان طور که عرض کردم، فرموده‌اند: «والله لتمعصن» و



«والله لتغربلتن»؛ این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولی عصر (ارواحنافاده) با آن مواجه هستند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید؛ ملت بزرگ ما این یک قدم را برداشتند.

### اولین قدم برای ظهور

من در این شهر قم که خاستگاه مبارزه و انقلاب است، و در این ساحت مقدس که شاهد مجاهدتها و تلاشهای مخلصانه‌ی دیرین طولانی دوران نهضت در قبل و بعد از پیروزی انقلاب بوده است، باید این مطلب را عرض کنم که اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (ارواحنافاده و عجل الله فرجه)، به‌وسیله‌ی ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است؛ این، آن چیزی است که دنیای مادی نمی‌خواست آن را باور بکند. بعد از قرن‌ها تلاشی که کرده بودند تا دین - و بخصوص دین مقدس اسلام - را از صحنه خارج کنند، نمی‌خواستند ببینند که حالا این دین با یک حاکمیت و بر سریر قدرت یک حکومت، در صحنه‌ی عالم ظاهر شده است و ملتها را به خود جلب و جذب می‌کند؛ لذا مبارزات استکبار و دشمنان دین و جبهه‌ی کفر و عناد و استکبار با جمهوری اسلامی شروع شد.

آنچه لازم است ما بدانیم و همه‌ی ملت عزیز ما بدانند، این است که سنت‌های الهی کار خود را کرده است. علی‌رغم فشاری که دشمن در طول این سیزده سال نسبت به جمهوری اسلامی و کشور عزیز ما ایران انجام داده است، بحمدالله تلاشهایی که شده، به ثمر نشست و نتیجه داده است؛ این باید از معجزات اسلام به حساب آید.

### بهترین شیوه برای مصون ماندن انقلاب

امروز کسانی که در معرض تشکیل حکومت در کشورها قرار می‌گیرند، دست و دلشان می‌لرزد که با این همه فاصله‌ی که میان دولتهای فقیر و غنی در دنیا به وجود آمده است، آیا می‌توانند این بار سنگین را بر دوش بگیرند؟ جمهوری اسلامی ایران - این نظام مقدس الهی و اسلامی - علی‌رغم تضییق‌های روزافزون دشمنان، توانست کارهای درخشانی را در سطح کشور انجام بدهد که حتی یک دولت در شرایط معمولی و غیر بحرانی هم نمی‌توانست این همه تلاش و خدمت انجام بدهد؛ این چیزی است که تصور آن برای دشمنان اسلام دردآور است؛ آنها می‌خواستند ببینند که جمهوری اسلامی ناکام و ناموفق می‌ماند.

جمهوری اسلامی بحمدالله در ابعاد گوناگون و مختلف به توفیقات بزرگی دست پیدا کرده است؛ هم در زمینه‌ی سازندگی کشور، هم در زمینه‌ی افکار و اخلاق عمومی، هم در زمینه‌ی فرهنگ و گسترش فرهنگ اسلامی، هم در زمینه‌ی کشاندن کشور به استقلال و زنده کردن استعدادها و به صحنه آوردن توده‌ی مردم در دورانهای سیاه حکومت‌های پادشاهی و ستمشاهی، مردم همواره از صحنه بیرون بودند؛ کسی به مردم





کاری نداشت؛ آنچه که بود، در دست قدرتها بود؛ خودشان هر کاری که می خواستند، می کردند؛ ملتها کاره‌یی نبودند. جمهوری اسلامی این توفیق را پیدا کرد که این سدی را که در طول قرن‌ها به وجود آورده بودند، فرو بریزد؛ ملت، همه کاره و تصمیم‌گیرنده بشود و مسؤولان کشور ناگزیر باشند آراء و خواست و نظرات ملت را رعایت کنند؛ که این بهترین شیوه برای مصون ماندن انقلاب است.

آنچه که مهم است، این است که بحمدالله ملت ما به آگاهی رسیده و هوشیار است. این همه تبلیغاتی که دستهای استکبار در سرتاسر عالم روی آن سرمایه‌گذاری می‌کنند، بر این ملت اثری نمی‌گذارد. ملت به تلاشهای استکباری در زمینه‌ی تبلیغات، لبخند تمسخر می‌زند و می‌داند که انگیزه‌ی آنها از این تبلیغات چیست؛ این توفیق بزرگی برای یک ملت است.

امروز استکبار جهانی به وسیله‌ی رادیوها و دستگاههای تبلیغاتی خود در دنیا، حکومتها را جابه‌جا می‌کند؛ کسانی را می‌برد و کسانی را به جای آنها می‌آورد؛ این قدر قدرت تبلیغاتشان بر روی نظامهای پوچ و بی‌پایه‌یی که به ملتها متکی نیستند، دارای تأثیر است؛ اما این ملت بحمدالله بنیان مرصوص و ایمان بزرگی دارد.

#### 📖 صدور انقلاب اسلامی با صبر و استقامت ملت

امام و معلم بزرگ این ملت - آن انسان استثنایی زمان ما؛ آن رهبر فوق‌العاده‌یی که تاریخ ما در این قرون اخیر نظیرش را مشاهده نکرده است؛ آن انسان والا با آن اخلاص فوق‌العاده - راهی را پیش پای مردم ما گذاشت؛ خدای متعال هم تفضل کرد؛ دست عنایت ولی عصر هم بحمدالله همواره با این ملت بوده و به آنها کمک کرده و این آگاهی در ملت ما به وجود آمده است.

بحمدالله همه‌ی مسؤولان دارند کار و تلاش می‌کنند و هر کدام در بخش مربوط به خود مخلصانه زحمت می‌کشند؛ خدا هم لطف و کمک می‌کند و به کارهای آنها توفیق می‌دهد و پیشرفتهای زیادی پیدا می‌کنند؛ هم در زمینه‌های سیاسی، هم زمینه‌های اقتصادی، هم در زمینه‌های سازندگی کشور.

صبر عظیم و پولادین این ملت، در میدانهای گوناگون آزمایش شده است. ان شاءالله در آینده‌ی نه چندان دوری، با همین صبر و استقامت، وضعیتی به وجود خواهد آمد که مسلمانان کشورهای دیگر، بلکه ملت‌های غیرمسلمان، از این نظام زندگی و نظامی که مایه‌ی آبادانی و سازندگی کشور است، درس و الگو بگیرند و ان شاءالله اسلام چهره‌ی سازنده‌ی خود را در آن روز به طور واقعی به دنیا نشان بدهد.

## انتظار فرج یعنی حرکت در جهت قسط و عدل

- ❖ اسلام، تأمین کننده عدل برای بشر
- ❖ تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در میان ملت‌ها:
- ❖ الف) ایجاد امید در دل ملت‌ها
- ❖ ب) برگرداندن هویت اسلامی به ملت‌ها
- ❖ ج) شناساندن دشمن و استکبار به ملت‌ها
- ❖ لزوم هشیاری مسلمانان عالم در مقابل جبهه استکبار
- ❖ همکاری مسلمین در جهت مقابله با استکبار
- ❖ نقاط اصلی پیشرفت انقلاب اسلامی:
- ❖ الف) ولایت فقیه
- ❖ ب) جوانان
- ❖ ج) مردمی بودن حکومت
- ❖ د) روحانیت
- ❖ پیوند سرنوشت بشر با انتظار فرج
- ❖ مقاومت، رمز پیروزی ملت‌ها
- ❖ و...

## انتظار فرج یعنی حرکت در جهت قسط و عدل\*

## اسلام، تأمین کننده عدل برای بشر

آنچه که در باب این میلاد مبارک به طور دائم باید مورد توجه باشد، این است که امام زمان علیه سلام الله، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را می کشند. البته مسلمانان به صورت مشخص، این انتظار بزرگ را معلوم و تحدید کردند و شیعیان نسبت به شخصی که این لباس بر قامت او دوخته شده است، آگاهیهای روشن و مشخص کننده ای هم دارند. لذاست که موضوع امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، با این دید، نه مخصوص شیعه و نه حتی مخصوص مسلمین است. بلکه انتظاری در دل همه قشرهای بشر و ملتهای عالم است. امیدی است در دل بنی آدم؛ که تاریخ بشریت به سمت صلاح حرکت می کند. این امید، به بازوان قوت می بخشد، به دلها نور می دهد و معلوم می کند که هر حرکت عدالتخواهانه ای، در جهت قانون و گردش طبیعی این عالم و تاریخ بشر است. به همین خاطر است که وقتی ملت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریت حرکت می کنند. بعد از پیروزی انقلاب هم احساس ملت ایران این است که هر حرکت و هر اقدامی؛ هر مبارزه ای که کردیم و هر رنجی که تحمل نمودیم، در جهت مقصودی است که میان آحاد بشر و همه اهل معرفت مشترک است. مقصود، استقرار عدالت، و هدف، رسیدن به عدل برای بشر است. و اسلام این عدل را تأمین می کند.

## تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در میان ملت‌ها:

### الف) ایجاد امید در دل ملت‌ها

آنچه که من امروز به مناسبت این میلاد مسعود و اجتماع شما حضار محترم و برادران و خواهران در نظر دارم عرض کنم، نکته‌ای در باب مسائل مربوط به انقلاب است. آن نکته این است که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، امیدی در دل ملت‌ها و مبارزان مسلمان در همه جای عالم پدید آورد؛ دل‌های مرده را زنده کرد و هر چه علیه اسلام و بلکه علیه مطلق دین، تبلیغ و فعالیت و تلاش شده بود، آنها را از ذهن و عمل ملت‌های مبارز در سراسر دنیا زدود و از بین برد. لذاست که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در اطراف عالم نهضت‌های انقلابی پدید آمد، یا اگر هم قبلاً بود، اوج گرفت و شتاب پیدا کرد. علاوه بر این، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، وقتی جوانان و غیرتمندان یک ملت می‌خواستند مبارزه‌ای را علیه ظلمی که بر آن ملت و در منطقه خودشان حاکم بود، آغاز کنند، به دنبال تفکرات چپ می‌رفتند. از چپ‌ها الهام می‌گرفتند و از آنها جزوه و نوشته و دستورالعمل دریافت می‌کردند. هر جای دنیا که نهضت یا مبارزه‌ای علیه ظلم وجود داشت، شما می‌دیدید یک صبغه چپ در آن هست، یا سعی می‌شد این صبغه چپ به نحوی به آن داده شود. چنین تصور می‌شد که بدون ارتباط و اتصال با یک تفکر یا با یک مکتب - که آن هم مثلاً مکتب مارکسیزم بود نمی‌شود مبارزه‌ای را سازماندهی و هدایت کرد و به پیروزی رساند! اما بعد از آن که انقلاب اسلامی پیروز شد، دیدیم در هر نقطه عالم که یک حرکت انقلابی و یا حرکت غیورانه‌ای در مقابل ظلم و جور انجام می‌شود، صبغه مذهب پیدا می‌کند. حرکت‌های مذکور در کشورهای اسلامی، صبغه اسلام به خود می‌گرفت و در کشورهای غیراسلامی، گرایش به یک مذهب دیگر را در خود داشت. ما حتی در اوایل پیروزی انقلاب، مبارزاتی را مشاهده کردیم که قبل از آن، گرایش‌هایشان مارکسیستی بود؛ اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نه این که آن گرایش مارکسیستی به کلی از بین برود، ولی یک رگه مذهبی هم در آن به وجود آمد و یا یک عنصر مذهبی هم در آن وارد شد. این همه، از تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بود.

### ب) برگرداندن هویت اسلامی به ملت‌ها

انقلاب اسلامی ایران، پس از پیروزی خود، از یک طرف به مبارزان دنیا امید داد و دل‌های غیرتمندانی را که می‌خواستند با ظلم و جور و نامردمی در هر نقطه عالم مبارزه کنند زنده کرد و از طرف دیگر، هویت اسلامی را به ملت‌های مسلمان برگرداند. در این هیچ شکی نیست. این تأثیر مثبتی بود که انقلاب اسلامی در همه جای دنیا گذاشت.

### ج) شناساندن دشمن و استکبار به ملت‌ها

اما همزمان با این تأثیر، یک تأثیر دیگری هم در دنیا به جا نهاد و آن این بود که دشمنان جبهه اسلام

را بیدار کرد و به آنان تجربه داد! دشمن کیست؟ جبهه ضدّ اسلامی است؛ استکبار است؛ همان که ما به آن «استکبار» می‌گوییم؛ قدرتهای مسلط عالم. یک روز مظهر استکبار، امریکا و شوروی بودند. امروز که شوروی نیست، امریکا در رأس استکبار قرار گرفته است. قدرتهای مرتجع، قدرتهای ضدّ مردمی، قدرتهای متجاوز، قدرتهایی که ملتهای ضعیف را در مشقت خود می‌خواهند و دنیا را متعلق به خود می‌دانند، همه در جبهه استکبار ثبت نام کرده‌اند و اسلام و انقلاب اسلامی با اینها روبه‌روست. اینها بعد از انقلاب اسلامی، مجرب شدند و تجربه پیدا کردند. وقتی انقلاب اسلامی پیش آمد، استکبار هیچ تجربه‌ای نسبت به حرکت‌های عظیم اسلامی نداشت. در گذشته حرکت‌های نامنجمی پیش آمده بود؛ اما این انقلاب و این مبارزه، واقعه و حرکت عظیمی بود که استکبار در مقابلش غافلگیر شد.

### 🏠 لزوم هشیاری مسلمانان عالم در مقابل جبهه استکبار

ما در اوان پیروزی انقلاب اسلامی به خوبی مشاهده می‌کردیم که دشمن، حیرت‌زده و گیج است و نمی‌فهمد چه اتفاق افتاده است. در حقیقت، استکبار نمی‌توانست تحلیل درستی از آنچه که واقع شده بود پیدا کند. اما بعد از آن که جمهوری اسلامی تشکیل شد، مبارزه ملت ما با آن قدرت ادامه پیدا کرد؛ جنگ تحمیلی پیش آمد؛ مقاومت این ملت پیش آمد؛ رهبری قاطعانه امام خود را در میدان‌های مختلف نشان داد و پیوند اسلامی میان مردم و امام، ابعاد مختلف خودش را شناساند؛ دشمن بیدار و هشیار شد و تجربه پیدا کرد. این نکته، برای ما ملت ایران و نیز برای مسلمانان در سایر نقاط عالم، مهم است. با این حال، مسلمانان در سایر نقاط عالم باید توجه کنند که مبارزات اسلامی، مثل یک جنگ نظامی سنتی و کلاسیک است. عیناً مشخصات همان برخورد را دارد. در جنگ نظامی، وقتی می‌بینید دشمن حرکتی ابتکاری از خود نشان می‌دهد، سعی می‌کنید ضدّ آن حرکت را انجام دهید. همین که دشمن سلاح جدیدی به دست می‌آورد، سعی می‌کنید ضدّ آن سلاح را فراهم کنید. او تانک برای خود فراهم می‌کند، شما ضدّ تانک فراهم می‌کنید. او هواپیمای جنگی برای خود تحصیل می‌کند، شما ضدّهوایی درست می‌کنید. به معنای دقیقتر، هر حرکتی را که دشمن انجام داد شما می‌نشینید، فکر و تلاش می‌کنید و با ابتکار و هوشمندی، حرکت مقابل او را انجام می‌دهید. در مبارزات اسلامی نیز همین طور است. در نهضت اسلامی نیز همین وضع وجود دارد. دشمن چون نسبت به انقلاب اسلامی تجربه پیدا کرده است، روش‌های جدیدی را به کار می‌گیرد. لذا مسلمانان عالم باید هشیار باشند.

### 🏠 همکاری مسلمین در جهت مقابله با استکبار

می‌بینید دشمن در کشورهای مختلف اسلامی چگونه عمل می‌کند؟ می‌بینید امروز دشمن در بوسنی هرزگوین چطور عمل می‌کند؟ یکی حرکت صربهاست، یکی هم حرکت امریکا و اروپا که با سکوت خودشان، با بی‌اعتنایی خودشان، با تظاهر به اهمیت دادن و در واقع اهمیت ندادن، به نسل‌کشی توسط



صربها کمک می‌کنند. این، یک شیوه حرکت از طرف دشمن است؛ کار نوی است که دشمن انجام می‌دهد. در قضیه فلسطین می‌بینید که دشمن چه روشهایی را به کار می‌گیرد؟ در مقابله با نهضتهای اسلامی در کشورهای مختلف، مثل الجزایر و جاهای دیگر هم می‌بینید که دشمنان جهانی و عوامل بومی آنها چگونه حرکت می‌کنند؟ در هندوستان به گونه‌ای، در تاجیکستان به نحوی و در کشورهای مختلف، هر کدام بر حسب موقعیت، به نوعی. دشمن برای برخورد با نهضتهای اسلامی به طور دائم در حال طراحی است. مسلمانان هم باید اذهان خودشان را هدایت کنند؛ با یکدیگر به مشورت پردازند؛ از تجربه‌های هم استفاده ببرند؛ راهها را در مقابل یکدیگر باز، و به هم کمک کنند تا برای مقابله راههای جدیدی بیابند. ای بسا تجربه‌ها که ما را به ابتکارات جدیدی دعوت می‌کنند!

### 🔷 نقاط اصلی پیشرفت انقلاب اسلامی:

#### 🔷 الف) ولایت فقیه

به هر حال، اینها مربوط به سطح جهان است. در داخل جمهوری اسلامی؛ در داخل ایران اسلامی که مرکز توجه خصمانه دشمن است، دشمن از تجربه‌های خود حداکثر استفاده را می‌کند. لذا ما ملت ایران باید هشیار باشیم. دشمن چند نکته را بر حسب تجربه فهمید و دانست که اینها نقاط اصلی پیشرفت انقلاب اسلامی است و باید با اینها مقابله کند. یک نکته، امام، آن رهبر عجیب، استثنایی و عظیم‌القدر بود. دشمن متوجه شد که نفوذ رهبری در ایران اسلامی چه می‌کند و چگونه این رابطه محبت آمیز میان رهبر و ملت، در میدانهای مختلف گره‌گشا و باز کننده راههاست. دشمن دید که نفوذ امام رضوان الله تعالی علیه، چگونه مردم را در همه میدانها، مقابل دشمن بسیج می‌کند. این، نکته‌ای بود که دشمن روی آن تکیه کرد. تجربه‌ای که دشمن پیدا کرد این بود که باید شخص امام امت رضوان الله تعالی علیه و مطلق رهبری اسلامی - یعنی همان چیزی که در معارف انقلاب و معارف اسلامی با عنوان «ولایت فقیه» شناخته شده است - را زیر سؤال ببرد. لذا بیشترین تبلیغات دشمن، علیه امام بود. منتها به شکلی هدایت شده، دقیق و البته بی فایده! امروز هم ایادی دشمن، در اطراف عالم و داخل ایران، علیه امام تبلیغ می‌کنند. منتها به نام امام کاری ندارند؛ چون می‌دانند که به نام امام نمی‌شود نزدیک شد و به آن جسارت کرد. لذا به راه و عملکرد امام حمله می‌کنند و گذشته انقلاب را زیر سؤال می‌برند. این قلمهای مأجور و مزدور و یا غافل - از این دو خارج نیست - که در یک مقاله، سالهای اول انقلاب را به کلی زیر سؤال می‌برند، مقصودشان چیست؟! اینها با چه کسی طرفند؟! با امام؟! مگر رهبری امام نبود که ده سال به این ملت کمک کرد تا بتواند دشوارترین راهها را بپیماید؟ چه کسی می‌توانست کشور ویران شده‌ای را که ایادی دشمن و رژیم فاسد پهلوی آن را به خاک سیاه نشانده بودند و در دل آن، جنگ خانمان برانداز و ویرانگری پیش آمده بود، حفظ کند و به پیش ببرد؟ چه کسی ممکن بود این کار را بکند؟ این، رهبری امام بود. و حال رهبری

امام و رهبری اسلامی را زیر سؤال می‌برند؛ اصل مفهوم رهبری فقیه و حاکمیت دین‌شناسان را زیر سؤال می‌برند.

فقیه یعنی چه؟ فقیه یعنی کسی که دین را می‌شناسد و راهی را که دین برای مردم ترسیم کرده است تا بتوانند سعادت و خوشبختی و آزادی و خوشی دنیا و آخرت را به دست بیاورند، می‌شناسد و در مقابل مردم می‌گذارد. فقیه یعنی حاکمیت انسانی که یک منطق عقلانی پشت سرش هست و استدلالی محکم دارد. حاکمیت چنین انسانی را، حاکمیت یک نظامی یا یک سرمایه‌دار، یا حاکمیت یک سیاستمدار حزبی حرفه‌ای ندارد. مقالات خارجی، تبلیغات خارجی، خبرگزاریها، مطبوعات، رادیوها، تلویزیونها و مزدوران داخل کشور، این را زیر سؤال می‌برند. البته کشور ما به فضل الهی کشور آزادی است. ما نمی‌گذاریم مزدوران با کارهای خودشان این آزادی را متزلزل کنند. بعضی می‌خواهند به گونه‌ای بنویسند که ما جلوشان را بگیریم! نه؛ بگذار بنویسند! بعضی می‌خواهند در نوشته‌هایشان در مطبوعات به ما فحش بدهند و ما به جنگ با آن مطبوعات تحریک شویم تا بعد در دنیا بگویند: «ببینید جمهوری اسلامی آزادی ندارد!» نه؛ ما فریب نمی‌خوریم. ما در بحبوحه جنگ که در هیچ کشوری آزادی مطبوعات به آن شکل نیست، آزادی مطبوعات داشتیم. امروز شما نگاه کنید ببینید تعداد روزنامه‌ها و مجلاتی که در ایران منتشر می‌شود، چقدر است؟ در کدام کشور با ظرفیتهای کشور ما، این همه روزنامه و مجله منتشر می‌شود؟ هر چه هم دلشان می‌خواهد می‌نویسند! همین مطالبی که درباره‌شان صحبت کردم، در مقالات مجله‌ها وجود دارد. البته مردم، غالباً اطلاع ندارند که اینها چه می‌نویسند! علتش هم این است که مردم اعتنایی به مزدوران ندارند و وقتشان را صرف آن نمی‌کنند که چنان نوشته‌هایی را بخوانند. اما آنها می‌نویسند و ما خبر داریم. پس شما ملت عزیز هم باید بدانید که برای چه می‌نویسند و هدفشان چیست. دشمن از نفوذ و شخصیت امام و نفوذ رهبری دینی، در هر زمانی به شدت صدمه خورده و داغدار است. یکی از نقاطی که دشمن می‌خواهد با آن مقابله کند، رهبری و نفوذ آن است.

## ب) جوانان

نقطه دومی که دشمن روی آن سرمایه‌گذاری می‌کند، جوانان است. در ایران اسلامی، جوانان ما در کوره انقلاب، افرادی پارسا بارآمدند. پارسایی جوانان ما بی‌نظیر یا لااقل کم‌نظیر است. بنده که نظیری برای آن سراغ ندارم! جوان‌بری از آلودگیهای مختلف و پاک از شهوات، وارد میدانهای خطر می‌شود؛ همه چیز را رها می‌کند؛ آسایش و راحتی را کنار می‌گذارد؛ به فکر حرکتی الهی است و احساس می‌کند بار مسؤولیت بر دوش اوست. دشمن با چنین جوانی به شدت مخالف است. به همین سبب کوشش می‌کند تا جوانان ما پارسا نمانند. امروز باندها و دستهایی را می‌شناسیم که به شکل یک گروهک، می‌خواهند جوانان را فاسد کنند. البته ما با چنان باندها و دستهایی برخورد می‌کنیم و با آنها که نسل جوان را تهدید می‌کنند، شدیداً مبارزه خواهیم کرد.

### ج) مردمی بودن حکومت

نقطه دیگری که برای دشمن بسیار مهم است، موضوع مردمی بودن دولت و مجلس و مسؤولان کشور است. در کشورهایی که مثلاً دموکراسی وجود دارد، اگر شما نگاه کنید، می بینید غالباً دولتمردان یا از سرمایه داران و یا وابسته به سرمایه دارانند و مجلسهایشان را غالباً افراد متنفذ، پولدار، قدرتمند و زور دار پر می کنند. در کشورهایی هم که دم از دموکراسی می زنند، وضع به همین گونه است. در کشورهای معروف و نام آشنای جهان، غالب کسانی که در رأس حکومتها قرار می گیرند از خانواده ها و قشرهای شناخته شده سیاسی، مالی، نظامی و یا اشخاص وابسته به طبقات دارای زر و زورند. در ایران اسلامی این گونه نیست. مجلس شورای اسلامی متکی به عناصری از متن مردم است. یک معلم، یک کشاورز، یک روحانی، یک پزشک، یک کاسب یا یک دانشجو، به یک منطقه انتخاباتی رفته است و مردم او را شناخته اند، به او رأی داده اند و به مجلس شورای اسلامی وارد شده است. دولت جمهوری اسلامی نیز همین طور است. کسانی که در رأس مسؤولیتهای دولتی قرار دارند، افرادی هستند که عمر و جوانی خودشان را در مبارزات و سختیها و شدايد گذرانده اند. مثل رئیس جمهور عزیز ما؛ همین شخصیت برجسته ای که عمر و جوانی اش را در راه مبارزات گذاشته است. همکاران او هم کسانی اند که سوابق مبارزاتی و یا قابلیتها، آنها را به سمت مسؤولیتهای کشانده است. هیچ کدامشان به یک خانواده ثروتمند، به یک مجموعه اشرافی، به یک فامیل مشهور ریشه دار قدیمی، به یک کمپانی و یا به قشری از قشرهای دارای زر و زور، وابسته نیستند. همه از مردمان معمولی و انسانهای سالم و صادقند. مهندسی، دکتری، آدم کار کرده مجرب را آورده اند و مشغول کار کرده اند. این هم یک نکته است که دولت، دولتی مردمی است. لذا مردم، هم مجلس، هم دولت و هم مسؤولین را دوست می دارند؛ چون می بینند که اینها از جنس خودشان هستند. روی این نقطه هم، دشمن فعالیت می کند. دشمن تلاش می کند دولت و مسؤولین را در چشم مردم از صلاحیت و اَهْتِ لازم ساقط کند. این، کار دشمن است. تخصص دشمن در این است که خبرها را تحریف کند و واقعیتها را دروغ جلوه دهد.

### د) روحانیت

نقطه دیگری که دشمن روی آن تلاش می کند، روحانیت است. روحانیون چون در بین مردم محبوبیت و نفوذ و شخصیت داشتند، توانستند در دوران اختناق، پیام مبارزه را تا اعماق جامعه پیش ببرند و همه را از نظرات امام مطلع کنند. روحانیت مبارز این کار را کرد. مردم، روحانیت را دوست می داشته اند و به آنها اعتماد دارند. این اعتماد و ابراز محبت به روحانیون در کشور ما، یک سنت مربوط به طول قرنهاست. روحانیت اسلام در داخل کشور ما، متکی به مردم است و هیچ وقت وابسته به قدرتها نبوده است. امروز هم روحانیون به هیچ قدرتی وابسته نیستند و صددرصد مردمی اند. مردم ما همیشه قداستی برای روحانیت قائل بوده اند و بحمدالله، امروز هم قائلند. مردم، روحانیت را مجموعه ای پاک و سالم و قابل



اعتماد می‌دانند. می‌بینیم دشمن، از تجربه‌های خود در این زمینه، استفاده می‌کند. دشمن می‌فهمد که باید روحانیت را در چشم مردم، از حیثیت و اعتبار انداخت. همه تلاششان این است! تبلیغات می‌کنند، دروغ می‌گویند، اگر مسأله کوچکی را در جایی پیدا کنند، چندین برابر بزرگ می‌کنند و برای این که روحانیت را از چشم مردم بیندازند، خوبیها و گذشته‌ها و فداکاریه‌ها را نمی‌گویند. علم و دانش روحانیت را انکار می‌کنند و تقوای آنها را منکر می‌شوند؛ همچنان که پنجاه سال، در دوران رژیم پهلوی هم از این کارها می‌شد. روحانیت، که مجموعه‌ای علمی و تقوایی است، به وسیله بلندگوهای رژیم پهلوی، فاقد علم و تقوا معرفی شده بود. امروز هم همان تبلیغ کذا انجام می‌گیرد. اینها مجموعه کارهایی است که دشمن انجام می‌دهد.

### پیوند سر نوشت بشر با انتظار فرج

ملت ایران، به برکت دین و هشیاری و وحدت کلمه، توانسته است تا امروز از همه موانع بگذرد. مواظب باشید و این هشیاری را حفظ کنید. این هشیاری که از اعتقاد و ایمان دینی سرچشمه می‌گیرد، ما را به نکاتی از جمله «وحدت کلمه» توجه می‌دهد. این هشیاری را باید با همه وجود و با همه قدرت حفظ کنید. دشمنان ما بدانند که ملت ایران به برکت تعلیمات دینی، همچنان که در طول این راه از تهدید دشمن نترسیده است، امروز هم از تهدید و اُشتلم آنان نمی‌هراسد. قدرتمندان، دنیا را پر از ظلم می‌خواهند. گر چه به زبان نمی‌آورند؛ اما عملشان گواه آن است. ظلم می‌کنند، برای این که منافع خودشان را تأمین کنند. ما با ظلم و قلدری مخالفیم. ما برای استقرار قسط و عدل قیام و تلاش کرده‌ایم و باز هم این ملت در همین راه تلاش خواهد کرد. حرکتی که برای قسط و عدل است بر حرکتی که در مقابل قسط و عدل ایستاده است، پیروز خواهد شد. در این، شکی نیست. دنیا به سمت عدل و قسط حرکت می‌کند و معنای امام زمان و انتظار فرج همین است. انتظار فرج یعنی این که در سر نوشت بشریت، یک فرج بزرگ هست و ما به سمت آن فرج پیش می‌رویم. از چه بترسیم؟ چرا بترسیم؟ چرا تردید کنیم؟ چرا اطمینان خودمان را از دست بدهیم؟ دستورات اسلام، چراغ راهنمای ماست. آنچه را که میراث گرانبهایی از اسلام است، در دست داریم. مجموعه گفتار امام، که متخذ از اسلام است، میراثی گرانبها و دستاوردی عظیم است که چراغ راه ماست.

### مقاومت، رمز پیروزی ملت‌ها

ما معتقدیم که ملت‌های مسلمان، در هر نقطه از دنیا که هستند، اگر تصمیم بر ایستادگی برای اسلام و نصرت آن داشته باشند، پیروز خواهند شد. اساس قضیه این است که مسلمانان در هر نقطه از عالم که هستند، باید تصمیم بگیرند از عدالت دفاع کنند، از عدالت بگویند، در مقابل ظلم بایستند و از اسلام - اسلامی که طرفدار مظلومین و ضعفاست - دفاع کنند. قدرتمندان عالم که بر همه جا مسلطند، خودشان

قدرتشان را افسانه‌ای جلوه داده‌اند. واقعیت قدرت آنها با آنچه که دارند خیلی متفاوت است. اگر امریکا از آن قدرتی که ادعا و تلقین می‌کند برخوردار بود، امروز باید از مبارزات فلسطین اثری دیده نمی‌شد. اما می‌بینید که مبارزات مردم فلسطین، روز به روز پیش می‌رود. فلسطینیهایی که در این سرمای زمستان از خانه و کاشانه خود بیرون رانده شده‌اند، مشکلترین مشکل را برای رژیم صهیونیستِ غاصب به وجود آورده‌اند. اینها قوی هستند و غالب خواهند شد؛ به شرط این که صبر کنند. اسرائیلیهای غاصب و خبیث، با این عمل، اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند و خودشان را در محذوری چند جانبه گذاشته‌اند. امروز از هر طرف حرکت کنند، شکست می‌خورند و ضربه می‌بینند. امروز هر کار که بکنند با شکست مواجه می‌شود. اگر فلسطینیها را برگردانند، شکست خورده‌اند. نگهشان بدارند، شکست خورده‌اند. اعدامشان کنند، شکست خورده‌اند. زندانی‌شان کنند، شکست خورده‌اند. البته شرطش این است که مبارزین فلسطینی خسته نشوند؛ مقاومت کنند و بایستند و از سخن خود برنگردند. دشمن، آسیب پذیر است. همه دشمنانی که با ملتها مبارزه می‌کنند، آسیب پذیرند.



## عقیده درست به امام زمان (عج) عامل تسلیم نشدن مردم

نیاز معنوی و قلبی ملت‌ها به مهدویت

مهدویت عامل نجات بشر از ظلم و جور

آثار اعتقاد به مهدویت:

الف) تکامل فردی انسان

ب) امید بخشی به جوامع و ملت‌ها

اعتقاد به مهدویت، رمز‌هایی از ستمگران و ظالمان

اعتقاد به مهدویت، سد راه استکبار و استعمار

نقشه شوم پهلوی نسبت به مسئله مهدویت

تسلیم نشدن در برابر قدرتها با اعتقاد به مهدویت

تلاش امام(ره) برای امیدوار نگه داشتن مردم

مفتضح شدن دشمن با اعمال قبیح خود در دنیا

نتایج اعتقاد به مهدویت

## عقیده درست به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) عامل تسلیم نشدن مردم\*

### نیاز معنوی و قلبی ملت‌ها به مهدویت

روز ولادت حضرت مهدی موعود ارواحنا فداه، یک عید حقیقی برای همه افراد بشر و آن کسانی است که ستمی کشیده‌اند، رنجی برده‌اند، دلشان سوخته است، اشکی ریخته‌اند، انتظاری کشیده‌اند و یا با مشاهده ناملایمات در طول حیات خود و در هر نقطه‌ای از عالم - و حتی در هر نقطه‌ای از تاریخ - مصیبتی تحمل کرده‌اند. همه آنها در مثل چنین روزی و به یاد امروز، احساس شادمانی و امید و نشاط کرده‌اند. این ولادت بزرگ و این حقیقت عظیم، متعلق به یک ملت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلق به بشریت است. این «میثاق الله الذی أخذہ و وکده (۱)»، میثاق خدا با انسان است. «وعد الله الذی ضمنه (۲)»؛ این، وعده خداست که تحقق آن را ضمانت کرده است. همه انسانهای طول تاریخ، نسبت به این پدیده عظیم و شگفت آور، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده‌اند؛ چون تاریخ، از اول تا امروز و از امروز تا لحظه طلوع آن خورشید جهانتاب، با ظلم و بدی و پلییدی آمیخته بوده است. همه کسانی که از ظلمی رنج برده‌اند - چه آنهایی که به خودشان ظلم شده است و رنج برده‌اند و چه آنهایی که به ستمکشی دیگران نگاه کرده‌اند و رنج برده‌اند - با یاد ولادت این منجی عظیم تاریخ و بشر، در دلشان امیدی به وجود می‌آید.

### مهدویت عامل نجات بشر از ظلم و جور

به همین خاطر، شما می‌بینید که این حقیقت، مخصوص شیعه هم نیست؛ بل همه ادیان و مذاهب، عقیده دارند که یک منجی و یک دست مقتدر الهی، در مقطعی از تاریخ خواهد آمد و در نجات بشر از ظلم

و جور، معجزه‌گری خواهد کرد. فرقی که ما شیعیان با دیگران و بقیه فرقه اسلامی و غیر اسلامی داریم، این است که ما این شخص عظیم و عزیز را می‌شناسیم؛ اسمش را می‌دانیم، تاریخ ولادتش را می‌دانیم، پدر و مادر و آباء و اجداد عزیزش را می‌شناسیم و قضایایش را می‌دانیم؛ ولی دیگران اینها را نمی‌دانند. آنها عقیده پیدا نکردند یا باخبر نشدند و نمی‌دانند؛ ولی ما می‌دانیم. تفاوت این جاست. به همین دلیل است که توسلات شیعه، زنده‌تر و پرشورتر و با معناتر و با جهت‌تر است.

پس امروز، روز عید واقعی است؛ یعنی روز ولادت، برای همه بشر و تاریخ - حتی برای گذشتگان - عید است. کسانی بودند که در دوران تاریک فرعونها و نمرودها و ابوجهلها و سلاطین ظالم، در فقر و ظلم و تبعیض سر کردند و مُردند و رنج کشیدند و روی خوبی ندیدند؛ امروز برای آنها هم عید است. اگر روح آنها در عالم برزخ، از بعضی از تفضلاتی که پاره‌ای از ارواح بر خور دارند، بهره‌مند باشد؛ یقیناً مثل چنین روزی، شادی خواهند کرد. امروز با بقیه ایام و اعیاد، تفاوت دارد. واقعاً اگر ما امروز را «عید الله الاکبر» بنامیم، مبالغه و گزاف نیست.

#### آثار اعتقاد به مهدویت:

#### الف) تکامل فردی انسان

در قضیه ولادت آن بزرگوار و اعتقادی که به این حقیقت است، اگر انسان در دو ناحیه و در دو جهت جستجو کند، آثار عظیمی را مشاهده می‌کند:

اول، از جهت معنوی و روحی و تقرب الی الله و جهات تکامل فردی انسان است. کسی که اعتقاد به این مسأله دارد، چون با مرکز تفضلات الهی و نقطه اصلی و کانون شعاع رحمت حق، رابطه‌ای روحی برقرار می‌کند، توفیق بیشتری برای برخورداری از وسایل عروج روحی و تقرب الی الله دارد. به همین خاطر است که اهل معنا و باطن، در توسلات معنوی خود، این بزرگوار را مورد توجه و نظر دائمی قرار می‌دهند و به آن حضرت توسل می‌جویند و توجه می‌کنند. نفس پیوند قلبی و تذکر و توجه روحی به آن مظهر رحمت و قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد می‌دهد و وسیله پیشرفت انسان را - روحاً و معنأ - فراهم می‌کند.

این، یک میدان وسیع است. هر کس که در باطن و قلب و دل و جان خود، با این بزرگوار مرتبط باشد، بهره خودش را خواهد برد. البته، توجه به کانون نور، باید توجه حقیقی باشد. لقلقه زبان در این زمینه، تأثیر چندانی ندارد. اگر انسان، روحاً متوجه و متوسل شد و معرفت کافی برای خود به وجود آورد، بهره خودش را خواهد برد. این، یک میدان فردی و تکامل شخصی و معنوی است.

### ❁ (ب) امید بخشی به جوامع و ملت‌ها

جهت و وجهه دوم عبارت است از میدان زندگی اجتماعی و عمومی و آن چه مربوط به سرنوشت بشر و ملت‌هاست. در این زمینه، اعتقاد به قضیه مهدی و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه عظیمی است که ملت‌ها می‌توانند از آن بهره‌های فراوانی ببرند. شما کشتی‌ای را در یک دریای توفانی فرض کنید! اگر کسانی که در این کشتی هستند، عقیده داشته باشند که اطرافشان تا هزار فرسنگ، هیچ ساحلی وجود ندارد و آب و نان و وسایل حرکت اندکی داشته باشند، چه کار می‌کنند؟ آیا هیچ تصوّر می‌شود که اینها برای آن که حرکت کنند و کشتی را پیش ببرند، تلاشی بکنند؟ نه؛ چون به نظر خودشان، مرگشان حتمی است. وقتی انسان مرگش حتمی است، دیگر چه حرکت و تلاشی باید بکند؟ امید و افقی وجود ندارد.

یکی از کارهایی که می‌توانند انجام دهند، این است که در این مجموعه کوچک، هر کس به کار خودش سرگرم شود. آن کسی که اهل آرام مردن است، بخوابد تا بمیرد و آن که اهل تجاوز به دیگران است، حق دیگران را بگیرد تا آن که چند ساعتی بیشتر زنده بماند. طور دیگر هم این است که کسانی که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی شان ساحلی وجود دارد. این که آن ساحل دور و یا نزدیک است و چقدر کار دارند تا به آن برسند، معلوم نیست؛ اما قطعاً ساحلی که در دسترس آنهاست، وجود دارد. این افراد چه کار می‌کنند؟ تلاش می‌کنند که خود را به آن ساحل برسانند و اگر یک ساعت هم به آنها وقت داده شود، از آن یک ساعت برای حرکت و تلاش صحیح و جهت دار، استفاده خواهند برد و فکرشان را روی هم خواهند ریخت و تلاششان را یکی خواهند کرد تا شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند.

امید، چنین نقشی دارد. همین قدر که امیدی در دل انسان به وجود آمد، مرگ بالهای خود را جمع می‌کند و کنار می‌رود. امید موجب می‌شود انسان تلاش و حرکت کند، پیش ببرد، مبارزه کند و زنده بماند. فرض کنید ملتی در زیر سلطه‌ی ظالمانه قدرت مسلطی قرار دارد و هیچ امیدی هم ندارد. این ملت مجبور است تسلیم شود. اگر تسلیم نشد، کارهای کور و بی‌جهتی انجام می‌دهد. اما اگر این ملت و جماعت، امیدی در دلشان باشد و بدانند که عاقبت خوبی حتماً وجود دارد، چه می‌کنند؟ طبیعی است که مبارزه خواهند کرد و مبارزه را نظم خواهند داد و اگر مانعی در راه مبارزه وجود داشته باشد، آن را بر طرف خواهند کرد.

### ❁ اعتقاد به مهدویت، رمز رهایی از ستمگران و ظالمان

بشریت در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مثل همان سرنشینان یک کشتی توفان زده، همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان و ستمگران و قوی‌دستان و مسلطین بر امور انسانهای مظلوم بوده است. امید، موجب می‌شود که انسان به مبارزه بپردازد و راه را باز کند و پیش برود. وقتی به شما می‌گویند انتظار بکشید، یعنی این وضعیتی که امروز رنجتان می‌دهد و دلتان را به درد می‌آورد، ابدی نیست و تمام

خواهد شد. ببینید چقدر انسان حیات و نشاط پیدا می‌کند! این، نقش اعتقاد به امام زمان صلوات الله علیه و ارواحنا فداه است. این، نقش اعتقاد به مهدی موعود است. این عقیده است که شیعه را تا امروز، از آن همه پیچ و خمهای عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله پرچم عزت و سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شیعه ایران است. هر جا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد.

### اعتقاد به مهدویت، سد راه استکبار و استعمار

به همین خاطر، یکی از اساسیترین کارهای استعمار و استکبار و ایادی آن، این بوده است که عقیده امید و مبارزه را در دل مردم از بین ببرند. بارها خواسته‌اند این چراغ را خاموش کنند؛ ولی نتوانسته‌اند. ما می‌دانیم که استعمار و استکبار، چه تلاشی را در این جهت - نه فقط در ایران؛ بلکه در سطح دنیای اسلام - انجام داده است تا این چراغ را خاموش کند. در گزارش بسیار مهمی که مربوط به سالها قبل است و جدید نیست، تلاش گروههای تبلیغی مسیحیت که از اروپا به سمت شمال افریقا اعزام می‌شدند تا جاده استعمار را در آن جا صاف کنند، نشان داده شده بود. یکی از غصه‌های دینداران دنیا این است که قدرتمندان مسلط بر کشورهای مسیحی، تبلیغ علی‌الظاهر دین مسیح در سطح دنیا را وسیله‌ای برای پیش بردن ماشین استعمار قرار دادند و اینها جاده صاف کن استعمار شدند. گروههای تبلیغی و به اصطلاح تبشیری را به عنوان تبلیغ مسیحیت - که ظاهرش تبلیغ مسیحیت بود؛ اما باطن قضیه این بود که راه را باز کنند تا استعمارگران اروپایی از کشورهای مختلف اروپای آن روز، وارد کشورهای اسلامی شوند و قدرت سیاسی را قبضه کنند - به اطراف دنیا فرستادند و متأسفانه در بسیاری از جاها هم موفق شدند. این گزارش، مربوط به گروههای تبلیغی در شمال افریقا است. گزارشگر می‌نویسد: «یکی از مشکلات ما در سر راه تبلیغ مسیحیت و پیشرفت استعمار در شمال افریقا و منطقه تونس و مغرب این است که این مردم اعتقاد دارند که مهدی موعود خواهد آمد و اسلام را سربلند خواهد کرد». گزارشگر، این را در گزارش رسمی خود می‌نویسد و برای هیأتی که مسؤول رسیدگی به این کارهاست، می‌فرستد. بنابراین، نفس اعتقاد به مهدی موعود، باعث ایجاد مشکل برای استکبار و استعمار شده بود؛ در حالی که اعتقادی که برادران ما در آن مناطق دنیا دارند، به روشنی و وضوح اعتقادی که ما امروز در این جا داریم نیست؛ بلکه بیشتر ابهامات و کلی‌گویی وجود دارد تا تعیین مصداق و مورد و نام و خصوصیات. در عین حال، استعمارگران از این امید ترسیدند.

### نقشه شوم پهلوی نسبت به مسئله مهدویت

در همین کشور خود ما، یکی از بزرگان علما و روحانیون محترمی که امروز بحمدالله در میان ما هستند و برکات وجود ایشان باز هم شامل حال مردم می‌شود، برای من نقل می‌کردند که در اوایل روی کار آمدن





رژیم منحوس و فاسد و وابسته پهلوی، آن کودتاگر بی سوادِ فاقدِ هر گونه معرفت و معنویت (۳)، یکی از آخوندهای وابسته به دربار را صدا کرد و از او پرسید این قضیه امام زمان چیست که چنین مشکلاتی برای مادرست کرده است؟! آن آخوند هم بر طبق دل و میل او، جوابی می گوید و آن قلدر هم مأموریت می دهد که بروید مسأله را حل و تمام کنید و این اعتقاد را از دل مردم بیرون بیاورید! او می گوید: این کار آسان نیست و خیلی مشکلات دارد و باید کمک کم کم و با مقدمات شروع کنیم. البته آن مقدمات به فضل پروردگار و با هشیاری علمای ربّانی و آگاهان این کشور، در آن دوران ناکام ماند و نتوانستند آن نقشه شوم را عملی کنند. در کشور ما، یک کودتاچی غاصب، از طرف دستگاههای قدرت استعماری مأموریت داشت که بیاورد ایران را قبضه کند و کشور را دو دستی تحویل دشمن دهد و برای آن که بتواند بر این مردم مسلط شود، یکی از مقدمات لازمش این بود که عقیده به مهدی موعود را از ذهن مردم پاک کند.

#### تسلیم نشدن در برابر قدرتها با اعتقاد به مهدویت

عقیده به امام زمان، نمی گذارد مردم تسلیم شوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند. وقتی که این عقیده به طور حقیقی در دلها جا بگیرد، حضور امام غایب در میان مردم حس می شود. امام بزرگوار و عزیز و معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همه خلائق، اگر چه غایب است و ظهور نکرده، اما حضور دارد. مگر می شود حضور نداشته باشد؟ مؤمن، این حضور را در دل خود و با وجود و حواس خویش حس می کند. آن مردمی که می نشینند، راز و نیاز می کنند؛ دعای ندبه را با توجه می خوانند و زیارت آل یاسین را زمزمه می کنند و می نالند، می فهمند چه می گویند. آنها حضور این بزرگوار؛ را حس می کنند؛ ولو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری نمی زند. ظهور نکرده است؛ اما هم در دلها و هم در متن زندگی ملت حضور دارد. مگر می شود حضور نداشته باشد؟ شیعه خوب کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید. این، به انسان امید و نشاط می بخشد. این ملت بزرگ، بیش از همه چیز به همین امید نیاز دارد؛ ملتی که در راه خدا و برای عظمت اسلام، مجاهدت و مبارزه می کند و افتخار طول تاریخ بشر و همه تاریخ اسلام شده و پرچم اسلام را در زمان ما به اهتزاز در آورده است. چنین ملتی، بیشتر از همه چیز، به همین امید درخشان احتیاج دارد. آن اعتقاد، این امید را به او می بخشد.

#### تلاش امام (ره) برای امیدوار نگه داشتن مردم

قبل از پیروزی انقلاب، دشمن از همه وسایل استفاده می کرد تا مردم را از پیروزی انقلاب ناامید کند. می گفتند: «مگر می شود چنین انقلابی بر پا شود و ملت با دست خالی بر دستگاه تاندان مسلح پیروز گردد؟! اصلاً ممکن نیست!» این ناامیدی را با هزار زبان، در میان مردم ترویج می کردند؛ ولی مردم، امیدشان را از دست ندادند.

امام بزرگوار ما به عنوان یک رهبر تمام عیار، بیشترین همت خود را به امیدوار نگاه داشتن مردم گماشته بود. وقتی مردم امیدوارند، حرکت و تلاش می‌کنند. در مقابل تلاش مردم، هیچ قدرتی نمی‌تواند مقاومت کند. فقط باید مردم امیدوار باشند. امام بزرگوار، از همه وسایل الهی و ملکوتی و معنوی استفاده کرد و این امید را در مردم دمید و به برکت آن امید، این پیروزی بزرگ به دست آمد.

بعد از پیروزی انقلاب هم، دشمنان این ملت، دائماً آیه یأس خواندند. مرتب می‌گفتند و می‌گویند: «شما نمی‌توانید کشور را اداره کنید! مگر می‌شود با آمریکا در افتاد؟! مگر می‌شود در مقابل دنیای مادی مقاومت کرد؟! فایده‌ای ندارد. باید تسلیم شد و باید قبول کرد!» هر جا پیروزی ای بود، آن را در رادیوها و رسانه‌های جهانی کتمان کردند؛ نگفتند و یا عوضی گفتند! هر جا مختصر ناکامی ای بود، از کاه، کوهی درست کردند! با همه این تبلیغات، مردم ما مأیوس نشدند. جنگ را گذراندند، بعد از جنگ را پشت سر گذاشتند و به سازندگی مشغول شدند. تا امروز - به فضل پروردگار - مردم تلاش و مجاهدت کرده‌اند و امیدشان روز به روز بیشتر شده است؛ چون پیشرفت را مشاهده می‌کنند.

این ملت، در اول انقلاب کجا قرار گرفته بود و امروز کجاست؟ آن روز، ما جز یک ویرانه در اختیار نداشتیم و این کشور همه چیزش وابسته بود و بسیاری از آنچه که از دوران رژیم گذشته باقی مانده بود، همراه با وابستگی و پایه‌های بی‌بنیاد و سست بود. امروز، ملت ما حرکت کرده، نیرومند شده، قدرت نظامی خود را سنجیده و قدرت سیاسی را مشاهده کرده است. دیده است که چطور در مقابل دنیای ظلم و استکبار می‌شود مقاومت کرد. سازندگی را تجربه کرده است. الان - به فضل پروردگار - برای هر کس که نگاه می‌کند، در همه جای کشور، تلاش سازندگی محسوس است.

معلوم است که امید این ملت را نمی‌توانند از او بگیرند. حال، دشمن به تلاشهای مفتضح افتاده است. این که شما می‌بینید دستگاه سیاسی آمریکا، گیج گیج می‌خورند و کارهای نسنجیده انجام می‌دهند و نمی‌دانند در مقابل ملت و دولت ایران چه بکنند؛ بر اثر قدرت و امید شماست. به خاطر عزم راسخ این ملت است که دشمن نمی‌داند در مقابل مردم ایران چه باید بکند و کارهای ابلهانه انجام می‌دهد.

### 🌸 مفتضح شدن دشمن با اعمال قبیح خود در دنیا

آنچه که امروز از طرف قدرتمندان و سیاستمداران آمریکا - چه رئیس جمهور آن و چه دیگرانی که این کارها را می‌کنند و این حرفها را می‌زنند - صادر می‌شود، به ضرر خود آنهاست. قضاوت دنیا هم این است که به ضرر آنهاست. یک دولت، باید این قدر خود را در دنیا مفتضح کند که برای خرابکاری در یک کشور دیگر بودجه بگذارد؟! شما خیال می‌کنید عقلا و سیاستمداران عالم و انسانهای با فرهنگ دنیا نمی‌فهمند این کار چقدر وقیح و شرم‌آور است؟ بدیهی است که تلاش آنها، ناموفق است. همه، این را می‌دانند. از روز اول انقلاب، اینها علیه جمهوری اسلامی بودجه گذاشتند، خرج کردند، اسم هم نیاوردند و جایی هم نوشتند. این بمب گذارها و این منافق پروریه‌ها، همه با بودجه همینهاست. چقدر تا به حال توانستند

موفق شوند؟! معلوم است که امروز هم مثل آن زمان ناموفقند. در این، شبهه نیست.

اینها این قدر رسوایی خود را در مقابل افکار عمومی دنیا، مفتضحانه بر ملا کردند که اقدام خود را به صورت یک مصوبه گذراندند! این، همان داغ باطله خدایی به پیشانی آنهاست. دیگران و عقلای عالم می فهمند؛ اما خود اینها نمی فهمند! رژیم امریکا خیال کرد که با تصویب مبلغی - حال بیست میلیون دلار نه؛ دویست میلیون دلار، دو میلیارد دلار - برای خرابکاری در ایران بزرگ و سربلند و اسلامی، کشور ما را در انزوا قرار خواهد داد؛ ولی خودش در انزوا قرار گرفت؛ بدون این که بداند و بفهمد!

اینها خیال کردند که افکار عمومی عالم نمی فهمد چقدر این حرکت سخیف و بی رسواست. ممکن است حال که افکار عمومی دنیا، این کار را محکوم کرده است و هر چه هم بگذرد بیشتر محکوم خواهد کرد، واقعیات را بفهمند و پشیمان شوند و کاری کنند که یاد این قضیه به فراموشی سپرده شود؛ اما مگر ما می گذاریم؟ مگر ما می گذاریم این فضاحت امریکایی فراموش شود؟ همه دنیا و همه نسلهای آینده، باید بدانند که در دورانی، وقاحت رژیم امریکا به این جا می رسد که صریحاً در مقابل یک دولت آزاد و یک ملت مقتدر، بودجه خرابکاری تصویب می کند! زشت ترین و محکومترین کاری که ممکن است دولتی در روابط بین الملل انجام دهد؛ همین کار است. دولتمردان امریکا خیال می کنند که دنیا تسلیم دیکتاتوری آنها خواهد شد! این خیال، عجب اشتباه پر خسارتی برای آنها خواهد بود! البته امروز آنها سرگرم و مست مبارزات دور از اصول انسانی معمول خودشان در باب انتخاباتند و نمی فهمند چه می کنند. قدری که گرد و غبار فرو بنشیند، آن وقت می فهمند که چه غلطی کرده اند. خیال می کنند که دنیا تسلیم آنها خواهد شد. عجب اشتباهی!

### نتایج اعتقاد به مهدویت

بسیاری از ملتها، در گوشه و کنار دنیا همدست و یکپارچه شدند و محرومیتها و سختیها را تحمل کردند و استبداد داخل کشور را خرد نمودند. شما نگاه کنید؛ بر بسیاری از کشورها در پنجاه یا شصت و یا صد سال پیش، رژیمهای مستبدی حکمرانی می کردند؛ ولی ملتها مبارزه و تلاش کردند. همه مبارزات صد ساله اخیر - بخصوص پنجاه سال میانه این قرن - در مقابل استبدادهای داخلی بود. این ملتها مبارزه کردند و استبداد داخلی را شکست دادند؛ یعنی اگر یک هم میهن خودشان خواست به آنها زور بگوید، او را از تخت سلطنت و قدرت و حکومت به زیر کشیدند و تحمل نکردند. ملتهایی که استبداد داخلی را تحمل نکردند، آیا استبداد امریکایی را تحمل خواهند کرد؟! عجب غلطی و عجب اشتباهی!

ممکن است چهار دولت ضعیف و بی شخصیت و منقطع از ملت خود، در مقابل هارت و هورتها و تشرها و تهدیدها و دخالتهای امریکا تسلیم شوند؛ ولی ملتها و دولتهای با شخصیت که با ملت خودشان روابط مناسبی دارند، نه در اروپا و نه در آسیا و نه در آفریقا، تسلیم زورگویهای امریکا نخواهند شد. اگر ملتی مثل ملت مبارز و رشید ایران باشد و میدانهای مبارزه را تجربه کرده و این همه شهید داده باشد و از دریاها

خون عبور کرده باشد و زن و مردش در میدانهای خطر، مثل شیر غریبه باشند؛ امریکا اگر پا جلو بگذارد، این ملت آنچنان با مشت به دهانش خواهد کوبید که از او چیزی باقی نماند.

ملتی که به خدا معتقد و مؤمن و متکی است و به آینده امیدوار است و با پرده نشینان غیب در ارتباط است؛ ملتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی می درخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمی شود و با این حرفها، از میدان خارج نمی گردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویت مهدی علیه آلاف التحية والثناء است. عقیده به امام زمان، هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. این را باید قدر دانست.

من توصیه می کنم که این توّسّلات را - که مردم ما بحمد الله داشته اند و دارند و در سالهای بعد از انقلاب، به فضل پروردگار چندین برابر شده است - هر چه با کیفیت تر ادامه دهند و توّجّهات و الطاف آن بزرگوار را به سمت خود جلب کنند. آن بزرگوار، حاضر است و از ملت و شیعه‌ی خود، جدا و غافل نیست. او، در میان مردم حضور دارد و مردم با توّجه و توّسل به او، ان شاء الله راه رشد و هدایت و فتح و پیروزی را به دست خواهند آورد.



## ایجاد ناامیدی، شیوه استعمار برای مبارزه با عقیده انتظار

❁ ضرورت مطالعه مسأله انتظار و مهدویت

❁ عقاید اسلامی، موتور حرکت دهنده جامعه اسلامی

❁ تلاش دشمن برای زوال اندیشه مهدویت

❁ چند خصوصیت در عقیده به مهدویت

❁ تخریب مفهوم شناسی مسأله انتظار

❁ حرکت قدم به قدم به سمت صلاح و امید

❁ امید و حرکت، زمینه ساز ظهور

## ایجاد ناامیدی، شیوه استعمار برای مبارزه با عقیده انتظار\*

### ضرورت مطالعه مسأله انتظار و مهدویت

یکی از مهمترین روزهای سال، روز نیمه شعبان است که هم مصادف با ولادت ذی جود و مسعود حضرت بقیةالله ارواحنا فدا شده است و هم شب و روز نیمه شعبان - با قطع نظر از ولادت این بزرگوار در این شب و روز - از لیالی و ایام متبرکند. شب نیمه شعبان، شب بسیار متبرکی است. تالی تلویالی قدر و وقت توجه و تذکر و توسل به ذیل عنایات باری تعالی و طلب و درخواست است. اعمال و ادعیه‌ای هم دارد که اگر موفق شده‌اید و آنها را انجام داده‌اید، ان شاءالله مشمول قبول پروردگار باشید. اگر کسانی هم غفلت کردند و توجه نداشتند، به یاد نگهدارند که همه سال، شب نیمه شعبان را مغتنم بشمارند.

مسأله ولادت حضرت مهدی علیه الصلوة والسلام وعجل الله تعالی فرجه الشریف، از این جهت هم حائز اهمیت است که مسأله انتظار و دوران موعود را که در مذهب ما، بلکه در دین مقدس اسلام ترسیم شده است - دوران موعود آخر الزمان؛ دوران مهدویت - ما به یاد بیاوریم، روی آن تکیه کنیم و بر روی آن مطالعه و دقت و بحثهای مفیدی انجام گیرد.

### عقاید اسلامی، موتور حرکت دهنده جامعه اسلامی

همه عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است. برادران و خواهران عزیز! این نکته بسیار مهمی است. توجه بفرمایید که ما امروز چقدر باید هوشیار باشیم! دشمنان سراغ مجموعه احکام و مقررات اسلام رفتند - هر عقیده، هر توصیه‌ای از شرع مقدس که در زندگی و سرنوشت آینده فرد و جماعت و امت

اسلامی تأثیر مثبتِ بارزی داشته است - و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند؛ اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند!

خوب، ممکن است شما بگویید که «مگر دشمن چه کاره است؟ چطور دشمن می‌تواند عقاید اسلامی را کاری کند که از استفاده مردم خارج شود؟» نه؛ این خطاست. دشمن می‌تواند؛ منتها نه در کوتاه‌مدت، بلکه در طول سالهای متمادی. گاهی دهها سال زحمت می‌کشند، برای این که بتوانند یک نقطه درخشان را کور، یا کم‌رنگ کنند، یا نقطه تاریکی را به وجود آورند! سالهای متمادی می‌نشینند و پول خرج می‌کنند! یکی زحمت می‌کشد و تلاش می‌کند، ولی توفیق نمی‌یابد؛ بعد از او کسان دیگری می‌آیند. روی عقاید دنیای اسلام، از این‌گونه کارها خیلی شده است. روی عقیده توحید، عقیده امامت و اخلاقیات اسلامی - معنای صبر، معنای توکل، معنای قناعت - کار کرده‌اند!

همه اینها نقاط برجسته‌ای هستند که اگر ما مسلمانان درست به حقیقتشان توجه کنیم، تبدیل به یک موتور حرکت‌دهنده جامعه اسلامی می‌شود؛ ولی وقتی روی آن کار کردند و آن را خراب و معنای آن را عوض کردند و در ذهنها به صورت دیگری جانداختند، همین موتور محرک، به یک داروی مخدر و خواب‌آور تبدیل می‌گردد. این‌گونه است!

### 🔗 تلاش دشمن برای زوال اندیشه مهدویت

در مورد ماجرای اعتقاد به مهدی موعود - یعنی این که در آخرالزمان از خاندان پیامبر، شخصی ظهور می‌کند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پُر می‌سازد و تبعیضها، ظلمها، سوءاستفاده‌ها و فاصله‌های طبقاتی را از بین می‌برد - نیز خیلی کار کرده‌اند.

این عقیده که همه مسلمانان هم به آن معتقدند، مخصوص شیعه نیست. البته در خصوصیات و جزئیاتش، بعضی فرقی، حرفهای دیگری دارند؛ اما اصل این که چنین دورانی پیش خواهد آمد و یک نفر از خاندان پیامبر چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و «یَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْراً وَظُلْماً»<sup>۱</sup>، بین مسلمانان متواتر است. همه، این را قبول دارند. خوب؛ این عقیده از آن عقاید بسیار کارگشاست که من مختصری راجع به آن عرض خواهیم کرد. به دلیل همین که کارگشاست، دشمنان از یک طرف و البته دوستان نادان هم از طرف دیگر بر آن می‌تازند. گاهی دوستان نادان، از روی نادانی و بر اثر بی‌توجهی، کاری می‌کنند که هیچ دشمن دانایی به آن خوبی نمی‌تواند ضربه بزند!

حال بحث ما در مورد دشمنان داناست که سراغ این عقیده آمدند. من سندی را دیدم که مربوط به دهها سال قبل؛ یعنی اوایل ورود استعمار به شمال آفریقا است. کشورهای شمال آفریقا، گرایش بسیاری به اهل بیت دارند. مذهبشان هر مذهبی از مذاهب اسلامی که هست باشد؛ اما محبِ اهل بیتند. در کشورهای سودان و مغرب و غیره عقیده به مهدویت خیلی پُررنگ است. آن زمان که استعمار وارد مناطق مذکور شد - که ورود استعمار به آن مناطق در قرن گذشته است - یکی از مسائلی که مزاحم استعمار شد، عقیده به





مهدویت بود! در سندی که من دیدم، بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه می‌کنند که ما باید کاری کنیم که عقیده به مهدویت، بتدریج از بین مردم زایل شود! آن روز استعمارگران فرانسوی و انگلیسی در بعضی کشورهای آن مناطق افریقایی بودند - فرقی نمی‌کند که استعمار از کجا باشد - استعماران خارجی، قضاوتشان این بود که تا وقتی عقیده به مهدویت در بین این مردم رایج است، ما نمی‌توانیم کشورهايشان را درست در اختیار گیریم!

### چند خصوصیت در عقیده به مهدویت

ببینید، عقیده به مهدویت چقدر مهم است! چقدر خطا می‌کنند کسانی که به اسم روشنفکری و به عنوان تجدّدطلبی می‌آیند و عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطلاع و بدون این که بدانند چه کار می‌کنند، مورد تردید و تشکیک قرار می‌دهند! اینها همان کاری را که دشمن می‌خواهد، راحت انجام می‌دهند! عقاید اسلامی این گونه است. خوب؛ حالا چرا این کار را انجام می‌دهند؟

چند خصوصیت در عقیده مهدویت هست که این خصوصیات برای هر ملتی، به منزله خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، امید است. گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملت‌های ضعیف را به جایی می‌رسانند که امیدشان را از دست می‌دهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمی‌کنند؛ می‌گویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کارمان از کار گذشته است؛ با چه کسی در بیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش کنیم؟ ما که دیگر نمی‌توانیم!

این، روح ناامیدی است. استعمار این را می‌خواهد. امروز استکبار جهانی مایل است که ملت‌های مسلمان و از جمله ملت عزیز ایران، دچار روح ناامیدی شوند و بگویند: دیگر نمی‌شود کاری کرد؛ دیگر فایده‌ای ندارد! می‌خواهند این را به زور در مردم تزریق کنند. ما که در جریان خبرهای تبلیغاتی و زهرآگین دشمنان قرار داریم، به عیان می‌بینیم که اغلب خبرهایی که تنظیم می‌کنند، برای مایوس کردن مردم است. مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مایوس کنند، متدینین را از گسترش دین مایوس کنند، آزادی‌طلبان و علاقه‌مندان به مسائل فرهنگی و سیاسی را از امکان کار سیاسی، یا کار فرهنگی مایوس کنند و آینده را در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته‌اند، تیره و تار جلوه دهند! برای چه؟ برای این که جوشش و امید را از این مجموعه انسانی که با امید کار می‌کند، بگیرند و آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل کنند، تا بتوانند هر کاری که مایلند انجام دهند! با یک ملت زنده که نمی‌توانند هر کاری بخواهند، انجام دهند. به یک جسم بی‌هوش مدهوش بی‌حسی که کنجی افتاده است، هر کس هر چه دلش خواست، می‌تواند تزریق کند؛ با آن هر کاری می‌توانند بکنند؛ اما با یک موجود سر حال زنده باهوش متحرک فعال که نمی‌توانند هر کاری را انجام دهند!

یک ملت نیز همین‌طور است. با ملت مسلمان و انقلابی ایران - این مردمی که در سایه جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند - نمی‌توانند هر کاری را انجام دهند. ملتی است بیدار، زنده، متوجه که قدر خودش را

می‌داند، قدرت و عزت خودش را می‌داند، با دنیا آن‌طور که شایسته خود اوست، رفتار می‌کند؛ نتیجه را هم می‌بینید.

اگر ملتی برای خودش تحرّکی نداشت و ارزش و آینده‌ای برای خود قائل نبود، دشمنان می‌توانند بیایند و برایش نقشه بکشند، به او توصیه کنند، به جای او تصمیم بگیرند و عمل کنند! بدون هیچ مانعی این کارها را می‌توانند انجام دهند. این ناشی از عدم تحرّک است. عدم تحرّک، ناشی از عدم امید است. لذا سعی می‌کنند مردم را ناامید کنند! شما بدانید.

امروز هر نفسی و هر حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم بدمد و به صدا درآید بدانید که در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه‌ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، متعلق به دشمن است. چه صاحب این قلم بداند، چه نداند، دشمن از او استفاده می‌کند.

آن وقت اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدّس مهدی موعود ارواحنفا، امید را در دلها زنده می‌کند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی‌شود. چرا؟ چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد؛ برو برگرد ندارد. سعی می‌کند که خودش را به آن برساند.

### تخریب مفهوم شناسی مسأله انتظار

پس، عقیده این است. البته وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، می‌کوشند آن را در ذهنهای مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند امام زمان می‌آید و همه کارها را درست می‌کند! این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن موتور محرّکی به یک چوب لای چرخ است؛ تبدیل کردن یک داروی مقوی، به یک داروی مخدّر و خواب‌آور است.

امام زمان می‌آید انجام می‌دهد، یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنفا باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الاً مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی‌العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌الصلاة والسلام در زمان خودش؛ در همان مدّت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیباییها و درخشندگیهایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه‌های پیامبر اکرم درباره او - نتوانست ریشه بدی را بخشکاند؟

خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند! «قتل فی محراب عبادته لشده عدله (۲)». تاوان عدالت امیرالمؤمنین، جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را نامساعد کرده بودند. زمینه را زمینه دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل



امیرالمؤمنین صفا آرایی کردند کسانی بودند که زمینه‌های دینیشان زمینه‌های مستحکم و ماده غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این‌طور فاجعه به بار می‌آورد!

آن وقت اگر امام زمان علیه‌الصلاة والسلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. این آمادگی چگونه است؟ این، همانی است که شما نمونه‌هایی از آن را در جامعه خودتان مشاهده می‌کنید. امروز در ایران اسلامی چیزهایی از درخشندگیهای معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست. تا آن جایی که ما خبر و گزارش و اطلاع داریم؛ از قضایای دنیا بی‌خبر هم نیستیم.

### حرکت قدم به قدم به سمت صلاح و امید

امروز در کجای دنیا جوانانی پیدا می‌شوند که روی شهوات نفس و روی مادّیگری پا بگذارند و سراغ معنویات بروند؟ البته گاهی یک جوان، دو جوان، یا یک آدم استثنایی گوشه‌ای هست - همه جای دنیا پیدا می‌شود - اما این که عدد عظیمی از یک نسل، این‌طور باشند، کجای دنیا هست؟ هیچ جا؛ این جا هست! بعضی خیال می‌کردند که مخصوص دوران جنگ است. البته در دوران جنگ، زمینه‌های مناسبتری بود، برجستگی آن هم بیشتر بود؛ لیکن این‌طور نیست که بعضی خیال می‌کردند. امروز هم هستند. امروز جوانان خوب، جوانان مؤمن، حزب‌اللهی، با گذشت از شهوات نفسانی و انسانهایی که دارای گذشت از پول و کسب ثروت و درآمد باشند، زیاد هستند؛ در حالی که البته عده‌ای هم به دنبال این امکانات می‌دوند و فضا را خراب می‌کنند! عده‌ای با بلندنظری، باتقوا و با بی‌اعتنایی به این زخارف، حرکت می‌کنند. اینها مخصوص این کشور است. پس می‌شود قدم به قدم به سمت صلاح پیش رفت.

زنان نیز همین‌طور. شاید بشود گفت که مجموعه زنان کشور ما از همه جای دنیا بهترند. وقت کار که می‌رسد - کار سیاسی، کار فرهنگی و کار تشکیلاتی - جلو هستند؛ وقت جهاد که می‌رسد، فرزندان خودشان را به دست خودشان به جبهه می‌فرستند و وقت خانه‌داری و تربیت اولاد که می‌رسد، کدبانوهای خانه دارند!

همه اینها در دنیا کمیاب است. اینها خیلی ارزش است؛ اینها تربیت اسلام است؛ اینها همه امیدبخش است. همینها موجب شده است که بحمدالله امروز نتایج مثبت را هم می‌بینید. البته ما همیشه این را گفته‌ایم، بارها تکرار کرده‌ایم؛ حال خود ملت ایران، تدریجاً عزت سیاسی‌شان را در دنیا می‌بینند. ما همیشه می‌گفتیم که بحمدالله ملت ایران - و به تبع ملت ایران، دولت ایران و مسؤولین کشور - در سطح دنیا عزیزند.

### امید و حرکت، زمینه ساز ظهور

بعضاً در گوشه و کنار، پوزخندی می‌زدند که «بله؛ مرتّب از مردم خودتان، از کشور خودتان و از خودتان تعریف کنید!» بفرمایید؛ امروز همه این را می‌بینند. این کنفرانس را دیدید! قبل از کنفرانس هم قضایای



دیگری بود که ملت ایران آنها را مشاهده کرد. بحمدالله این کشور، کشوری عزیز و مقتدر است؛ کشوری است که دشمنانش هم اعتراف می‌کنند که برجسته و دارای ملتی بزرگ است و مسؤولینش با اخلاص، مؤمن، علاقه‌مند و تابع اسلامند. همه اینها از برکات است.

پس می‌شود زمینه‌ها را فراهم کرد. وقتی چنین زمینه‌هایی ان شاءالله گسترش پیدا کند، زمینه ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه نیز پدید می‌آید و مسأله مهدویت - این آرزوی دیرین بشر و مسلمین - تحقق می‌یابد.

امیدواریم که ملت ایران، مشمول توجهات آن بزرگوار باشند. ان شاءالله همه شما و همه ما، هم این توفیق را پیدا کنیم که روزی در رکاب آن بزرگوار باشیم، برای خدا تلاش و مجاهدت کنیم، در مقابل چشم آن بزرگوار، در راه خدا جانمان را از دست بدهیم و به فیض شهادت برسیم - که بزرگترین شرف و افتخار است - و هم تا قبل از ظهورشان، در زمان غیبت، خدای متعال توفیق دهد که ما سربازان آن بزرگوار، متوسل و متذکر آن بزرگوار باشیم و انس و رابطه قلبی و روحی با آن بزرگوار برقرار کنیم. اگر شما از این طرف انس داشتید، از آن طرف هم جلب توجه، جلب تذکر و جلب لطف و محبت خواهد شد. امیدواریم ان شاءالله همه مشکلات، همه موانع و همه سختیها و رنجها، به برکت این ارتباط طرفینی، با فضل الهی و با دست قدرت پروردگار از بین برود.



## ارتباط خاص بسیجیان با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)

- تلاش برای عدالت، کار بزرگ پیغمبران
- امام زمان (ع) محبوب حقیقی انسانها
- نورانیت و معنویت در اتصال و ارتباط با امام زمان (ع)
- ارتباط خاص بسیجیان با امام زمان (ع)
- خدمت به ایران و ملت ایران، خدمت به اسلام است

## ارتباط خاص بسیجیان با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) \*

## تلاش برای عدالت، کار بزرگ پیغمبران

روز ولادت مهدی موعود ارواحنا لتراب مقدمه الفدا، حقیقتاً روز عید همه انسانهای پاک و آزاده عالم است. فقط کسانی در این روز ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزو پایه‌های ظلم، یا جزو پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند، و الا کدام انسان آزاده‌ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند. آنچه مسلم است، همه پیغمبران و اولیا برای این آمدند که پرچم توحید را در عالم به اهتزاز در آورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه‌ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی‌عدالتی است. لذا شما می‌بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای عدالت، کار بزرگ پیغمبران است. انسانهای والا در طول تاریخ در این راه تلاش نموده‌اند و بشریت را روز به روز به سمت فهمیدن این حقیقت که عدالت، سرآمد همه خواسته‌های انسانی است، نزدیک کرده‌اند. سلسله انبیا، پاکترین و مقدّس‌ترین و نورانیترین انسانهای تمام تاریخ بوده‌اند. در میان انسانهای پاک و انسانهای والا که دارای روح عرشی و خدایی هستند، وجود مقدّس خاتم‌الانبیا محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم سرآمد همه و خاندان پاک و اهل بیت مطهر او - که قرآن، ناطق به این طهارت و پاکیزگی و آراستگی است - در شمار برترین و بالاترین انسانهای پاک و مطهر و نورانی در همه تاریخند. زنی مثل فاطمه زهرا سلام الله علیها در همه تاریخ، کیست؟! انسانی مثل علی مرتضی در سرتاسر تاریخ بشریت، کجا نشان داده می‌شود؟! سلسله اهل بیت نبی اکرم در طول تاریخ خورشیدهای فروزانی

بوده‌اند که در معنا توانسته‌اند بشریت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی، متصل کنند: «السبب المتصل بین الارض و السماء»<sup>۱</sup>. خاندان پیغمبر، معدن علم، معدن اخلاق نیکو، معدن ایشار و فداکاری، معدن صدق و صفا و راستی، منبع همه نیکیها و زیباییها و درخشندگیهای وجود آدمی در هر عصر و عهدی بوده‌اند؛ هریک چنین خورشید فروزانی بوده‌اند.

### 🌸 امام زمان (علیه السلام) محبوب حقیقی انسانها

جوانان عزیز؛ بسیجیان! یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده الهی، امروز در زمان ما به عنوان بقیة الله فی ارضه، به عنوان حجة الله علی عباده، به عنوان صاحب زمان و ولی مطلق الهی در روی زمین وجود دارد. برکات وجود او و انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر می‌رسد. امروز هم انسانیت با همه ضعفها، گمراهیها و گرفتاریهایش از انوار تابناک این خورشید معنوی و الهی که بازمانده اهل بیت است، استفاده می‌کند. امروز وجود مقدس حضرت حجت ارواحنافداه در میان انسانهای روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه خیرات است. چشمهای ناقابل و تیره ما آن چهره‌ی ملکوتی را از نزدیک نمی‌بیند؛ اما او مثل خورشیدی درخشان است، با دلها مرتبط و با روحها و باطنها متصل است و برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند ولی خدا، امام برحق، عبد صالح، بنده برگزیده در میان همه بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار اوست؛ او را می‌بیند و با او مرتبط است. آرزوی همه بشر، وجود چنین عنصر والایی است. عقده‌های فروخورده انسانها در طول تاریخ، چشم به انتهای این افق دوخته است تا انسان والا و برگزیده‌ای از برگزیدگان خدا بیاید و تاروپود ظلم و ستم را - که انسانهای شریر در همه تاریخ تنیده‌اند - از هم بدرد. امروز، هم بشریت بیش از بسیاری از دوره‌های تاریخ، دچار ظلم و جور است، هم پیشرفتی که امروز بشریت کرده است، معرفت پیشرفته‌تر است. ما به زمان ظهور امام زمان ارواحنافداه، این محبوب حقیقی انسانها نزدیک شده‌ایم؛ زیرا معرفت‌ها پیشرفت کرده است.

### 🌸 نورانیت و معنویت در اتصال و ارتباط با امام زمان (علیه السلام)

امروز ذهنیت بشر، آماده آن است که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد و بشریت را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد؛ همان چیزی که همه پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند، همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیه قرآن، وعده آن را به مردم داده است: «و یضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت علیهم»<sup>۲</sup>. دست قدرت الهی به وسیله یک انسان عرشی، یک انسان خدایی، یک انسان متصل به عالمهای غیبی، معنوی و عوالمی که برای انسانهای کوتاه‌نگری مثل ما قابل درک و تشخیص نیست، می‌تواند این آرزو را برای بشریت برآورده کند. لذا دلها، شوقها و عشقها به سمت آن نقطه، متوجه و روزه‌روز متوجه‌تر است. ملت ایران، امروز این امتیاز بزرگ را دارد که فضای کشور، فضای امام زمان



است. نه فقط شیعه در همه عالم، بلکه همه مسلمانان در انتظار مهدی موعودند. امتیاز شیعه این است که این موعود الهی و قطعی همه طوایف مسلمین، بلکه همه ادیان الهی را با اسم و رسم و خصوصیات و تاریخ ولادت می‌شناسد. خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت، آن عزیز و محبوب دل‌های عاشقان و مشتاقان را از نزدیک، زیارت کرده‌اند. بسیاری از نزدیک با او بیعت کرده‌اند. بسیاری از او سخن دلگرم کننده شنیده‌اند. بسیاری از او نوازش دیده‌اند و بسیار دیگری بدون این که او را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبت دیده و او را نشناخته‌اند. در همین جبهه جنگ تحمیلی، جوانانی که در لحظه‌های حساس، احساس نورانیت و معنویت کردند، لطفی از غیب به سوی دل‌های خودشان حس و لمس کردند و نشناختند و نفهمیدند، بسیارند. امروز هم همان طور است.

### ارتباط خاص بسیجیان با امام زمان (علیه السلام)

این جلسه، جلسه بسیجیان است و بسیجیان، ارتباط خاصی با این نقطه اساسی عواطف دل‌های شیعیان و مسلمانان دارند. بسیجی، یک عنوان ارزشمند و والا است. بسیجی، یعنی دل با ایمان، مغز متفکر، دارای آمادگی برای همه میدان‌هایی که وظیفه‌ای انسان را به آن میدان‌ها فرا می‌خواند. این معنای بسیجی است. همه جوانان، همه انسانها و همه مردان و زنانی که در این کشور، دلشان با نور ایمان، منور است، در قبال مسؤولیت عظیمی که بر دوش ملت ایران نهاده شده است، احساس وظیفه می‌کنند. این پرچم پرافتخاری که دست ملت ایران سپرده شده است، یعنی پرچم سربلندی اسلام، پرچم عزت اسلام، پرچم نام‌آوری و شکست ناپذیری اسلام؛ اینها امروز دست ملت ایران است. همه کسانی که نسبت به این وظیفه بزرگ، احساس مسؤولیت می‌کنند، در حقیقت بسیجی هستند. هر جا وظیفه‌ای باشد، انسان بسیجی در میدان آن وظیفه، حاضر است. عزیزان من! یک روز دشمنان اسلام و دشمنان دین به خود نوید می‌دادند که از اسلام خبری نیست. در آن روز کسانی که دلشان به عشق اسلام می‌تپید، مجبور بودند در مقابل تهاجم دشمنان اسلام، خود را این گوشه و آن گوشه پنهان کنند! مسلمان، این گستاخی و دلیری را نداشت که بگوید من مسلمانم! سران کشورهای اسلامی سعی می‌کردند هر چه بیشتر خود را به شکل و رنگ آن کسانی که می‌خواستند در دنیا نامی از اسلام نباشد، در آورند! عزت اسلام را با ذلت خود پنهان کرده و اهل اسلام را ذلیل کرده بودند!

### خدمت به ایران و ملت ایران، خدمت به اسلام است

انقلاب اسلامی، عزت اسلام را بر روی دست گرفت و به همه دنیا نشان داد. انقلاب اسلامی نشان داد که اسلام می‌تواند به یک ملت، سرافرازی و عزت دهد؛ یک ملت را از زیر بار فشار و تحمیل بیگانگان نجات دهد و از حالت تحقیری که بر آن ملت تحمیل کرده‌اند، بیرون بکشد. می‌تواند استعداد‌های یک ملت را در همه میدانها بروز و ظهور بخشد؛ می‌تواند به یک ملت، قدرت دفاع از خود، قدرت دفاع از عقاید و از هویت و



شخصیت خود بدهد. انقلاب اسلامی این را نشان داد. لذا آن وقتی که انقلاب اسلامی پیروز شد و وقتی امام بزرگ ما - آن شخصیت عظیم، آن شخصیت بی نظیر در زمان ما - توانست از زبان این ملت، سخن بگوید، همه مسلمانان عالم احساس افتخار و حیات کردند؛ احساس کردند که زنده شده‌اند. این خون تازه‌ای که در رگهای امت اسلامی دوید، دشمنان را بسیار دستپاچه و سراسیمه کرد. آنها نیروهایشان را روی هم گذاشتند تا با این پدیده عظیم - یعنی اسلام انقلابی که امروز آن را یک ملت فریاد می‌کند - مبارزه کنند. از روز اول تا امروز - در طول این بیست سال - مبارزه کردند! مبارزه با چیست؟ مبارزه با عزت و استقلال ملت ایران و مبارزه با هویت ملت ایران است؛ اما چون اسلام است که این عزت را داده و به ملت ایران، هویت بخشیده است؛ چون اسلام است که به ملت ایران قدرت بخشیده است تا بتواند آرمانها، آرزوها و خواسته‌های خود را علناً بر زبان آورد و آن را دنبال کند و از احم قدرتها و دست نشانده‌گان آنها و حکومت‌های فاسد نترسد؛ چون اسلام است که این امتیاز را به ملت ایران بخشیده است، با اسلام دشمنند. دشمنی با اسلام انقلابی، اسلام امام، اسلام زندگی بخش، اسلامی که وقتی پرچمش برافراشته می‌شود، همه دنیا را به خود متوجه می‌کند؛ همچنانی که امروز هم همین‌طور است. دشمنی با این اسلام به خاطر این است که اسلام، دست بیگانگان را از این جا کوتاه کرد و منابع این کشور را از دست بیگانگان نجات داد. لذا امروز خدمت به ایران و خدمت به ملت ایران، عبارت از خدمت به اسلام است. هر کس که امروز اسلام انقلابی، اسلام امام، اسلام زندگی بخش و اسلام مبارزه با ظلم و ستم را گرامی بدارد - نه آن چیزی که به نام اسلام در مقابل ظلم و ستم، تعظیم می‌کند! آن اسلام نیست، فریب است - هر کس که امروز اسلام حقیقی و به تعبیر امام بزرگوار ما اسلام ناب محمدی را تأیید و حمایت کند، اوست که برای ایران و ملت ایران، برای تاریخ ایران و آینده ایران و یکایک احاد این ملت خدمت می‌کند. بسیجیان این امتیاز را دارند که در میدان این خدمت آماده‌اند. بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه‌ای است که اسلام و قرآن و امام زمان ارواحناده و این انقلاب مقدس به آن نیازمند است؛ لذا پیوند میان بسیجیان عزیز و حضرت ولی عصر ارواحناده - مهدی موعود عزیز - یک پیوند ناگسستنی و همیشگی است. امیدوارم ان شاء الله خدای متعال این عید را بر همه ملت ایران، بخصوص بر شما بسیجیان عزیز مبارک کند.



رسیدن به تمدن نوین اسلامی،  
مقدمه ظهور حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه)

- ❖ بیوند حوزه و روحانیت با نظام اسلامی
- ❖ رسیدن به تمدن اسلامی، خط کلی نظام اسلامی
- ❖ ادعای واهی، غیر عملی و ناکام تمدن مادی غرب
- ❖ تشکیل تمدن اسلامی بصورت کامل، در دوران ظهور
- ❖ ناکار آمدی و انحطاط تمدن غرب
- ❖ تمدن نوین اسلامی، علاج دردهای انسانیت
- ❖ نقش آفرینان اصلی در ایجاد تمدن اسلامی
- ❖ عناصر اصلی تمدن نوین اسلامی:
- ❖ الف) تولید فکر
- ❖ ب) پرورش انسان
- ❖ نقش یگانه روحانیت در تربیت و پرورش
- ❖ خصوصیات نقش آفرینان در تمدن نوین اسلامی:
- ❖ الف) عالم به زمان بودن
- ❖ دست و پنجه نرم کردن با موانع
- ❖ چالش های روبروی تمدن اسلامی:
- ❖ و...

## رسیدن به تمدن نوین اسلامی، مقدمه ظهور حضرت بقیة الله الاعظم\*

### پیوند حوزه و روحانیت با نظام اسلامی

جلسه، جلسه‌ای بسیار صمیمی است؛ جلسه‌ای طلبگی، و گوینده و شنونده، همه طلبه‌ها و فرزندان این حوزه و این مدرسه‌ایم. مطلبی که امروز در نظر گرفتیم در این اجتماع عزیز در میان بگذارم، مطلبی راجع به حوزه است؛ ولی مسائل حوزه از مسائل کل جامعه، مسائل کشور، مسائل جهان، بلکه مسائل تاریخ جدا نیست. حوزه و روحانیت جزیره‌ای نیست که با پیرامون خود ارتباطی نداشته باشد. بر حسب بافت معمولی همیشگی تغییر ناپذیر نظام اجتماعی و روابط انسانی ما، حوزه و روحانیت مثل خونی است که در سرتاسر پیکره‌ی جامعه در جریان است؛ در حرکت است؛ با همه جا مرتبط است. لذا مسائل روحانیت و مسائل حوزه، پیوندی ناگسستنی با مسائل کشور، مسائل نظام اسلامی، مسائل دنیای امروز و حتی با مسائلی از تاریخ و گذشته دارد که من در بحث امروز، فهرست گونه‌ای از آن را عرض می‌کنم.

یک مطلب درباره‌ی این نکته است که نظام اسلامی چه خطی را برای خود ترسیم کرده است؟ مسیری که نظام اسلامی برای خود در نظر گرفته و فرض کرده است، چیست؟ مطلب بعدی این است که در این مسیر - که بی‌گمان از فراز و نشیبها و چالشها و افت و خیزها خالی نیست - نقش‌آفرینان اصلی چه کسانی هستند و حوزه‌ی علمیه در این میان کجا قرار دارد؛ چه نقشی دارد؛ چه نقش‌آفرینی‌ای دارد؟ مطلب سوم این است که در نظام اسلامی در حال حاضر، بر حسب طبیعت این نظام، چالشهایی هست؛ این چالشها چیست؟ نظام با چه موانعی، با چه مزاحمتهایی، احیاناً با چه معارضه‌هایی، با چه پدیدارهایی که باید با آنها مقابله کند، روبه‌روست؟ نوع تقابل با این چالشها باید مورد توجه و تعمق و ژرفاندیشی حوزویان قرار گیرد. مطلب

بعدی این است که با این مقدمات، امروز واجبات روحانیت چیست؟ واجباتی داریم و مستحباتی - به محرمات نمی‌پردازم - امروز واجبات روحانیت و حوزه‌ی علمیه چیست؟ همان‌طور که در گزارش مدیر محترم حوزه‌ی علمیه‌ی قم شنیدیم، در این چند سال کارهای مهمی شده است. برخی از این کارها، کارهایی است که آثار آن در آینده‌های میان‌مدت و حتی بلندمدت دانسته خواهد شد. این کارها شده است؛ این خلأها بوده و پُر شده است؛ اما باز هم ما خلأهایی داریم که باید آنها را شناسایی کنیم و راه پُر کردن آن خلأها را بشناسیم. در پایان، بخش پنجم است که توصیه‌هایی است به شما عزیزان؛ برادران و فرزندان من.

### رسیدن به تمدن اسلامی، خط کلی نظام اسلامی

مطلب اول این است که خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. این یک پاسخ کلی و قابل توضیح و تشریح. البته این که در مقابل تمدن کنونی بشر - یعنی تمدن مادی غرب - می‌تواند تمدن دیگری مطرح شود یا نه و این تمدن برای پیدایش خود و سپس برای ماندگاری و استواری خود، از چه عناصر و از چه عواملی کمک خواهد گرفت، در این باره سخننا هست. اگر شما به بلندگویان تمدن کنونی غرب مراجعه کنید، آنها خواهند گفت تمدن مادی غرب ابدی و تغییرناپذیر است. از اوایی که این تمدن اوج گرفته بود - یعنی از قرن نوزدهم میلادی - بحث معارضه‌ی سنت و مدرنیته را مطرح کردند. یعنی همه‌ی آنچه که این تمدن تقدیم بشریت می‌کند، چیزهای مدرن و نو و تازه و اجتناب‌ناپذیر و جذاب و خواستنی است و هر چه در مقابل آن است، این سنت است، این منسوخ است، این قدیمی است، این زوال‌پذیر است. این بحث را شما امروز هم گاهی در برخی از محافل روشنفکری ما می‌بینید؛ اما این بحث نویی نیست؛ این بحث قرن نوزدهمی دنیای غرب است که ادامه پیدا کرده است؛ با این هدف که تمدن غرب در راه خود، همه‌ی فرهنگها را، همه‌ی تمدن‌ها را، همه‌ی زیرساختهای مدنی را، همه‌ی روابط انسانی و اجتماعی را، همه‌ی آن چیزی را که تمدن غرب آن را نمی‌پسندد، از سر راه خود بردارد و حاکمیت مطلق خود را با پشتوانه‌ی قدرت مادی و سرمایه‌داری از یک سو، قدرت نظامی و سیاسی از یک سو، قدرت رسانه‌یی از یک سو، ابدی کند.

### ادعای واهی، غیر عملی و ناکام تمدن مادی غرب

شما دیدید وقتی که نظام مارکسیستی در شوروی سابق و اروپای شرقی برافتاد - با این که نظام مارکسیستی تمدنی جدید و نو نبود؛ تفکری بود بر اساس همان تمدن غربی؛ عمدتاً با همان پایه‌های تفکر و تمدن غربی؛ با همان پایه‌های مادی؛ در عین حال با دستگاه سرمایه‌داری غرب و نگهبانان و افسونگران پاسدار تمدن غربی معارضه‌ای داشت - مسأله‌ی نظم نوین جهانی و مسأله‌ی تک ابرقدرتی در دنیا را مطرح کردند. یعنی امروز تمدن غرب حتی در میان اجزای خود، آن وحدت و انسجام و آن یگانگی و صداقت لازم را ندارد. یک نقطه که یک رشد مادی بیشتری کرده است، بنا به طبیعت تمدن مادی، افزون طلب است؛ کلیت طلب است؛

تمامیت طلب است و بقیه‌ی بخشها را نادیده می‌گیرد. در تمدن مادی غرب - همچنان که در همین ماههای جاری در دنیا مشاهده کردید - هر چه حرف می‌زند، طراحي هزاره‌ی دوم را می‌کنند! حالا مگر تمدن مادی غرب، سرتاسر هزاره‌ی اول را فرا گرفته بود که شما می‌خواهید هزاره‌ی دوم را هم به آن ملحق کنید؟! مگر بشر از این دو، سه قرنی که از سیطره‌ی تمدن مادی غرب گذشته، راضی است؟! مگر تمدن مادی غرب توانسته است زخمهای کهنه‌ی بشریت را علاج کند؟! آیا فقر در دنیا از بین رفت؟ آیا گرسنگی از بین رفت؟ آیا ظلم و تبعیض از بین رفت؟ آیا آرامش خاطر انسان تأمین شد؟ آیا مهربانی و صفای میان انسانها تأمین شد؟ یا بعکس، تمدن مادی غرب در دوره‌ی استعمار، سپس در دوره‌ی استثمار - که سلطه‌ی حکومتهای غربی در دوره‌ی استثمار، مثل دوره‌ی استعمار، مستقیم نبود؛ به شکل استثمار نیروها در دنیای عقبافتاده و فقیر بود؛ همان سلطه‌ی پنهانی قاهری که همه‌ی سرمایه‌ها و همه‌ی نیروها را از آنها می‌ربود و در خود هضم می‌کرد و جیب کمپانیهای سرمایه‌داری را بیشتر می‌انباشت - و سپس در دوره‌ی رسانه و در دوره‌ی ارتباطات - یعنی امروز - در همه‌ی این سه دوره، با زور، با قدرت‌نمایی، با زورگویی، با ایجاد اختناق طرف مقابل و صف مقابل همیشه وارد میدان شده است؛ در حالی که در بالاترین مراکز خود هنوز تبعیض هست؛ تبعیض نژادی هست؛ فاشیسم هست! با این سابقه، با این همه گرفتاری، با این همه مشکلات، تمدن مادی غرب ادعای ابدیت می‌کند! اما این ادعا، ادعای واهی، غیر عملی و ناکام است.

### 🏠 تشکیل تمدن اسلامی بصورت کامل، در دوران ظهور

آری؛ بی‌شک تمدن اسلامی می‌تواند وارد میدان شود و با همان شیوه‌ای که تمدنهای بزرگ تاریخ توانسته‌اند وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه‌ای را - بزرگ یا کوچک - تصرف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرآیند پیچیده و طولانی و پُرکار را بپیماید و به آن نقطه برسد. البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی کسان خیال می‌کنند دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، آخر دنیاست! من عرض می‌کنم دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، اول دنیاست؛ اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است؛ با مانع کمتر یا بدون مانع؛ با سرعت بیشتر؛ با فراهم بودن همه‌ی امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جاده‌ی وسیع، مستقیم و همواری فرض کنیم، همه‌ی انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده‌اند تا بشر را از کوره‌راهها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، سیر تندتر، همه‌جانبه‌تر، عمومی‌تر، موفقتر و بی‌ضایعات یا کم‌ضایعات‌تر خواهد بود. دوره‌ی ظهور، دوره‌ای است که بشریت می‌تواند نفس راحتی بکشد؛ می‌تواند راه خدا را طی کند؛ می‌تواند از همه‌ی استعدادهای موجود در عالم طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند. امروز از امکانات بشر استفاده‌ی بهینه نمی‌شود؛ استعدادها ضایع و نابود می‌شود؛ استعدادهای طبیعی هم همین‌طور. همه‌ی این پدیده‌هایی که شما می‌بینید علیه محیط زیست و در آلوده‌سازی محیط زیست وجود دارد، ناشی از بد استفاده کردن از امکانات

طبیعی است. بشر در این راه افتاده است و پیش می‌رود؛ اما این راه درستی نیست؛ راه منحصری نیست. راه دانش، راه‌های فراوانی است. بشر می‌تواند در سایه‌ی نظام الهی آن راه را بیابد و طی کند. فعلاً نمی‌خواهیم وارد این بحث شویم؛ این بحث مجال وسیعتری می‌طلبد. به هر حال خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است.

### 🏠 ناکارآمدی و انحطاط تمدن غرب

زوال تمدن‌ها معلول انحراف‌هاست. تمدن‌ها بعد از آن که به اوجی رسیدند، به خاطر ضعف‌ها و خلأها و انحراف‌های خود رو به انحطاط می‌روند. ما نشانه‌ی این انحطاط را امروز در تمدن غربی مشاهده می‌کنیم، که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. وقتی که در فلسطین اشغالی، در خانه‌ی مردمی که خود صاحب‌خانه‌ها از زندگی در آن یا از زندگی آسوده در آن محرومند، یک فلسطینی از سر ناچاری حرکتی انجام دهد و آسیبی به یک صهیونیست بیگانه‌ی غریبه‌ی به‌زور آمده بخورد، همه‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی غرب بسیج می‌شوند تا این حادثه را بزرگ کنند! اگر کسی کشته شده باشد، عکس پدر او، مادر او، بچه‌ی او، خواهر او، گریه‌ها و ناراحتی‌هایشان، در مجلات امریکایی و سایر مجلات دنیا چاپ می‌شود! اما امروز یک کودک، یک نوجوان، در آغوش پدرش و در مقابل چشم او، در فلسطین کشته می‌شود؛ زن و مرد و کودک نماز گزار در مسجداً اقصای مسلمانان به گلوله بسته می‌شوند. دستگاه‌های ارتباطاتی جمهوری اسلامی روز اول با اروپا تماس گرفتند که خبرهای اروپا را کسب کنند، از آن طرف به آنها گفتند که این جا هیچ خبری نیست! حادثه‌ی به این عظمت، در روزهای اول و دوم، در اروپا و در منطقه‌ی سلطه‌ی تمدن غربی، هیچ خبری نیست! تا وقتی که بتدریج تظاهرات اوج می‌گیرد، مردم در همه جا بلند می‌شوند، صدای اعتراضها بلند می‌شود؛ آن دستگاه‌هایی که مدعی طرفداری از حقوق بشرند، مدعی اطلاع‌رسانی‌اند، آن وقت مجبور می‌شوند یک اطلاعی، آن هم البته ناقص و نه کامل، یکجانبه و نه عادلانه، به سود غاصب و نه به سود مردم مظلوم بدهند! اینها همه نشانه‌های شکست و انحطاط تمدن غرب است.

### 🏠 تمدن نوین اسلامی، علاج دردهای انسانیت

البته نه پیدایش و نه زوال تمدن‌ها، مسأله‌ای دفعی نیست؛ یک مسأله‌ی تدریجی و تاریخی است؛ اما اینها نشانه‌هایش است. امروز بسیاری از متفکران غرب هم به این حقیقت توجه پیدا کرده‌اند، هشدار می‌دهند و می‌گویند. بنابراین هیچ شگفتی نباید داشت از این که برقی از گوشه‌ای بجهد؛ همچنانی که همه‌ی تمدن‌های عالم به وجود آمده‌اند، یک فکر نو، یک پیشنهاد نو برای بشریت مطرح شود و بر اساس آن فکر، یک نظام سیاسی در گوشه‌ای از دنیا بتواند یک ملت را گرد هم جمع کند؛ آن ملت ایستادگی کند؛ آن مردم به شرایط لازمی که خواهیم گفت، عمل کنند؛ زیدگان و نخبگان و خواص جامعه نقش‌های خود را پیدا کنند و طبق آن عمل کنند. لذا هیچ بعدی ندارد - بلکه نتیجه‌ای حتمی است - که این تمدن مثل همه‌ی تمدن‌های دیگر رشد



خواهد کرد؛ مثل خورشیدی که بتدریج بالا می‌آید و به وسط‌السماء می‌رسد، اشعه و انوار خود را به نقاط مختلف دنیا خواهد تابانید. بنابراین، این نظام اسلامی، نظامی است که یک خط حرکت معقول و منطقی برای خود تصویر کرده است. این سیری نیست که بتواند متوقف شود؛ این سیری هم نیست که مراحل گوناگونی که در آن هست، برای آن دائمی و ابدی باشد. یک حرکت تکاملی است. از آغاز انقلاب اسلامی این حرکت به وجود آمد؛ این برق در این نقطه از عالم درخشید؛ چشمهایی را خیره کرد؛ بعد هم این توفیق را پیدا کرد که نظام اسلامی را به وجود بیاورد؛ این نظام اسلامی هم از آغاز تشکیل، با چالشهای خود، با مشکلات خود، با امکانات خود، حرکتی را آغاز کرده است و پیش می‌رود. این خط اگر با جدیت، با پشتکار، با شناخت آنچه که لازم است، با عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از این که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه. معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند. به معنای رساندن یک پیام است به دل‌ها، تا بتدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است. با وضعی که امروز من در کشورمان مشاهده می‌کنم، باریشه‌های عمیقی که تفکر اسلامی در کشور ما دارد، با حرکت بسیار وسیع و گسترده‌ای که از اول انقلاب در راه تعمیق این اندیشه آغاز شده است و امروز به جاهای خوبی هم رسیده است، به نظر می‌رسد که این آینده برای نظام اسلامی، یک آینده‌ی قطعی و اجتناب‌ناپذیر است.

### نقش آفرینان اصلی در ایجاد تمدن اسلامی

مطلب دوم این است که نقش آفرینان اصلی در این عرصه چه کسانی هستند؟ ما می‌خواهیم ببینیم روحانیت در این میان کجا قرار دارد و شما طلاب جوان و فضایی جوان - کسانی که نقدار زشمند جوانی خود را برداشتید و به این حوزه آوردید - می‌خواهید این سرمایه را برای چه و در کجا مصرف کنید؟ نقش آفرینان اصلی در این جا چه کسانی هستند؟ اولاً باید معلوم باشد که این حرکت عظیم نظام اسلامی و حرکت به سمت آن آینده‌ی آرمانی - که ایجاد تمدن اسلامی است؛ یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است؛ و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است - یک حرکت تدریجی است. البته پُرهیجان است؛ اما هر کس بداند چه کار می‌کند. هر قدمی که برمی‌دارد، برای او هیجان‌انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سر و کارش با نسل‌ها و قرن‌هاست، این را نباید با کارهای دفعی، جزئی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام به گام، هر گامی محکم‌تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی‌داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می‌کنیم، همراه باشد.

## عناصر اصلی تمدن نوین اسلامی:

### الف) تولید فکر

برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمی‌تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت و یا چند متری در آب در یک نقطه‌ای فرو رفت، نمی‌تواند بگوید اقیانوس را شناخته است. سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن - که از کتاب و سنت همه‌ی اینها استفاده می‌شود - کاری است که همگان باید بکنند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام گیرد. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. یک روزی حرفهای مرحوم شهید مطهری که مطرح می‌شد، به گوش بعضی ناآشنا می‌آمد. حرفهای شهید مطهری، حرفهای دین بود؛ حرفهای قرآن بود؛ حرفهای اسلامی بود؛ اما بسیاری از کسانی که با دین و قرآن و اسلام هم سر و کار داشتند، با آن حرفها آشنایی نداشتند! در همه‌ی زمانها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن‌شناسان، حدیث‌شناسان، آشنایان با شیوه‌ی استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند، درخواست بشریت را بدانند، می‌توانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه‌ی راهنما و راهگشا برای بشریت.

### ب) پرورش انسان

شرط دوم، پرورش انسان است. حال در آن جایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش آفرینان چه کسانی هستند. این نقش آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این یک بُعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی شدن نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند. بدون شک مدیران جامعه جزو نقش آفرینانند؛ سیاستمداران جزو نقش آفرینانند؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای این که بتوانند درست نقش آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند. سیاستمداران و فعالان سیاسی در جامعه نیز همین‌طور. محیطهای گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین‌طور. برقی از سخن یک عالم دین پارسا و زمان‌شناس ممکن است بجهد، ظلماتی را از دلی یا دلهایی بزدايد؛ چقدر هدایتها به این ترتیب اتفاق افتاده است. این نقش، نقش یگانه است. نقش آفرینی را به علمای دین منحصر نمی‌کنیم؛ اما جایگاه نقش آفرینی



علمای دین را از همه‌ی جایگاههای دیگر برجسته‌تر می‌بینیم؛ به این دلیل روشن که در این راه، اندیشه‌ی دینی و ایمان دینی برای انسانها لازم است؛ تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند، دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد. البته عالم دین با آن شرایطی که نیاز به آن شرایط هست، ای بسا نتواند این نقش را ایفا کند؛ او هم اگر این شرایط را نداشته باشد، نخواهد توانست؛ که حالا من بعد در دنباله‌ی عرایض مطالبی در این زمینه هم عرض خواهم کرد. البته در آحاد مردم هم نقش آفرینی دینی هست؛ از راه امر به معروف و نهی از منکر؛ از راه آماده‌سازی خود برای این که در یک جایگاه نقش آفرین قرار گیرند.

### نقش یگانه روحانیت در تربیت و پرورش

وقتی نگاه می‌کنیم، حوزه‌ی روحانیت و علمای دین، اگر با آن تربیت درست و در آن مدارج لازم پرورش پیدا کنند، نقششان نقش یگانه است. لذا امام بزرگوار ما الگویی برای علمای دین شد. اگر امام نمی‌بود، اگر نفس گرم او و منطق نیرومند و استوار او و ایستادگی او در این راه نمی‌بود و نمی‌توانست مجموعه و منظومه‌ی عظیمی از علمای دین را در این راه به حرکت بیندازد، یقیناً این حرکت عظیم ملت ایران اتفاق نمی‌افتاد. هیچ حزب سیاسی، هیچ رجل سیاسی، هیچ رجل دانشگاهی، هیچ آدم اجتماعی معروف و محبوب امکان نداشت بتواند این اقیانوس عظیم ملت ایران را این طور به تلاطم بیندازد و مردم را به خیابانها بکشانند. این فقط روحانیت بود و پیشوایی امام بزرگوار ما با خصوصیات که او داشت؛ که اگر این خصوصیات را آن شخصیت عظیم هم نمی‌داشت، باز این کار به این آسانیها ممکن نبود. این نقش یک روحانی است که شرایط لازم را دارد و در زمان متناسب ظهور و بروز می‌کند و این طور عظیم نقش آفرینی او در تاریخ و در جهان روشن و مسجل می‌شود. این وضع روحانیت است. پس جایگاه روحانیت این است.

### خصوصیات نقش آفرینان در تمدن نوین اسلامی:

#### الف) عالم به زمان بودن

طلبه‌ی جوان وقتی که وارد حوزه‌ی علمیه می‌شود و درس حوزه را می‌خواند و برنامه‌ی حوزه را عمل می‌کند، چشمش به این است که بتواند در این حرکت عظیم مردمی نقش بیافریند؛ نه لزوماً نقشی همانند نقش امام؛ نقشهای آگاهی‌بخش و هدایت‌کننده مثل نقش پیامبران. آن قدر آدم‌سازی و پرورش انسانهای والا و باایمان مهم است که اگر یک روحانی همّت خود را صرف کند و در طول زمان بتواند تعدادی انسان مناسب و استوار را بسازد، کار بزرگی را انجام داده است. طلبه‌ی جوان و فاضل جوان به فکر آن است که در این حرکت عظیم مردمی، در این خط مستقیمی که نظام الهی و اسلامی به سمت آن سرانجام بسیار درخشان و بزرگ خود حرکت می‌کند، بتواند نقش ایفا کند و این حرکت را حتمیت و تسهیل ببخشد. البته امروز نظام اسلامی با

چالشهای بزرگی مواجه است. اگر این چالشها شناخته نشود، اگر معارضه‌ها دانسته نشود - چه معارضه‌های ممکن، چه معارضه‌های واقع و موجود - نمی‌توان درست نقش ایفا کرد؛ نمی‌شود واقعیت را فهمید و با آن مواجه شد. پس مسأله‌ی بعدی این است که چالشهای کنونی نظام چیست؟

شرط اول کسی که می‌خواهد در این راه حرکت کند، این است که بداند با چه کمینها و موانعی روبرو خواهد شد؛ خودش را آماده کند. «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللّوایس». (۱) عالم به زمان فقط این نیست که انسان با تعدادی از مردم ارتباط دوستانه داشته باشد، یا خبرهایی از این جا و آن جا به گوش او برسد. عالم به زمان کسی است که بداند در کجای دنیا زندگی می‌کند؛ صف‌بندیهای مقابل او چیست؛ انگیزه‌های مخالفت با او کدام است؛ طرحهایی که این انگیزه‌ها به وسیله‌ی آنها تحقق پیدا می‌کند، چیست؟ این عالم به زمان است. البته این مخالفتها و این دشمنیها هرگز دشمنی با شخص نیست؛ اما شخص باید بداند کجا قرار دارد و نظام او و راه او و اهداف او با چه چیزی مواجه است.

### 🏠 دست و پنجه نرم کردن با موانع

من این را هم به شما عرض کنم، موانع و مشکلات و کمینها در راه هر جامعه‌ای و هر نظامی و هر مجموعه‌ای از انسانها، اگر چه برای آنها دردسر و مشکل درست می‌کند، اما بن بست درست نمی‌کند. در واقع با یک نگاه می‌شود گفت که مشکلات مایه‌ی رشد است؛ نعمت است. هیچ ملتی نمی‌تواند بدون دست و پنجه نرم کردن با موانع و مشکلاتی که با آن مواجه است، به جایی برسد. اگر ملت ایران هشت سال جنگ تحمیلی را نمی‌داشت، البته خیلی از ویرانیها را، خیلی از فقدانها را، خیلی از خسارتهای را نمی‌داشت؛ اما این اعتماد به نفس را هم نمی‌داشت؛ این قدرت علمی، نظامی و پیشرفت صنعتی را هم نمی‌داشت؛ این عزتی را هم که در مقابل چشم جهانیان به دست آورده است، نمی‌داشت؛ این حالت یأس و ناامیدی از تسلط بر این ملت هم در دل دشمنان بزرگ او - البته عقلایشان؛ چون بی‌عقلهایشان خیال می‌کنند که می‌شود تسلط پیدا کرد! - به وجود نمی‌آمد. بنابراین، مشکلات همیشه این‌طور است و هر ملت و هر مجموعه‌ای اگر بخواهد راه صلاح و نجات و راه رسیدن به آرمانها را طی کند، باید با این موانع دست و پنجه نرم کند.

البته هر مجموعه‌ای، هر کشوری و هر جامعه‌ای، در هر زمانی موانع مخصوص به خود را دارد. میان هدفهای هر ملت، با موانعی که در سر راه او قرار می‌گیرد و مشکلاتی که او مجبور است با آنها دست و پنجه نرم کند، ارتباط وجود دارد. هر چه هدفها والاتر باشد، مشکلات هم به همان نسبت وسیعتر خواهد بود. هر چه آرمانگرایی وجود داشته باشد، به طور طبیعی چیزهایی در مقابل آن آرمانها صف‌آرایی خواهد کرد. لذا ارتباط مستقیمی وجود دارد.

## چالش‌های روبروی تمدن اسلامی:

### الف) مخالفت با اصل دین

و اما در نظام اسلامی، این چالشها چیست؟ نمی‌توانیم امروز را به طور کامل با صدر اسلام و زمان نبی مکرم اسلام مقایسه کنیم. شباهتهایی وجود دارد؛ اما فوارقی هم وجود دارد. در صدر اسلام، عمده‌ی تقابل دوران دهساله‌ی پیغمبر، با سه جبهه بوده است: جبهه‌ی منافقین در داخل، جبهه‌ی اهل کتاب و یهود - که در مدینه و محیط حکومت پیغمبر وضع خاصی داشتند - و جبهه‌ی کفار و مشرکین. اینها سه جبهه‌ی عمده است که شما شرح این چالشها را در سرتاسر قرآن و بیشتر در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره مشاهده می‌کنید. در تقابل با یهود، چون یهود کسانی بودند که سیطره‌ی فکری و سیطره‌ی مالی بر مردم مدینه داشتند، مسأله‌ی آنها، مسأله‌ی دشمنی از نوع دشمنی کفار قریش نبود. آنها گذشته‌ای داشتند، تاریخی داشتند، افتخاراتی داشتند، کتابی داشتند؛ با اتکای به آن، با مردمی که تا قبل از ظهور اسلام، امی، بی‌ریشه و بی‌اطلاع از همه‌ی معارف الهی بودند، دست و پنجه نرم می‌کردند؛ یک سلطه‌ی روحی بر آنها داشتند؛ مثل سلطه‌ی یک مجموعه‌ی روشنفکر بر یک جامعه‌ی بی‌سواد. نبی اکرم در برخورد با اینها به نقاط اساسی و حساسی انگشت گذاشت و البته وحی الهی این کار را می‌کرد. در سوره‌ی بقره، تقابل و چالش نبی اکرم با یهودیان - همچنین با منافقان - به تفصیل بیان شده است.

ما امروز نمی‌توانیم بگوییم مقابله‌ی ما فقط با مجموعه‌هایی از این قبیل است؛ اما ما هم به حسب تناسب وضع خود و نظام خود، زمینه‌هایی برای تقابل و معارضة در پیش روی خودمان داریم. این جا مقصود حتماً معارضة‌ی سیاسی نیست. نمی‌خواهیم بگوییم آن کسانی را که ردیف خواهیم کرد، معارضان سیاسی نظامند یا با نظام مبارزه می‌کنند؛ نه. اینها زمینه‌های مبارزه است؛ اینها چالشهایی است که نظام اسلامی به طور طبیعی در مقابل خود دارد.

یک عده با اصل دین مخالفند؛ لذا نظامی که بر اساس سیاست دینی استوار شده است، برای اینها یک نظام غیرقابل قبول است. اصل دین را در دل قبول ندارند. عده‌ای با سیاست دینی مخالفند؛ دین را به عنوان یک مسأله‌ی تخصصی و مربوط به کنج دل و کنج خلوت می‌دانند؛ دین را برای حکومت، برای سیاست، برای اداره‌ی امور مردم نمی‌دانند. اینها اصل دین را قبول دارند؛ اما این دین کدام دین است، من نمی‌دانم! نبی اکرم از اول حرکت خود در دوران بعثت شعارهایی داده است که جز با هجرت آن بزرگوار به مدینه و جز با ایجاد نظام اسلامی، این شعارها نامفهوم و غیرقابل درک است. آن توحیدی که پیغمبر اسلام آن را ترویج می‌کند، آن توحیدی که تبعیض را در جامعه نفی می‌کند، آن توحیدی که غلامان و بردگان مظلوم را علیه اربابانشان تحریک می‌کند، آن توحیدی که جوانهای بارو حیه و حساس را در مقابل کارهای زشت و غلط و انحرافی پدرانشان به مقاومت وامی‌دارد، آن یک توحید فردی و قلبی و پنهان در گوشه‌ی انزوا نیست. همان توحیدی است که بایستی پرچمش برافراشته شود و یک جامعه بر اساس آن زندگی کند؛ یعنی همان

دوران مدینه و هجرت. از اول هجرت هم، پیغمبر حکومت اسلامی را تشکیل داد. حال، آن کسی که دین محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم را قبول دارد، اما هجرت او، حکومت او، ولایت او و اقتدار او را قبول ندارد، من نمی‌دانم چگونه مطلب را برای خودش توجیه می‌کند! به هر حال یک عده سیاست دینی، یا دینی را که بر عرصه‌ی سیاسی می‌نشینند، نمی‌توانند قبول کنند. اینها هم یک مجموعه‌اند.

### ب) نفاق دینی

یک عده دچار نفاق دینی هستند؛ یعنی نام دین را لازم دارند، عنوان دین را لازم دارند؛ اما حقیقت دین را بر نمی‌تابند! اینها هم آن جایی که دین با همه‌ی واقعیت خود، با حضور خود، با اقتدار خود در جامعه ظاهر می‌شود و نظام تشکیل می‌دهد و حکومت راه می‌اندازد، نمی‌توانند آسان کنار بیایند. دیدیم کسانی به نام دین با قرآن و نهج‌البلاغه حرف می‌زدند؛ اما برای مقابله با مفاهیم حقیقی قرآن و نهج‌البلاغه!

### پ) تبعیت از فرهنگ غرب و فریفتگان به زرق و برق

یک عده علمداران تبعیت از فرهنگ غرب و فریفتگان به زرق و برق غربی‌اند؛ خود کوچک بین‌ها و خود کم بین‌ها. خود، یعنی ملت خود، فرهنگ خود، میراث علمی خود، گذشته‌ی خود. تاریخ خود را زیر پا له کردند، برای این که بتوانند خودشان را به فرهنگ وارداتی غرب و با همان مفاهیم و با همان اصطلاحات و خطی که آن فرهنگ و آن تمدن ارائه می‌داد، آشنا و نزدیک کنند. کسانی بودند که گفتند ما باید از سر تا پا فرنگی شویم. آن کسانی که این مملکت را صد سال عقب انداختند؛ که امروز ما هر چه نگاه می‌کنیم، سیئات و کوتاهیها و تقصیرهای حکمرانان و وابستگان به آنها در دوران گذشته بیشتر برای ما آشنا می‌شود. اینها همان کسانی بودند که معتقد بودند از ایران و ایرانی و این ملت، هیچ‌گونه امید خیری نیست؛ مگر این که به کلی قلب ماهیت کنند؛ اخلاقشان، رفتارشان، کردارشان، لباسشان، زبانشان، خطشان، همه چیزشان را بر طبق ملتهای غربی قرار دهند؛ یک مقایسه‌ی بسیار ساده‌لوحانه و ابلهانه! چون آن ملت از لحاظ علم پیشرفت کرده است، پس همه چیز آن ملت فراگرفتنی است و ما هم اگر بخواهیم به آن رتبه‌ی علمی برسیم، بایستی مثل او در اخلاق، مثل او در رفتار، مثل او در عقاید، مثل او در آداب زندگی عمل کنیم! واقعاً انسان تعجب می‌کند که چطور کسانی با دعوی روشنفکری، این قدر ساده‌اندیش و کوتاه بین باشند! یک عده هم اینها بودند و همیشه هستند.

### ت) قدرت طلبی

یک عده هم قدرت طلبانند؛ تشنگان قدرت. کاری به کار دین و اخلاق و اعتقاد و خدا و این چیزها ندارند. برای آنها آنچه در درجه‌ی اول مهم است، کسب قدرت است؛ تشنگان قدرت. اینها هم برای نظام اسلامی زمینه‌های چالشند. یک عده از کسانی که نمی‌توانند مفاهیم اسلامی را درست درک کنند، اینها زمینه‌های

چالش نظام اسلامی اند.

### 🔗 لزوم شناسایی و علاج چالش‌ها

البته همه‌ی کسانی را که اسم آوردیم، معنایش این نیست که اینها با نظام اسلامی معارضه دارند؛ نه. ممکن است معارضه‌ای هم نباشد؛ اما نظام اسلامی نمی‌تواند اینها را نبیند؛ نمی‌تواند حضور اینها را، فکر اینها را، تلاش اینها را، اهداف و انگیزه‌های اینها را که در کنار آن، در مقابل آن، در میان آن حضور دارند، ندیده بگیرد. حکمت و تدبیر برای نظام اسلامی این است که اینها را ببیند؛ اینها را بشناسد و اینها را علاج کند. علاج، معنایش استفاده‌ی از زور و قدرت نیست. تصوّر نشود که هر جا گفته می‌شود باید این فکر را یا این کار را علاج کرد، یعنی به زور متوسّل شد؛ نه. زور مال کسانی است که منطبق ندارند. مجموعه‌ای که منطبق دارد، با حربه‌ی استدلال و منطق کاری می‌کند که هیچ حربه‌ی دیگری و هیچ قدرت مادی‌ای نمی‌تواند آن کار را انجام دهد. بنابراین نیاز به زور نیست.

### 🔗 تحجّر، یکی از بزرگترین آفات نظام اسلامی

پنجاه‌فکندن این صفوف گوناگون، و این که هر کسی بخواهد در نظام اسلامی پنجه بیفکند، چه زمینه‌هایی در درون خود نظام اسلامی، مسؤولان نظام، سردمداران نظام، مؤثران نظام و مردم دارد؟ من چند نمونه‌اش را این جا یادداشت کرده‌ام:

یکی از زمینه‌ها، تحجّر است. نگاه نو به مسائل نکردن، گذران تاریخ و تحوّل فکر انسانها را ندیده گرفتن، تعالی و ترقّی فکر و اندیشه و راههای زندگی را انکار کردن. این تحجّر است. هر دانشی را که شما نگاه کنید، تعالی و پیشرفت آن دانش، فریادی علیه تحجّر است. اگر قرار بود ایستایی، پافشاردن بر هر آنچه که عادت کرده‌ایم آن را ببینیم، چیز خوبی باشد، اصول ما هم پیشرفت نمی‌کرد؛ فقه ما هم از هزار سال پیش تا به حال این همه تحولات و پیشرفتها را پیدا نمی‌کرد. در همه‌ی امور زندگی این طور است. تحجّر، یکی از بزرگترین آفات است.

### 🔗 پرهیز از ولنگاری فکری و عملی

در کنار تحجّر، ولنگاری فکری و عملی. ولنگاری و بی‌بندوباری، چه در فکر - یعنی این که انسان هر آنچه را که در بازار فکر و اندیشه مطرح می‌شود، بدون ارزیابی، بدون نقّادی و بدون فهم درست با آن مواجه شود و با زرق و برق، این متاع بسیار حسّاس را برای خود تهیه کند - و چه در عمل؛ یعنی نقطه‌ی مقابل تقوا. تقوا، همان ضدّ ولنگاری است. تقوا، یعنی دقّت و مراقبت و مواظبت از این که هیچ عملی - چه گفتار، چه کردار، عمل جوارح، حتی عمل جوانح - بدون رعایت موازین انجام نگیرد. این تقواست. نقطه‌ی مقابلش همین ولنگاری و بی‌بندوباری است. اگر در زمینه‌ی فکر و اندیشه، در زمینه‌ی علوم و در هر زمینه‌ای این ولنگاری

باشد، و او یلاست! هر جا این روحیه‌ی بی‌بندوباری و ولنگاری وارد شد - که به دنبال آن، سهل‌انگاری در قبول، سهل‌انگاری در عمل، سهل‌انگاری در فهم خواهد بود - آن کسانی که دچار این آفت شوند، وضع و روز خوبی نخواهند داشت.

### تقلید کور کورانه از غرب

تقلید کور کورانه‌ی از غرب بخصوص، این هم یکی از آفتهاست. چون تمدن غربی از لحاظ علمی پیشرفت داشته است و زرق و برقی دارد، از او کور کورانه تقلید کنند و هر چیزی از آن جا آمد، بپذیرند؛ چه فلسفه، چه اخلاق، چه حرفه‌ای گوناگون.

### طعمه جویی و راحت طلبی و خوی شرارت

از جمله‌ی آفتهای، طعمه جویی است. این آفت بزرگی است. مسند را، مسؤولیت را، مقام اجتماعی را و حتی علم را به عنوان طعمه نگاه کند، برای این که بتواند به نان و نوایی برسد. این آفت است. فرصت طلبی، راحت طلبی و خوی شرارت، از این قبیل است. اینها آفتهایی است که وجود دارد. این زمینه‌هاست؛ زمینه‌های درونی، اخلاقی، رفتاری خود ماهاست؛ آن صف‌بندیهای طبیعی است که در مقابل نظام اسلامی هست.

### لزوم دشمن شناسی و برطرف کردن ضعفهای نظام اسلامی

از طرف سوم، دشمن خارجی است. دشمن خارجی نقشش این است که از این امکانات معارضه‌ی با نظام در داخل استفاده کند و آنها را تشدید نماید. بنده گاهی که در صحبتها بعضی کسان را به توطئه‌های دشمن تنبّه می‌دهم، افرادی می‌گویند: آقا! شما چرا به دشمن خارجی می‌پردازید؟ چرا به مسائل خودمان، به کمبودهای خودمان اشاره نمی‌کنید؟ حرف باید روشن بشود. اگر دشمن خارجی در مقابل خود کمبودها را، ضعفها را، زمینه‌ها را مشاهده نکند، نمی‌تواند تسلط پیدا کند. این که چیز بدیهی و روشنی است؛ بارها هم گفته‌ایم. اصلاً کامیابی دشمن از بیرون در آن صورتی است که در درون صفوف داخل نظام - داخل کشور و داخل جامعه - نقاط ضعف و نقاط خلأ وجود داشته باشد. در این که شکی نیست. اما دشمن خارجی را نمی‌شود منکر شد. دشمن خارجی می‌آید از همین ضعفها حداکثر استفاده را می‌کند. هیچ انسانی را، هیچ جامعه‌ای را و بیش از همه هیچ مسؤولی را کسی مدح نخواهد کرد که دشمن را نبیند؛ تلاش دشمن را نفهمد؛ سوء استفاده‌ی دشمن را از ضعفهای خودی بجا نیاورد. آری؛ دشمن خارجی یک حقیقت است؛ منتها دشمن خارجی می‌آید از ضعفهای ما استفاده می‌کند. نظام اسلامی اگر در درون توانسته باشد این ضعفها را برطرف کند، یقیناً دشمن خارجی ناکام خواهد ماند؛ اما وقتی که دشمن خارجی حمله می‌کند، وظیفه‌ی فوری و فوری، مواجهه‌ی با اوست. فرض بفرمایید وقتی دشمن به مرزها حمله می‌کند - در تشبیه به این دشمنی جنگ نظامی - وظیفه اول این است که همه بروند جلو او را بگیرند. ما بیاییم بحث کنیم که «علت



این که دشمن این جنگ را شروع کرد، چه بود؟ ممکن است فلان رفتاری که ما کردیم، فلان پرخاشی که ما کردیم، فلان عمل خلافی که ما کردیم، موجب این شده است؛ جای این بحثها نیست. هر چه علت بوده است، هر ضعفی وجود داشته است، الان باید رفت جلوی دشمن را گرفت؛ بعد البته بپردازید علتها را هم برطرف کنید.

### 🕌 مستحکم بودن نظام اسلامی

امروز حقیقت این است که نظام اسلامی در صحنه‌ی جهانی با حقد و کین و دشمنی مراکز قدرت جهانی مواجه است. البته نظام اسلامی مستحکم است. آنها نتوانستند ضربه‌ی کاری وارد کنند. اگر می‌توانستند یک لحظه تأمل نمی‌کردند. چیزهایی در این نظام هست که در هر نظامی باشد، آن را مستحکم نگه می‌دارد. این نظام، مردمی است. این نظام، ایمانی است. این نظام، برخاسته از عواطف مردم و ایمانهای مردم است. مسؤولان این نظام برای خودشان کیسه ندوخته‌اند. کارگزاران ارشد این نظام با نیت‌های خوب وارد این میدان شده‌اند و مجاهدت و تلاش می‌کنند. اینها چیز کمی نیست. لطف الهی و نصرت الهی تابع همین چیزهاست. وقتی که ملتی ایستادگی می‌کند، در راه خدا سختیها را تحمل می‌کند، مسؤولان در آن مجموعه نیت خودشان را برای خدا خالص می‌کنند، خدای متعال نصرت خود را نازل می‌کند. اینها چیزهایی نیست که بتوانند با آن مقابله و مواجهه کنند؛ و الا انگیزه‌ی دشمن زیاد است. این را نمی‌شود منکر شد.

حال، حوزه‌ی علمیه‌ی روحانیت و در رأس، حوزه‌ی قم و سپس حوزه‌ی شهرستانها - از شهرستانهای بزرگ تا شهرهای کوچک - در قبال چنین چالش‌هایی قرار گرفته‌اند. شما هستید - یعنی حوزه‌ی دین، حوزه‌ی علمیه و حوزه‌ی روحانیت - که می‌خواهید بنای شامخ تمدن اسلامی را بالا ببرید و استوار کنید؛ چراغ هدایت اسلام را در مناره‌ی بلند نظام اسلامی به درخشش درآورید و انسانها را هدایت کنید - یعنی کاری که همه‌ی پیغمبران برای آن آمدند - و آنها را به صراط مستقیم الهی و جاده‌ی اصلی الهی - سبیل اعظم و صراط اقوم - نزدیک کنید. حوزه با این چالشها مواجه است؛ با این هدف حرکت می‌کند. حال شما ببینید حوزه‌ی علمیه چگونه باید باشد و چه کار باید بکند؟ واجبات این حوزه چیست؟

اگر هیچ چیز هم بنده به عنوان آنچه که تصور می‌کنم برای حوزه‌ها لازم است، عرض نکنم، این موقعیت حساس که تبیین شد، این هدف بلند که ترسیم شد، این معارضه‌ها و چالش‌هایی که در پیش روی نظام اسلامی هست و بیان شد، اقتضائاتی دارد که با توجهی می‌شود این اقتضائات را دانست و بنده هم مختصری عرض می‌کنم.

## واجبات حوزه‌های علمیه:

### الف) دانستن نظام جمهوری اسلامی از خود

بخش چهارم بحث ما، واجبات حوزه‌های علمیه است. البته حوزه‌ی علمیه‌ی قم حقیقتاً امروز یک حوزه‌ی برجسته است. من یک وقت در همان چند سال قبل از این، در همین سالن اجتماعات مدرسه‌ی فیضیه، عرض کردم که قطعاً از اول تاریخ اسلام تا امروز، هیچ مجمع علمی بزرگ عمیق با کیفیتی مثل امروز حوزه‌ی علمیه‌ی قم وجود نداشته است. البته و بلاشک حوزه‌های علمیه‌ای بوده است که علمای بزرگ در آن حضور داشته‌اند. در بغداد و در حله و در نجف و در کربلا و در جاهای دیگر بوده‌اند؛ اما با این کمیت عظیم، با این تنوع، با این همه استاد و شاگرد، با این همه حلقه‌های علمی، چنین چیزی وجود نداشته است. امروز هم حوزه‌ی علمیه با حوزه‌ی علمیه‌ی زمان مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی رضوان الله تعالی علیه فرقه‌های زیادی دارد. آن روز ما در این حوزه بودیم؛ طلبه‌ی همین مدرسه‌ی فیضیه و مدرسه‌ی حجتیه بودیم؛ بسیار هم نقاط روشن و برجسته‌ای داشت؛ اما تحرک و تلاش و آگاهی و هوشیاری و احساس مسؤولیت در کنار کمیت عظیم استاد و شاگرد در حوزه، امروز با آن روز قابل مقایسه نیست. البته آن روز هم اساتید بسیار بزرگ و برجسته در این حوزه حضور داشتند - در این شکی نیست - لیکن امروز چیزهایی در حوزه هست که آن روز نبود. این آگاهیها، این آشناییها، این مجهز بودنهای به جهاز لازم تبلیغ در زمان معاصر؛ آن روز این چیزها نبود. با توجه اینها، به نظر ما حوزه این واجبات را دارد. البته این، همه‌ی واجبات نیست. من نتوانستم استقصاء (۲) کنم؛ یعنی نخواستیم استقصاء کنیم و چند نقطه‌ای که به نظر مهم آمده، عرض کردم.

اول این است که حوزه‌ی علمیه باید نظام اسلامی - همین نظام جمهوری اسلامی - را از خود بداند و برای تکمیل و رفع نقص آن، همه‌ی کوشش خود را مبذول کند. این نظام از آن حرکت و نهضت عظیمی پدید آمده است که در همین مدرسه‌ی فیضیه و در همین مسجد اعظم پایه‌گذاری شد. نظام دینی است؛ نظامی است که بر اساس معارف و احکام دینی و ارزشهای دینی شکل گرفته است. حوزه در مقابل چنین نظامی نمی‌تواند بی تفاوت باشد. هیچ مصلحت و هیچ انگیزه‌ی شخصی یا صنفی یا سیاسی نمی‌تواند و حق ندارد از حمایت حوزه نسبت به نظام مانع شود. بدتر از حمایت نکردن و در صدد تکمیل بر نیامدن و کمر به اصلاح ضعفهای نظام نیستن، این است که انسان به دشمنان نظام کمک کند! متأسفانه گاهی دیده می‌شود که پست‌ترین و ردلترین و بی‌ارزشتترین دشمنان نظام به وسیله‌ی کسانی تأیید می‌شوند. چرا؟! به چه بهانه‌ای؟! چون در نظام، فلان نقص وجود دارد؟ وقتی نقص هست، باید دشمن نظام را تأیید کرد، یا باید تلاش کرد تا آن نقص برطرف شود؟ یقیناً مسؤولان نظام، از صدر تا ساقه، ضعفهایی دارند. بنده خودم در اول صف قرار دارم؛ مجمع ضعفهای فراوان و عیوب بی‌شمار. در این تردیدی نیست. باید این ضعفها را برطرف کرد؛ باید اینها را جبران کرد؛ باید به رفع عیبها کمک کرد. نمی‌شود گفت یا صددرصد یا هیچ؛ یا باید مثل حکومت امیرالمؤمنین و پیغمبر اکرم علیه‌السلام باشد، یا اصلاً نباشد. حکومت کفار و فساق و فجار و اینها باشد، خوب است؟ این که

منطقی نیست؛ این که گفتنی نیست. این، مسأله‌ی اول است. حوزه‌ی علمیه به هیچ بهانه‌ای، با هیچ مصلحت و انگیزه‌ای، درست نیست که به دشمنان نظام کمک کند؛ که البته امروز حوزه‌های علمیه مثل کوه پشت سر نظام ایستاده‌اند. امروز مراجع معظم تقلید، فضلالی بزرگ، شخصیت‌های عالی، طلاب و فضلالی جوان، در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های سیاسی، هر جایی که نظام احتیاج به پشتیبانی داشته است، با کمال قوت و شهامت پشتیبانی کرده‌اند.

### ب) ایجاد صلاحیتهای لازم برای مقابله با بحرانهای فکری

دومین چیزی که به نظر بنده جزو واجبات حوزه‌ی علمیه است، این است که حوزه باید بدون فوت وقت، صلاحیتهای لازم را برای مقابله با بحرانهای فکری، در حوزه و در میان اعضای حوزه به وجود آورد. شاید بعضی افراد هستند که نمی‌دانند در میان فضای ذهنی برخی از جوانها و جامعه چه می‌گذرد! توجه ندارند. امروز مراکزی وجود دارد - در داخل و خارج - که اساساً همتشان این است که ذهن جوانها را با مشکلات، با شکوک، با تردیدها و با حرفهای کم‌محتوا اما خوش ظاهر، از مبانی اسلام و مفاهیم الهی دور کنند. حوزه نمی‌تواند این چیزهایی را که می‌تواند بحران فکری برای نسل جوان به وجود آورد، ندیده بگیرد.

روزی در این کشور - تقریباً حدود چهل سال قبل - رواج تفکر الحادی مارکسیستی یک بحران بود. هر جا می‌رفتیم - در دانشگاه، در محیطهای گوناگون، حتی در بعضی از گوشه کنارهای بعضی از حوزه‌ها اثر پای این تفکر را می‌دیدیم. عده‌ی معدودی متوجه بودند که قضیه چیست؛ با آن مواجهه می‌کردند، مقابله می‌کردند. بعد که خطر آشکار شد، آن وقت بزرگانی به فکر افتادند که کاری صورت دهند! مگر ما باید این گونه عمل کنیم؟! بگذاریم تا بحران فکری به وجود بیاید، عده‌ای از دلها و ذهنها و ایمانها را تباه کند، بعد ما به فکر بیفتیم؟! بیفتیم؟! بیفتیم!؟

در حوزه‌ی علمیه باید این ظرفیت و این توان به وجود بیاید که بحرانهای فکری را پیش‌بینی کند. بحرانهای فکری، مثل بحرانهای سیاسی نیستند؛ بی‌سر و صدا و آرام وارد می‌شوند؛ بتدریج اثر می‌گذارند؛ ناگهان خودشان را ظاهر می‌کنند؛ در حالی که علاجشان آسان نیست.

من همین جا عرض کنم: حوزه‌ی علمیه‌ی قم که بحمدالله در رشته‌ی فقهت - که ما هم بارها گفته‌ایم رشته‌ی اصلی در حوزه‌های علمیه‌ی ماست - پیشرفتهای خوبی کرده است، مبدا پرچم فلسفه‌ی اسلامی را زمین بگذارد. من احساس خطر می‌کنم. فلسفه‌ی اسلامی، فلسفه‌ی بسیار والایی است. فلسفه‌ی اسلامی، آن منطق عقلانی‌ای است که می‌تواند بی‌پایگی بسیاری از تفکرات شبه فلسفی و فلسفی را روشن کند. فلسفه‌ی اسلامی، افتخار حوزه‌های علمیه است. پرچم فلسفه‌ی اسلامی، همیشه در دست حوزه‌های علمیه بوده و بیش از همه در دوره‌های اخیر، حوزه‌ی علمیه‌ی قم آن را در دست داشته است. مبدا این پرچم را زمین بگذارید. من از چند طریق هشدارهایی شنیدم که برایم قدری نگران کننده است. فلسفه‌ی اسلامی باید در سطوح مختلف، با شیوه‌های خوب، با کتابهای قوی و با استفاده از متون راقی گذشته تدریس شود.

### ج) قدرت درک و تحلیل سیاسی

سوم از واجبات حوزه علمیه این است که مدیران محترم حوزه و بزرگان و اعلام حوزه باید طلاب را از لحاظ فکری و سیاسی مصونیت بدهند. طلاب را از لحاظ فکر اسلامی و ظرافتهایی که در برخورد با امواج گوناگون فکری وجود دارد، باید مصونیت بخشند. باید طوری بشود که هر طلبه‌ای احساس کند در مقابل هر منطقی که برای او پیش می‌آید - ولو برایش از قبل ناآشنا باشد - این مایه را دارد که بتواند مواجهه و مقابله کند. همچنین در زمینه‌های سیاسی باید قدرت تحلیل سیاسی به طلاب داده شود. این مجموعه‌ی عظیم جوان در این حوزه‌ی علمیه، مجموعه‌ای است که می‌تواند و باید بتواند حوادث سیاسی را جزء به جزء تحلیل کند؛ معنای هر حرکتی را که صفوف مختلف و جناحهای مختلف در داخل و خارج می‌کنند، بفهمد تا بتواند آن خط مستقیم و صراط الهی را در این بین همواره در مقابل چشم داشته باشد و فریب نخورد.

البته فهم سیاسی، غیر از سرگرمیهای سیاسی است. بنده به این سرگرمیهای سیاسی و بعضی از دسته‌بندیهای سیاسی تصنعی، چندان خوشبین نیستم. لذا منظورم آن نیست و به آن هم توصیه نمی‌کنم. منظور من درک سیاسی و قدرت تحلیل سیاسی است که راههای ممکن هم دارد. بزرگان حوزه و مدیران حوزه می‌توانند این کار را بکنند و باید هم بکنند. چاره‌ای ندارند؛ برای خاطر این که اگر شما تحلیل سیاسی را به جوان حوزه ندادید، کسی که با راه‌اندازی جریان سیاسی به فکر سوء استفاده و طعمه‌طلبی است - که اشاره کردیم - دیگر نمی‌گوید که آقا جوانهایش را آماده نکرده، پس ما سراغ اینها نرویم. او می‌آید از این ناتوانی درک سیاسی و تحلیل سیاسی حداکثر سوء استفاده را می‌کند. این خسارت است؛ بنابراین شما ناچارید. باید به طلاب، آگاهیهای سیاسی و قدرت فهم و تحلیل سیاسی بدهند. طلبه باید بداند که تحركات دشمن در قبال شوکتی که امروز اسلام پیدا کرده است، چیست و چگونه است؛ بداند تحركات دشمن در مقابل خود حوزه‌ی علمیه چیست و چگونه است.

### د) تصحیح نظام درسی و کتاب درسی در حوزه

توصیه‌ی بعد - یعنی آنچه که به نظر من کار لازم بعدی است - این است که نظام درسی در حوزه باید کوتاه و کارآمد و به‌روز شود. من قبلاً هم راجع به مسأله‌ی برنامه‌های درسی حوزه عرض کرده‌ام که بنده به هیچ وجه طرفدار رقیق کردن، بی‌عمق کردن و بی‌سواد بار آوردن طلبه نیستم؛ اشتباه نشود. من می‌گویم این دوره‌ای را که ما طی می‌کنیم، می‌تواند با استفاده از شیوه‌های جدید، فشرده‌تر شود. مثلاً من ادبیات را عرض کنم. من نمی‌دانم اکنون ادبیات در چند سال خوانده می‌شود؛ اما ادبیاتی را که ما در کتاب «مغنی» یا «مختصر مغنی» یا «مطوّل» یا «مختصر مطوّل» می‌خوانیم، ادبیات استدلالی است؛ یعنی راهی برای مجتهد شدن در ادبیات است و طلبه‌ی ما این را لازم ندارد. فقیه احتیاج نیست که در ادبیات مجتهد باشد. این که گفته‌اند در همه‌ی مقدمات اجتهاد، اجتهاد لازم است، حرف محکمی نیست. البته در بعضی‌هایش اجتهاد لازم است؛ اما در این چیزها اجتهاد لازم نیست. شما باید بدانید که این کلمه به چه معنا به کار می‌رود. این



قدر چیزهای متفق علیه در ادبیات وجود دارد. «چرا این جمله یا این کلمه به این معنا به کار می‌رود؛ فلان نحوی این طور گفته است، این هم استدلالش؛ فلان کس دیگر این گونه گفته، این هم استدلالش؛» شما به اینها چه احتیاجی دارید؟! باید کار آمد، کوتاه، به روز، در مدت کوتاهی - یکی، دو سال - از دوره‌ی ادبیات عبور کنند؛ از اول تا آخر. بخصوص امروز طلابی که وارد حوزه می‌شوند، غالباً دارای معلوماتی هستند؛ چیزهایی را اطلاع دارند، چیزهایی را خوانده‌اند؛ احتیاجی به این کتابهای فارسی و عربی و مخلوط ندارند. درباره‌ی فقه و اصول هم نظراتی هست؛ البته آن جا مسأله پیچیده‌تر و مشکلتر است؛ چون دوره‌ی سطوح، بسیار مهم و برای پیشرفتهای بعدی پایه است. به هر حال نظام درسی باید دائماً مورد توجه باشد. از جمله مواردی که در برنامه‌ریزیهای مراکز آموزشی بزرگ، به طور دائم در حال تحول است، نظام درسی و کتاب درسی است. دائم نقصهایش را برطرف و آن را با خصوصیات لازم برای آموزش و پرورش همراه می‌کنند.

#### ه) شناسایی استعدادها در حوزه

مطلب دیگر، شناسایی استعدادها در حوزه است که من در چند ماه قبل از این به مدیران محترم حوزه این را عرض کردم. این حوزه مجمعی از استعدادهای گوناگون است. اینها باید شناخته شود. استعدادها برای کارهای مختلف، برای معارف و معلومات مختلف و فعالیت‌های مختلف علمی یا تحقیقی شناسایی شوند. این شناسایی کمک بسیاری برای بهره برداری درست در پرورش این استعدادها خواهد کرد.

#### و) هجرت برای تعلیم و تزکیه

مطلب بعدی که از واجبات حوزه است، مسأله‌ی هجرت است. هجرت برای تعلیم و تزکیه؛ برای بودن در میان مردم. در گذشته هم ما این را عرض کرده‌ایم. دوستان و بعضی از فضلاء حوزه طرحتی به صورت طرح مقدماتی برای هجرت آماده کردند. کسانی که در حوزه به حدی از معرفت و آگاهی و علم می‌رسند، باید بروند به طرف جایگاههایی که احتیاج به آنهاست. امروز چقدر نیاز به فضلاء جوان و فعال و کارآمد در اقطار این کشور هست؛ نه فقط در روستاها، بلکه در شهرها؛ حتی بعضی شهرهای بزرگ! در گذشته در هر کدام از شهرستانهای ما گاهی چند مجتهد مسلم زندگی می‌کردند. امروز با معارف جدیدی که فضلاء و مجتهدان ما دارند، اگر چنین افرادی در شهرستانها باشند، چه برکات عظیمی بر وجود آنها مترتب خواهد شد. هجرت به شهرستانها، ارتباط با مردم را برای فضلاء ممکن می‌کند. تعامل با مردم، نکته‌ی بسیار مهمی است.

#### ی) کامل کردن برنامه‌ی درسی حوزه

مطلب دیگری که در این فهرست واجبات قرار می‌گیرد، کامل کردن برنامه‌ی درسی حوزه است و از جمله آنچه که به نظر من بسیار لازم می‌آید، تاریخ است. هیچ لزومی ندارد که تاریخ را درس بدهیم؛ می‌توان تاریخ را به عنوان کارهای فوق برنامه‌ی طلاب گذاشت؛ منتها از آنها امتحان کرد و در پیشرفتهای حوزه‌ای آنها دخالت

داد. طلاب باید با تاریخ و عمدتاً تاریخ صدر اسلام آشنا باشند. این بسیار مهم است. تاریخ تحلیلی دهساله‌ی زندگی پیغمبر، از جمله بخشهای بسیار روشن‌گر برای همه‌ی ذهنهاست. تاریخ مشروطیت، از دوره‌ی مشروطه تا امروز و امثال اینها هم مهم است. البته بخشها و مقاطع دیگری هم از تاریخ هست که مهم است و من نمی‌خواهم وارد جزئیات شوم.

همین‌طور حدیث در برنامه‌ی کاری طلاب باید حدیث وارد شود. طلاب بایستی با حدیث آشنا شوند؛ باید با «کافی» آشنا شوند؛ با کتابهای حدیثی مشخصی آشنا شوند. خواندن کلمات ائمه برای ما لازم است. به برکت مطالعه‌ی کلمات ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام و نیز نهج‌البلاغه، بسیاری از فکرهای عالی در ذهنها می‌جوشد.

### 🏠 (م) نگاه کلی به برنامه و کار تحقیق در حوزه

مطلب دیگری به عنوان امر لازمی در حوزه می‌خواهم عرض کنم. امروز در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، خوشبختانه بخشهای تحقیقاتی زیادی وجود دارد که بعضی مربوط به حوزه، بعضی مربوط به خارج حوزه و بعضی مربوط به بخشهای خصوصی است. طلاب و فضلاء جوان کارهای تحقیقاتی انجام می‌دهند؛ اینها را باید با تدبیری مدیریت حوزه مکمل هم کند؛ به طوری که از مجموعه‌ی این تحقیقات، یک منظومه‌ی کامل برای رصد کردن هجوم فکری و تبلیغاتی دشمن و امکان مقابله‌ی با این هجوم به وجود آید. امروز برای طلاب، اغلب این تحقیقات در بخشهای مختلف، جنبه‌ی کاربردی پیدا خواهد کرد. باید طوری انتخاب شود که هر کس می‌خواهد یک مجموعه‌ی کاری تحقیقاتی درست کند، با مدیریت حوزه مشورت کند؛ با او در میان بگذارد؛ توصیه‌ی او را به طور الزامی بپذیرد و آنها بدانند چه کار می‌کنند. یک نگاه کلی به برنامه و کار تحقیق در حوزه باشد؛ کارهای تکراری و بیهوده و بی‌فایده وارد مسأله‌ی تحقیقات نشود و وقتی حوزه را از بین نبرد. این کار بسیار لازمی است.

اینها بخشی از مطالبی بود که می‌خواستم در باب واجبات حوزه عرض کنم. البته مقدار زیادی از اینها مربوط به مدیریت است و من این‌جا می‌خواهم از فرصت استفاده کنم و عرض کنم: عزیزان من! مسأله‌ی مدیریت حوزه را جدی بگیرید. بعضی اشخاص، مدیریت حوزه را جدی نمی‌دانند؛ جدی است. اگر ممکن بود یکی از مراجع معظم، مدیریت حوزه را به طور اجرایی به دست بگیرد، این اولویت داشت. این قدر مسأله‌ی مدیریت حوزه مهم است. اگر یک مرجع تقلید از همه‌ی کارهای مربوط به مرجعیت صرف نظر کند - از افتاء و رسیدن به مقلدان و تدریس و ... - فقط به مدیریت حوزه بپردازد، جا دارد. این قدر مدیریت حوزه مهم است. امروز بحمدالله عزیزی این مهم را بر دوش گرفته و این زحمت را قبول کرده‌اند. همه باید با اینها همکاری کنند تا کارهای مدیریت بتواند پیش برود. همه باید از گذشت کسانی که مسؤولیت کار اجرایی مدیریت را به عهده گرفته‌اند، قدرشناسی کنند.

### درس خواندن را جدی بگیرید

قسمت پنجم - و آخرین بخش عرایض من - توصیه‌ها و تذکرات به شما عزیزان است. اول این که درس خواندن را جدی بگیرید عزیزان! نگویید چون این برنامه فلان عیب را دارد، پس برنامه هیچ؛ نه. تا برنامه تغییر نکرده است، همین برنامه‌ای که وجود دارد، باید با جدیت دنبال شود. باید درس بخوانید. تا قبل از اتمام دوره‌ی سطح، توصیه‌ی من این است: طلبی که مشغول به سطوح هستند، تا قبل از آن که از سطح خارج شوند، به هیچ کار دیگر غیر از درس نپردازند. درس بسیار جدی است؛ درس بسیار مهم است؛ علم و سواد پایه‌ی اصلی است؛ بدون آن هیچ نقشی نمی‌توانید ایفا کنید، یا درست نمی‌توانید ایفا کنید. نقش آفرینی غلط، از نقش آفرین نبودن به مراتب خسارت‌بارتر است.

### حفظ زنی طلبگی برای طلبه

دوم، حفظ زنی طلبگی است. زنی طلبگی چیست؟ من زنی طلبگی را در دو جمله می‌توانم معرفی کنم: پارسایی با عزت، و نظم در تحصیل و زندگی. طلبه، پارساگونه زندگی می‌کند. البته من از اوضاع مادی حوزه‌ی علمیه، حقیقتاً آشفته و ناراحتم. از مشکلاتی که بسیاری از طلاب و فضلا با آن دست و پنجه نرم می‌کنند - مشکلات مادی - مطلعم. گاهی اوقات بعضی از این اطلاعات برای من بسیار تلخ و گزنده است. البته آن مقوله‌ی دیگری است که واقعاً باید برایش فکری کرد. امروز حقیقتاً طلاب علوم دینی از همه‌ی طبقات جامعه - حتی از کارمند و از کارگر و از دیگران - از لحاظ حظ معیشتی پایین‌ترند - این یک واقعیت است - در حالی که یکی از بزرگترین و شریفترین کارها را اینها انجام می‌دهند. از ظواهر هم چندان چیزی نمی‌شود فهمید. همان عزت نفس و مناعتی که طلاب علوم دینی از گذشته با آن سرفراز بوده‌اند، نمی‌گذارد آدمهای سطحی و ظاهر بین، بسیاری از بواطن امر را ببینند و بشناسند. من نمی‌خواهم آن مقوله را با این مقوله مخلوط کنم. آنی که حالاً عرض می‌کنم، این است که طلاب - چه آنهایی که برخوردارند، چه آنهایی که دچار سختی‌هایی هستند - باید زنی طلبگی‌شان محفوظ بماند؛ یعنی حالت پارسایی و قناعت، همراه با عزت نفس؛ این یک. دوم، نظم در تحصیل و به تبع آن نظم در زندگی؛ که خصوصیت طلبگی نظم است.

### لزوم شناخت اخلاق اسلامی

توصیه بعدی من به شما عزیزان این است که باید اخلاق اسلامی را، هم بشناسیم - همه‌مان؛ این دیگر پیر و جوان ندارد؛ اما جوانها بیشتر و بهترند - و هم تحلی به حلیه‌ی اخلاق پیدا کنیم. امروز خوشبختانه درسهای اخلاق در حوزه هست؛ اما عزیزان من! درس اخلاق، همه‌ی وظیفه‌ی ما در باب تخلّق به اخلاق حسنه را ایفا نمی‌کند. هر کسی خودش باید با دل خود، با رفتار خود، به طور دائم مشغول تهذیب و مشغول کشتی گرفتن با بدیها و زشتیهای وجود خودش باشد. دعای شریف مکارم الاخلاق را - که دعای بیستم صحیفه‌ی سجادیه است - زیاد بخوانید تا ببینید آن چیزهایی که امام سجاد علیه‌السلام در این دعا از خدا خواسته است،

چیست. بسیاری از این چیزها یا بسیاری از دعا‌های دیگر را ما به عنوان اخلاق نیکو نمی‌شناسیم. مفاهیم و مضامینی که در همین دعای پنجم صحیفه‌ی سجاده‌په هست: «یا من لاتنقضی عجائب عظمته» - که شروعش این طوری است - برای ما درس است؛ «اللهم اغننا عن هبة الوهابین بهبتک و اکفنا وحشة الفاطعین بصلتک». (۳) با کلمات ائمه، با دعا‌های صحیفه‌ی سجاده‌په، با این داروهای شفا بخشی که می‌تواند بیمار یهای اخلاقی ما را شفا بخشد و زخمهای وجود ما را درمان کند، خودمان را آشنا کنیم. قدر بدانید این دعا و توسل و تضرع و توجه و نورانیتی که از این راه حاصل می‌شود. این همه چیز است.

امام بزرگوار ما - آن گونه که من از بزرگان خودمان شنیده‌ام - از جوانی در این حرم مطهر حضرت معصومه عبادت می‌کرد. مرحوم آمیرزا جواد آقای تهرانی در مشهد، سالها قبل از انقلاب برای ما نقل می‌کرد؛ می‌گفت من رفتم قم به عنوان طلبه؛ حرم که مشرف می‌شدم، هر روز یک چهره‌ی نورانی، یک مرد محترم، یک جوان نورانی، یک سید نورانی را می‌دیدم که غرق در عبادت است. می‌گفت از نورانیت و عبادت او دل من مجذوب شد؛ پرسیدم ایشان کی‌اند؟ گفتند ایشان حاج آقا روح‌الله خمینی هستند. این مربوط به زمانی است که امام بزرگوار ما - این شخصیت برجسته - هنوز سی سال از عمرشان نگذشته بود. آری؛ همان عبادتها و همان توجهات و همان ارتباط و اتصال با معدن نورانیت غیب الهی و اولیای الهی، همین نتایج را هم دارد. این نورانیتی را که به خاطر جوانی در دل شماسست، قدر بدانید و مغتنم بشمارید.

### ایجاد اعتماد به نفس علمی و سیاسی

توصیه‌ی دیگر من به شما عزیزان این است که از لحاظ علمی و همچنین از لحاظ سیاسی، باید اعتماد به نفس کاملی را در خودتان به وجود آورید. علم شما، علم بسیار باارزشی است؛ علمی است که می‌تواند بسیاری از گره‌های زندگی بشر را باز کند. آگاهی سیاسی و موضع سیاسی شما و همچنین آگاهی فکری و مواضع فکری و اعتقادی شما باید طوری باشد که در محیطهای مختلف اثر گذار باشید. این طور نباشد که طلبه‌ی جوان در مواجهه‌ی با طوفانهای فکری مخالف، به خود بلرزد و احساس ضعف و وحشت کند. این عزت نفس، این اعتماد به نفس، این قدرت تکیه‌ی به خود را باید حتماً در خود به وجود آورید. راههایی دارد پیمودنی.

### پرهیز از عصبیت و آشفته‌گی سیاسی

توصیه‌ی دیگر من این است: من شما عزیزان را در زمینه‌ی مسائل سیاسی، به دو چیز که گاهی با هم اشتباه می‌شود - دعوت می‌کنم. یکی این است که همچنان که بزرگان گفتند و می‌گویند و توصیه می‌کنند، غیرت دینی، لازم است. نباید بگذارید غیرت دینی از مجموعه‌ی حوزه‌ی علمیه و احاد آن سلب شود. دوم این که از لحاظ سیاسی عصبی نشوید. اینها با همدیگر نایستی اشتباه بشود. بعضی کسان دوست می‌دارند حوزه‌ی علمیه را عصبی و آشفته و دچار کارهای بی‌رویه‌ی سیاسی مشاهده کنند. توصیه‌ی من این است که نگذارید.



حضور سیاسی، سخن سیاسی، موضع سیاسی، بسیار خوب و لازم است و در مواردی مقتضای غیرت دینی هم هست؛ اما حرکات بی‌رویه، حرکات عصبی، حرکاتی که اگر پای صحبت به میان بیاید، نمی‌توانید از آن دفاع کنید؛ این‌ها نه این‌ها با هم تفاوت بگذارید. مرز بین این دو را همیشه در نظر داشته باشید.

### توطئه‌ی جدایی و تقابل حوزه و دانشگاه

نکته‌ی بعدی این است که من به برادران عزیز در حوزه‌ی علمیه توصیه می‌کنم که نگذارند توطئه‌ی جدایی و تقابل حوزه و دانشگاه بار دیگر به ثمر بنشیند. دانشگاه را همتای علمی خودتان بدانید؛ دو همتا. شما در یک رشته تحصیل می‌کنید، آنها هم در رشته‌های دیگری تحصیل می‌کنند. یک مجموعه‌ی علمی این‌جاست، یک مجموعه‌ی علمی هم محیط دانشگاهی کشور است. همیشه سعی دشمن این بوده است که بین حوزه و دانشگاه نفرت و تنافر و دشمنی به‌وجود بیاورد. نگذارید این حالت به‌وجود آید. اگر چهار نفر در گوشه‌ای در یک دانشگاه یک حرکت خلافی انجام دادند، این مثل آن است که دو نفر در حوزه‌ای، در گوشه‌ای، کار غلطی کردند. نه آن را می‌شود تعمیم داد، نه این را می‌شود تعمیم داد. البته این‌جا منظورم از رابطه‌ی حوزه و دانشگاه، رابطه‌ی صرفاً عاطفی است. البته رابطه‌ی علمی و عملی به وسیله‌ی مدیران امکانپذیر است ولی در این مقام، من مسأله‌ی عاطفی را مطرح می‌کنم.

### اثرگذاری، تبلیغ و هدایت را هرگز نباید فراموش کرد

آخرین توصیه‌ای که عرض می‌کنم، در ارتباط طلاب عزیز و جوان و فضلالی محترم با مردم است. در ارتباطات خود با مردم، اصل نرمش و تواضع و مدارا و درعین حال اثرگذاری و تبلیغ و هدایت را هرگز نباید فراموش کنید. خصوصیت طلاب حوزه‌ی علمیه و فضلالی حوزه‌های علمیه همین است که بتوانند دل مردم را جلب کنند و فکر مردم را تحت تأثیر سخن هدایت‌آمیز خودشان قرار دهند. اگر امر بعکس شد، نتیجه بعکس خواهد شد. اگر در مقام دادن فکر، حرف درستی ارائه نشود، متاع قابل‌عرضه نشود؛ اما در مقام برخورد، برخورد طلبکارانه، متوقعانه و خشن ارائه شود، دل جذب نخواهد شد؛ فکر هم تسلیم نخواهد شد. امروز، روزی است که حوزه‌ی علمیه نیاز دارد فکر و افکار گوناگون را مجذوب فکر بلند و اندیشه‌ی والای اسلامی خود کند؛ همچنان که نیاز دارد برای جلب همراهی و همکاری آنها، دل‌های آنها را متوجه خودش کند.

## درس‌های نیمه شعبان برای منتظران

- ❁ مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، شفا بخش
- ❁ دردهای معنوی، روحی و اجتماعی
- ❁ درس‌های مهدویت و نیمه شعبان:
- ❁ الف) حرکت عالم به سمت صلاح و آفاق روشن
- ❁ ب) تحقق شعار توحید در عالم
- ❁ چگونگی زمینه سازی برای ظهور:
- ❁ الف) مقاومت کردن بر حق
- ❁ ب) اصلاح درون و جامعه

## درس‌های نیمه شعبان برای منتظران\*

### مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، شفا بخش دردهای معنوی، روحی و اجتماعی

این میلاد و این یاد بزرگ باید به ما درس بدهد. احساسات، بسیار خوب است؛ عواطف، پشتوانه بسیاری از اعمال نیکوی انسانهاست؛ ایمان و عقیده قلبی به وجود این منجی عظیم عالم، شفا بخش بسیاری از بیماریها و دردهای معنوی و روحی و اجتماعی است؛ ولی فراتر از همه اینها، ما باید از این یاد، از این خاطره و از این حادثه عظیم، درس بگیریم. هر سال این جشنها برپا می‌شود و دلها را معطر می‌کند. اگر درسهای عمیقی که در تجدید این خاطره وجود دارد، برای رفتار ما و عمل ما بتواند یک آموزنده و معلم به حساب آید، یقیناً پیشرفت جامعه ما به سمت کمال، روانتر و سریعتر خواهد شد.

### درس‌های مهدویت و نیمه شعبان:

#### الف) حرکت عالم به سمت صلاح و آفاق روشن

یک درس از این درسها این است که همه بدانند و همه اذعان و باور کنند که حرکت عالم به سمت صلاح و به سمت آفاق روشن است. مستکبران عالم هر چه می‌خواهند، بگویند؛ تظاهر به قدرت‌نمایی بکنند؛ اما لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش می‌برد، روز به روز در حال افزایش یافتن است. گذشت سالها نمی‌تواند این امید را در دلها از بین ببرد یا کم‌فروغ کند که در آینده - که امیدواریم آن آینده چندان دور نباشد - همه آحاد بشر طعم عدالت را به معنای واقعی کلمه

خواهند چشید. حقانیت آن دولت الهی و حکومت ربوبی در زمین در این است که همه آحاد بشر سهم خود را از معرفت حقیقت و عمل به حقیقت خواهند گرفت. قدرتمندان و مستکبران و زورگویان و زراندوزان و زورمداران عالم هر چه تلاش کرده‌اند و بکنند، نخواهند توانست این حرکت و این رفتار طبیعی بشر را به سمت صلاح متوقف کنند. البته در کار خدا در زمین طفره نیست و کارها بر طبق روال طبیعی انجام می‌گیرد؛ اما طبیعت و فطرت عالم این است؛ که به سمت کمال برود و می‌رود.

### ب) تحقق شعار توحید در عالم

شعارهایی که امام زمان علیه‌الصلاة والسلام وعجل الله تعالی فرجه بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد، امروز شعارهای مردم ماست؛ شعارهای یک کشور و یک دولت است. این خودش یک گام بسیار بلندی به سوی اهداف امام زمان است. روزی شعار توحید، شعار معنویت و شعار دینداری، در دنیا منسوخ شده بود؛ سعی کرده بودند به طور کلی آن را به دست فراموشی بسپارند؛ اما امروز در این منطقه عالم، این شعارها، شعارهای رسمی حکومت است؛ شعارهای رسمی اداره کشور و آحاد ملت است؛ علاوه بر این، این شعارها آرزوی ملت‌های مسلمان در بسیاری از کشورهای دنیاست؛ و این شعارها یک روز تحقق پیدا خواهد کرد.

### چگونگی زمینه سازی برای ظهور:

#### الف) مقاومت کردن بر حق

این زمینه‌ها وقتی آماده شد؛ آن وقت که معلوم شد در مقابل قدرت مادی مستکبران عالم، زمینه این وجود دارد که آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند، آن روز، روز ظهور امام زمان است؛ آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه دل‌های مستعد را که در همه جای جهان هستند، به خود جذب کند و آن وقت دیگر قدرتهای ستمگر، قدرتهای زورگو، قدرتهای متکی به زر و زور نتوانند حقیقت را - آن چنانی که قبل از آن همیشه کرده‌اند - با فشار زر و زور خود به عقب نشانند یا مکتوم نگه‌دارند.

#### ب) اصلاح درون و جامعه

شما مردم عزیز - بخصوص شما جوانان - هر چه که در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیتها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیکتر خواهید کرد. اینها دست خود ماست. اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد؛ همچنان که شهدای ما با فدا کردن جان خودشان آن روز را نزدیک کردند. نسلی که برای انقلاب آن فداکارها را کردند، با فداکاریهای خودشان

آن آینده را نزدیکتر کردند. هرچه ما کار خیر و اصلاح درونی و تلاش برای اصلاح جامعه انجام دهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیکتر می‌کنیم.

## از غدیر تا ظهور

- ❖ غدیر، واقعه مسلم تاریخ اسلام
- ❖ دوره ولّی عصر ارواحناده، دوره آغاز زندگی بشر
- ❖ ضرورت استمرار حرکت نبوی در مسأله غدیر
- ❖ رسیدن به سر منزل هدایت با دنباله روی از علی (ع)
- ❖ راه گذر از مشکلات با پیروی از سفینه نجات اسلام
- ❖ تشکیل حکومت اسلامی، تداوم راه غدیر
- ❖ مسولیت ما در قبال استمرار حرکت غدیر
- ❖ ترسیم خط غدیر تا افق مهدویت

## از غدیر تا ظهور\*

## ❁ غدیر، واقعه مسلم تاریخ اسلام

در واقعه غدیر، در سهای بزرگی وجود دارد: اولاً این واقعه جزو وقایع مسلم تاریخ اسلام است. این طور نیست که فقط شیعه حدیث غدیر را نقل کرده باشد. در بین علما و محدثان اهل سنت، تعداد بسیاری این حدیث را نقل کرده‌اند و همان طور که شیعه این حادثه را بیان کرده است، آنها هم بیان کرده‌اند. فهم علما و دانشمندان - همانند فهم خود حضار آن حادثه - از این عمل پیغمبر، که دست امیرالمؤمنین را بلند کرد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»<sup>۱</sup> این بود که پیغمبر، امیرالمؤمنین را برای جانشینی خود نصب کرد. نمی‌خواهیم وارد مسأله شیعه و سنی و اختلافات و درگیریهای اعتقادی شویم - دنیای اسلام تا امروز هر چه از دعوی شیعه و سنی کشیده، بس است! - ولی معرفتی که در این کلام عمیق پیغمبر وجود دارد، باید درست فهمیده شود؛ پیغمبر امیرالمؤمنین را منصوب کرد.

## ❁ دوره ولی عصر ارواحنا فداه، دوره آغاز زندگی بشر

پیغمبر برای این مبعوث شده بود که مردم را تعلیم دهد و تزکیه کند؛ «یعلّمهم الكتاب و الحکمة و یزکّیهم»<sup>۲</sup> یا در جای دیگر «یزکّیهم و یعلّمهم الكتاب و الحکمة»<sup>۳</sup> باید انسانها، هم آموزش داده شوند و هم تزکیه شوند، تا این کره خاکی و این جامعه بزرگ بشری بتواند مثل یک خانواده سالم، راه کمال را طی کند و از خیرات این عالم بهره‌مند شود. هدف همه نبوتها و بعثتها این است. هر کدام از انبیا به نبوت مبعوث شدند، این اقدام بزرگ تعلیم و تربیت را تا آن حدی که امکانات زمان اجازه می‌داد، پیش

\* بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز عید سعید غدیر خم ۱۳۷۹/۱۲/۲۴

۱. امالی طوسی، ۲۴۷

۲. بقره: ۱۲۹

۳. جمعه: ۲

بردند؛ اما دین خاتم و نبی خاتم باید این حرکت عظیم الهی را ابدیت بخشد؛ چون پیغمبر دیگری مبعوث نخواهد شد تا بشر به آن سر منزل نهایی خود در این عالم - که زندگی در کره خاکی و در خانواده بشری، باید همراه با صلح و صفا و عدالت و با بهره‌مندی از خیرات عالم باشد - نزدیک شود و بالأخره به آن برسد. چگونه می‌شود بشریت را به آن سر منزل نهایی نزدیک کرد؟ آن وقتی که این تربیت مستمر باشد. باید تعلیم و تربیت مستمری از موضع حکومت و قدرت سیاسی - آن هم قدرت سیاسی کسی مثل پیغمبر؛ یعنی معصوم - این جامعه بشری را بتدریج پیش ببرد و تربیت کند و ناهنجاریها را در میان آنها کاهش دهد تا بشریت بتواند به آن نقطه‌ای که شروع زندگی سعادتمندانه همه انسانهاست - که ما آن دوره را، دوره حضرت ولی عصر ارواحنا فدا می‌دانیم - برسد. دوره ولی عصر ارواحنا فدا، دوره آغاز زندگی بشر است؛ دوره پایان زندگی بشر نیست. از آن جا حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این خانواده عظیم بشری تازه شروع خواهد شد و استفاده از برکات این کره خاکی و استعدادها و انرژیهای نهفته در این فضا، برای انسان - بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن - ممکن خواهد شد.

#### ❁ ضرورت استمرار حرکت نبوی در مسأله غدیر

درست است که امروز بشر از چیزی استفاده می‌کند، اما به یک چیز دیگر ضرر می‌زند. امروز نیروی اتم را کشف می‌کند، اما نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار می‌برد؛ نفت را از اعماق زمین استخراج می‌کند، اما این نفت در راه تزیین و تخریب محیط زیست انسان به کار می‌رود؛ کمالین که در این صد سال اخیر این گونه بوده است. بشر نیروهای محرکه و انرژیهای پنهان و قوه بخار و سایر نیروها را کشف می‌کند، اما انسانها را به انواع و اقسام گرفتاریهای جسمانی از ناحیه این مشکلاتی که زندگی مادی برای انسانها به وجود می‌آورد، آلوده می‌کند. به بشر سرعت و سهولت داده می‌شود؛ اما خیلی چیزها از او گرفته می‌شود. از آن طرف هم تخریب ارزشهای اخلاقی است که امروز انسان دچار آنهاست؛ لیکن در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فدا قضیه این گونه نیست. بشر از خیرات عالم، از انرژیهای پنهان و از نیروهای نهفته در طبیعت، استفاده بی‌ضرر و بی‌خسارت می‌کند؛ استفاده‌ای که مایه رشد و پیشرفت انسان است. همه پیغمبران آمده‌اند تا ما را به آن نقطه‌ای برسانند که زندگی بشر تازه شروع می‌شود. پیغمبر خاتم اگر بخواهد انسانها را به مقتضای دین خاتم به این جا برساند، باید چه کار کند؟ باید این تربیتی که او ارزانی انسانها کرده است، مستمر و طولانی باشد و چندین نسل را پی‌در پی شامل شود. خود پیغمبر اکرم که از دنیا خواهد رفت - «آنگ میّت و آنهم میّتون»<sup>۴</sup> - پس باید کسی را نصب کند که بعد از خود او دقیقاً همان راه و همان جهت و همان شیوه‌ها را مورد استفاده قرار دهد، و او علی بن ابی طالب است. معنای نصب غدیر این است.



### رسیدن به سر منزل هدایت با دنباله روی از علی (علیه السلام)

اگر آن روز امت اسلامی، نصب پیغمبر را درست و با معنای حقیقی خودش درک می‌کرد و تحویل می‌گرفت و دنبال علی بن ابی طالب علیه السلام راه می‌افتاد و این تربیت نبوی استمرار پیدا می‌کرد و بعد از امیرالمؤمنین هم انسانهای معصوم و بدون خطا، نسلهای بشری را مثل خود پیغمبر، پی‌درپی زیر تربیت الهی خویش قرار می‌دادند، بشریت بسیار زود به آن نقطه‌ای می‌رسید که هنوز به آن نقطه نرسیده است. علم و فکر بشری پیشرفت می‌کرد؛ درجات روحی انسانها بالا می‌رفت؛ صلح و صفا در بین انسانها برقرار می‌شد و ظلم و جور و ناامنی و تبعیض و بی‌عدالتی از بین مردم رخت برمی‌بست. این که فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها - که در آن زمان عارف‌ترین انسانها به مقام پیغمبر و امیرالمؤمنین بود - فرمود اگر دنبال علی راه می‌افتادید، شما را به چنین سرمنزلی هدایت می‌کرد و از چنین راهی می‌برد، به همین خاطر است. ولی بشر زیاد اشتباه می‌کند.

### راه گذر از مشکلات با پیروی از سفینه نجات اسلام

در تاریخ، اشتباهات بزرگ همیشه سرنوشت انسانها را با مشکلات بزرگ دچار کرده است. ماجرای سیر انسان در دوران نبوت نبی خاتم صلی الله علیه و آله و سلم، ماجرای بسیار پُر حادثه و داستان بسیار مهم و حامل فلسفه بسیار عمیقی است. در سال امیرالمؤمنین - که امسال و سالهای دیگر هم متعلق به ایشان است - شایسته است که این فلسفه مورد مذاقه قرار گیرد. امروز هم بشر باید همان حرکت و تلاش را انجام دهد. جوامع بشری هر چه با عدالت و معنویت همراه شوند و هر چه انسانها از رذایل اخلاقی، خودخواهیها، بداندیشیها، بددلیها، شهوترانیها و خودپرستیها دور شوند، آن آینده نزدیکتر خواهد شد. بشر در طول تاریخ در کجراه‌هایی قرار گرفته و به راه افتاده که او را از سر منزل نهایی خودش بسیار دور کرده است. امروز انقلاب اسلامی فرصت دوباره‌ای است که به بشریت داده شده است. این بیداری اسلامی یک فرصت دوباره است. از این فرصتها در طول تاریخ پیش آمده، منتها کم؛ در طول تاریخ اسلام هم پیش آمده، باز هم کمتر. در دریای متلاطمی از امواج گوناگون مادی و نابودی ارزشهای اخلاقی و معنوی، ناگهان این کشتی مستقر ثابت نجات‌دهنده - کشتی اسلامی با ناخدایی اسلام و بارهبری قرآن، ظاهر شده و انسانها را به سمت خودش دعوت کرده است. بحث یک حادثه کوچک نیست. یک ملت به این کشتی نجات چسبیده‌اند و ملتهای دیگر هم دیدند که یک ملت چگونه می‌تواند از زیر بار حکومت زور و فساد و وابستگی و دنباله‌روی طاغوتها و مستکبران عالم، با پیروی از سفینه نجات اسلام، نجات پیدا کند.

### تشکیل حکومت اسلامی، تداوم راه غدیر

همه بدانند و بخصوص جوانها بیشتر توجه کنند؛ امروز آوازه و نشانه‌ها و انعکاسهای بسیار مؤثر و کار آمد فریاد انقلاب در دنیا بسیار عمیق شده است. البته از تبلیغات مخالفانی که از فریاد اسلام به وحشت

افتاده‌اند، انتظاری نیست که این بازتاب‌های جهانی را منعکس کنند. آنها عکسش را منعکس می‌کنند؛ لیکن حقیقت قضیه این است که عرض می‌کنم: تا اعماق جان انسانها - آن هم در چهار گوشه عالم؛ نه فقط در دنیای اسلام - بازتاب حرکت ملت ایران منعکس شده است. در بسیاری از کشورها - و در کشورهای اسلامی، بیشتر - جوانها به ندای اسلام دل بسته‌اند. در دوره قبل از انقلاب اسلامی و قبل از تشکیل حکومت اسلامی در این جا، این دلبستگی وجود نداشت. این تداوم راه غدیر است. این مطرح کردن یک خط روشن برای بشریت است تا در سایه این خط روشن، هر چه زودتر به آن سرانجامی که همه پیغمبران مژده‌اش را داده‌اند، برسد. همه پیغمبران و مصلحان عالم این نوید را به بشریت داده‌اند که یک روز نجات خواهد یافت.

### مسئولیت ما در قبال استمرار حرکت غدیر

امروز ما - هم مسؤولانمان، هم مردمان - در قبال مسأله غدیر مسؤولیم. مسؤولان کشور باید سعی کنند اعمال و رفتار و حرکات و سکنات و برنامه‌ریزی‌هایشان را به گونه‌ای تنظیم کنند که با هدفهای اسلام - که همان هدفهای غدیر است - تطبیق کند. اگر چه همه دنیا، بخصوص کمپانیهای صهیونیستی و قدرتمندان و زرسالاران عالم، ناراحت شوند و هجمه تبلیغاتی کنند، باکی نیست. امروز پایه انقلاب مستحکم است و این توفانها نمی‌تواند این بنای شامخ را متزلزل کند. از چه چیزی می‌ترسند؟ ملاحظه چه چیزی را می‌کنند؟ بعضی کسان در برنامه‌ریزی‌هایشان، در اجرایشان، در تصمیم‌گیری‌هایشان، در حرف‌زدن‌هایشان و در موضعگیری‌هایشان، دائماً مواظبند که نکند فلان رادیوی گوشه دنیا - که به فلان دستگاه جاسوسی وابسته است - علیه این صحبت یا علیه این شخص حرفی بزند! خوب؛ بزند.

### ترسیم خط غدیر تا افق مهدویت

امروز پیام اسلام، پیام جذابی است. پیام ما، پیام عدالت است؛ پیام ما، پیام نجات انسانها و نجات جوانهاست. وقتی ما اسم جوان را می‌آوریم، فقط به جوانهای جامعه خودمان نگاه نمی‌کنیم. امروز نسل جوان در دنیا غرق در بدبختی و نابسامانی است. رنجها، فشارهای روحی و عصبی و ابهام آینده، امروز نسلهای جوان را در سرتاسر دنیا بر اثر دوری از معنویت، زیر فشار قرار می‌دهد. مسؤولان، به نام اسلام، برای اسلام، با پیام اسلام، شجاعانه، قدرتمندانه و بدون ملاحظه این و آن، هم موضعگیری کنند، هم حرف بزنند و هم عمل کنند. مردم عزیزمان و بخصوص جوانها هم به برکت غدیر، بدانند این راهی که اسلام و قرآن و خط غدیر ترسیم کرده، یک راه روشن است؛ راهی است که با استدلال و فلسفه مستحکمی ترسیم شده و روندگان بسیار بزرگ و عظیم‌المنزلی پیدا کرده است. امروز هم خوشبختانه این راه در دنیا مطرح است و دیگر ما در تنهایی و عزلت نیستیم. امروز مادر مرکز و محور توجه مردم جهان - بخصوص کشورهای اسلامی - هستیم. راه، راه خوش عاقبت و روشنی است؛ با تلاش مسؤولان

و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم به قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه مدت نیست، اما همان راهی است که بالأخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که ان شاء الله زمینه‌های ظهور مهدی موعود صلوات الله علیه و عجل الله فرجه را فراهم خواهد کرد.

## درس‌های اعتقاد به مهدویت و انتظار موعود

- ❖ اعتقاد به مهدویت، نجاتبخش بشریت و تاریخ
- ❖ عدالت، برجسته‌ترین شعار مهدویت
- ❖ دروس عملی اعتقاد به مهدویت:
- ❖ الف) نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان
- ❖ ب) سرشار شدن دلها از نور امید
- ❖ ج) پرهیز از انزوا و نصیحت ورزی با سلطه‌گری و استثمار
- ❖ د) خودسازی، آگاهی و روشن بینی منتظران
- ❖ ه) استقرار بنای عدل الهی در سرتاسر عالم
- ❖ مبارزه اسلام با تبعیض و جمع کردن ثروت شخصی
- ❖ منافع داشتن قانوندان قانون شکن با نظام اسلامی و انتظار مهدی موعود
- ❖ نیاز عمده نظام اسلامی به عدالت

## درس‌های اعتقاد به مهدویت و انتظار موعود\*

### اعتقاد به مهدویت، نجاتبخش بشریت و تاریخ

اعتقاد به ظهور مهدی در دورانی از تاریخ، مخصوص شیعه نیست؛ همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی به این معنا معتقدند؛ بلکه غیرمسلمانان هم به یک صورت معتقدند. منتها امتیاز شیعه در این است که این شخصیت نجاتبخش بشریت را با نام و نشان و خصوصیات می‌شناسد و معتقد است او همواره برای دریافت دستور الهی، حاضر و آماده است. هر وقت پروردگار عالم به او دستور دهد، او آماده شروع آن کار عظیمی است که بناست بشریت و تاریخ را متحول کند. آنچه ما به عنوان یک درس و تعلیم معرفتی و عملی از این قضیه باید بگیریم، مهم است.

### عدالت، برجسته‌ترین شعار مهدویت

شما برادران و خواهران توجه دارید که برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت. مثلاً در دعای ندبه وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار می‌کنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهرش، اولین جمله‌ای که ذکر می‌کنیم، این است: «این المعدّ لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامة الأمت و العوج، این المرتجی لأزالة الجور و العدوان<sup>۱</sup>»؛ یعنی دل بشریت می‌تپد تا آن نجاتبخش بیاید و ستم را ریشه‌کن کند؛ بنای ظلم را - که در تاریخ بشر، از زمانهای گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدت وجود دارد - ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشانند. این اولین درخواست منتظران مهدی موعود از ظهور آن بزرگوار است. یا در زیارت

آل یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر می‌کنید، یکی از برجسته‌ترین آنها این است که «الذی یملاً الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً». انتظار این است که او همه عالم - نه یک نقطه - را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید. در روایاتی هم که درباره آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد. بنابراین انتظار منتظران مهدی موعود، در درجه اول، انتظار استقرار عدالت است.

### 🔷 درس عملی اعتقاد به مهدویت:

#### 🔷 الف) نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان

درد بزرگ بشریت، امروز همین مسأله فقدان عدالت است. همیشه دستگاه‌های ظلم و جور در سطح دنیا به شکل‌های مختلف بر مردم جفا کرده‌اند؛ بشریت را زیر فشار قرار داده‌اند و انسانها را از حقوق طبیعی خود محروم کرده‌اند؛ اما امروز این معنا از همیشه تاریخ بیشتر است و رفع این را انسان از ظهور مهدی موعود می‌طلبد و انتظار می‌برد. بنابراین، مسأله، مسأله طلب عدالت است. اولین درس عملی از این موضوع این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است. این، مطلب بسیار مهمی است که نسل‌های بشری امروز معتقد نباشند که در مقابل ظلم جهانی، نمی‌شود کاری کرد. امروز وقتی ما با نخبگان سیاسی دنیا از ظلم‌های مراکز قدرت بین‌المللی و سیستم جهانی ظلم - که امروز به سرکردگی استکبار در همه دنیا وجود دارد - صحبت می‌کنیم، می‌بینیم آنها می‌گویند بله؛ چیزی که شما می‌گویید، درست است؛ واقعاً ظلم می‌کنند؛ اما کاری نمی‌شود کرد! یعنی مجموعه بزرگی از نخبگان که سررشته کار در دنیا در دست آنهاست، اسیر یأس و ناامیدی‌اند و این یأس و ناامیدی را به ملت‌های خود سرریز می‌کنند و آنها را از این که بتوان نقشه ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس می‌کنند. بدیهی است که انسان‌های مأیوس نمی‌توانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند.

#### 🔷 ب) سرشار شدن دلها از نور امید

آن چیزی که انسانها را وادار به کار و حرکت می‌کند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود، دلها را سرشار از نور امید می‌کند. برای ما که معتقد به آینده حتمی ظهور مهدی موعود علیه‌السلام هستیم، این یأسی که گریبانگیر بسیاری از نخبگان دنیا است، بی‌معناست. ما می‌گوییم نخیر، می‌شود نقشه‌ی سیاسی دنیا را عوض کرد؛ می‌شود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملتی معتقد است نقشه ظالمانه و شیطانی امروز در کل عالم قابل تغییر است، آن ملت شجاعت می‌یابد و احساس می‌کند

دست تقدیر، تسلط ستمگران را برای همیشه به طور مسلم نوشته است. انسانها می‌توانند تلاش کنند و پرچم عدالت را - ولو در یک نقطه محدود - بلند کنند. شما ببینید ملت‌هایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشارِ ظلم و ستم زندگی می‌کنند، اگر این امید را در دل خود بپرورانند که می‌شود با ظلم مبارزه کرد، چه اتفاقی در دنیا می‌افتد و چطور ملت‌ها بیدار می‌شوند! یک روز ملت ایران هم در پنجه اقتدار رژیم طاغوتی دچار همین یأس بود؛ ولی امام بزرگوار ما با تعالیم اسلامی، این یأس را از دل‌ها پاک کرد و به مردم امید و شجاعت داد. نتیجه این شد که این مردم به پا خاستند، نهضت کردند، تن به سختی دادند، مبارزه کردند، از جان خود دریغ نکردند و توانستند در این نقطه از عالم، با عوامل ظلم و نظام ظالمانه و شیطانی مبارزه و آن را ریشه کن و سرنگون کنند.

امروز دستگاه‌های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکران وابسته به آنها، در سطح عالم این‌طور تبلیغ می‌کنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمانگرایی مبارزه می‌کنند و می‌خواهند ملت‌ها را متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونی ظالمانه دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی، نقطه مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملت ما با اعتقاد به ظهور مهدی علیه‌الصلاة والسلام این اعتقاد را در دل خود پرورش می‌دهند که نظم ظالمانه جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ می‌شود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد.

### ج) پرهیز از انزوا و نصیحت ورزی با سلطه‌گری و استثمار

درس دیگری که اعتقاد به مهدویت و جشنهای نیمه شعبان باید به ما بدهد، این است: عدالتی که ما در انتظار آن هستیم - عدالت حضرت مهدی علیه‌السلام که مربوط به سطح جهان است - با موعظه و نصیحت به دست نمی‌آید؛ یعنی مهدی موعود ملت‌ها نمی‌آید ستمگران عالم را نصیحت کند که ظلم و زیاده‌طلبی و سلطه‌گری و استثمار نکنند. با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه عالم مستقر نمی‌شود. استقرار عدالت، چه در سطح جهانی - آن‌طور که آن وارث انبیا انجام خواهد داد - و چه در همه بخش‌های دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسانهای صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، نمی‌شود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنها باید با زبان اقتدار صحبت کرد. آغاز دعوت پیغمبران الهی با زبان نصیحت است؛ اما بعد از آن که توانستند طرفداران خود را گرد آورند و تجهیز کنند، آن‌گاه با دشمنان توحید و دشمنان بشریت، با زبان قدرت حرف می‌زدند.

شما ببینید در همین آیه کریمه قرآن که راجع به قسط صحبت می‌کند و می‌گوید خدای متعال

همه پیغمبران را فرستاد، «لیقوم الناس بالقسط<sup>۳</sup>»؛ برای این که قسط و عدالت را در جامعه مستقر کنند، بلافاصله می فرماید: «وانزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس<sup>۴</sup>»؛ یعنی پیغمبران علاوه بر این که با زبان دعوت سخن می گویند، با بازوان و سرپنجه‌گان قدرتی که مجهز به سلاح هستند و با زور گویان و قدرت طلبان فاسد، معارضا و مبارزه می کنند. پیغمبر اکرم وقتی به مدینه آمد و نظام اسلامی را تشکیل داد، آیات قرآن را بر مردم می خواند، به گوش دشمنان هم می رسانید؛ اما به این اکتفا نمی کرد. کسانی که طرفدار عدالت هستند، در مقابل زور گویان و زیاده طلبان و متجاوزان به حقوق انسانها باید خود را به قدرت مجهز کنند. لذا شما می بینید از روزی که نظام اسلامی به وجود آمد - یعنی اسلام مجهز به قدرت یک ملت بزرگ و امکانات یک کشور و دولت بزرگ شد - دشمنان اسلام حرکت اسلام را جدی گرفتند و علاقه مندان و طرفداران اسلام هم در اطراف و اکناف عالم امیدوار شدند. بسیاری از پیغمبران در میدان مبارزه و جهاد مقدس و قتال قدم می گذاشتند: «و کأین من نبی قاتل معه ربيون كثير<sup>۵</sup>».

کسانی که خیال می کنند اسلام باید برود و در گوشه‌ای بنشینند و مردان اسلام و دین فقط زبان نصیحت را به کار گیرند، اینها دانسته یا ندانسته همان چیزی را می گویند که مراکز قدرت جهانی آن را می خواهند و آرزو می کنند. مراکز قدرت استکباری از این که رهبران اسلامی در گوشه‌ای از دنیا بنشینند و گاهی پیامی بدهند و یک کلمه حرفی بزنند - همچنان که رهبران مسیحی در هر قضیه‌ای پیامی می دهند، نصیحتی می کنند و جمله‌ای می گویند - هیچ ترسی ندارند؛ می دانند این خطری برای آنها نیست. از این که ملتهای مسلمان بیدار شوند و تشکیل حکومت دهند؛ از این که ایمان اسلامی احاد مردم در قالب یک نظام و یک دولت و یک حکومت تجسم پیدا کند، و اهمه دارند و می ترسند. نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی بزرگترین قدم را در این راه برداشت و به برکت مجاهدت جوانان و مردان و زنان مؤمن و فداکار این ملت، اسلام در دنیا به عنوان یک قدرت ظاهر شد. هر چه این قدرت بتواند خود را مستقرتر و پایدارتر کند، نظم ظالمانه و شیطانی دنیا بیشتر تهدید می شود.

بعضیها بی توجه، از جدایی دین و سیاست حرف می زنند؛ یعنی دین را به گوشه‌های خلوت برانند و انسان دیندار، فقط به نصیحت اکتفا کند! در این جا نصیحت نمی تواند کاری بکند. آنچه می تواند قدرت‌ها را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت نماید و ریشه آن را بر کند یا آن را متزلزل سازد، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسی‌ای است که در اختیار احکام اسلامی باشد. امام زمان ارواحنا فداه با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی‌ای که ایمان والای خود او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهز به آن قدرت کرده است، گریبان ستمگران عالم را می گیرد و کاخهای ستم را ویران می کند.



### د) خودسازی، آگاهی و روشن بینی منتظران

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشنهای نیمه شعبان برای من و شما این است که هر چند اعتقاد به حضرت مهدی ارواحنا فداه یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسأله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد - یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن - نه، این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم. سربازی امام زمان، کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد. عده‌ای این اعتقاد را وسیله‌ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می‌دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پُر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. شنیده‌اید، در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و بدین معناست که انسان از لحاظ علمی و فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدانهای فعالیت و مبارزه، آماده به کار باشد.

اعتقاد به امام زمان به معنای گوشه‌گیری نیست. جریانهای انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ می‌کردند، الان هم در گوشه و کنار تبلیغ می‌کنند که امام زمان می‌آید و اوضاع را درست می‌کند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم! چه لزومی دارد ما حرکتی بکنیم! این مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند؛ چون فردا بناست خورشید عالمتاب بیاید و روز شود و همه دنیا را روشن کند. خورشید فردا، ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد. امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم.

بزرگترین وظیفه منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت می‌کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده دفاع از ارزشها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته اسلام است، می‌تواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدانهای خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را می‌بازند و زانوانشان سست می‌شود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر می‌اندازد، انجام دهند؛ اینها چطور

می‌توانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مُصلِح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.

### ه) استقرار بنای عدل الهی در سرتاسر عالم

درس مهم دیگری که وجود دارد، این است که حکومت آینده حضرت مهدی موعود ارواحنفا، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی مَّتکی به ایمانها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پُر از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صدرصد مردمی تشکیل می‌دهد؛ اما این حکومت مردمی با حکومت‌های مدعی مردمی بودن و دمکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد. آنچه امروز در دنیا اسم دمکراسی و مردم‌سالاری را روی آن گذاشته‌اند، همان دیکتاتوریهایی قدیمی است که لباس جدید بر تن کرده است؛ یعنی دیکتاتوری گروه‌ها. اگر رقابت هم وجود دارد، رقابت بین گروه‌هاست و مردم در این میان هیچ‌کاره‌اند. یک گروه به قدرت دست پیدا می‌کند و در سایه قدرت سیاسی‌ای که همه زمام‌های امور را در کشور در اختیار او می‌گذارد و با سوءاستفاده از این قدرت، ثروت و پول و سرمایه به نفع خود گردآوری می‌کند و آنها را در راه به دست آوردن دوباره قدرت مصرف می‌کند. دمکراسیهای امروز دنیا بر پایه تبلیغات دروغ و فریبنده و مسحور کردن چشمها و دلهاست. امروز در دنیا هر جا شعار دمکراسی می‌دهند، شما ببینید برای تبلیغات کاندیداهای ریاست جمهوری و یا نمایندگان مجلس چه کار می‌کنند! پول خرج می‌کنند. دمکراسی در پنجه اقتدار پول اسیر است. مردم‌سالاری امام زمان - یعنی مردم‌سالاری دینی - با این روش، به کلی متفاوت است.

این که بنده تأکید می‌کنم باید مراقب سوءاستفاده‌های مالی در دستگاه‌های قدرت و وابسته به حکومت بود، به خاطر این است. زبان بزرگ فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی این است که پول را در خدمت قدرت و قدرت را در خدمت پول به کار می‌گیرد و دور باطلی به وجود می‌آید. از قدرت و داشتن مسؤولیت و مدیریت در بخش‌های مختلف برای جمع‌آوری ثروت و پول سوءاستفاده شود؛ بعد همان پول مجدداً در خدمت خریدن آراء رأی‌دهندگان قرار گیرد؛ حالا یا خریدن آشکار - که در خیلی جاها در دنیا معمول است پول بدهند - یا خریدن پنهان با شیوه‌های گوناگون؛ یعنی با خرج کردنهای گوناگون، جلب محبوبیت کنند. وقتی با تبلیغات فریبنده پُر خرج، آراء مردم را به سمت خود جلب کنند، این مردم‌سالاری و دخالت مردم در امور نیست؛ رأی مردم در این جا بازیچه شده است.

در نظام اسلامی که مظهر کامل آن، حکومت حضرت بقیه‌الله ارواحنفاست، فریب و حیل‌گری برای جلب آراء مردم، خودش جرم است؛ استفاده از قدرت برای به دست آوردن پول، یکی از



بزرگترین جرائم است. آن جایاران حضرت مهدی موظفند در سطوح پایین زندگی کنند. نظام اسلامی ما پرتو کوچکی از آن حقیقت درخشان است. ما هرگز این ادعا را نکرديم و نمی‌کنیم؛ اما باید نشانه‌ای از او داشته باشیم.

### مبارزه اسلام با تبعیض و جمع کردن ثروت شخصی

در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاه‌های مختلف و مدیریتهای آنها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یک گناه نگاه کنند. اگر این طور شد، آن گناه دستها و دامن‌ها پاک خواهد ماند؛ و الا اگر مسؤولی که فلان تجارت خارجی و فلان مناقصه بزرگ در اختیار اوست؛ فلان پروژه مهم و پُرخرج زیر امضای اوست و فلان صندوق پول زیر کلید اوست، به خودش اجازه دهد برای منافع شخصی و جمع‌آوری ثروت برای خود یا نزدیکانش، از این امکان - که متعلق به کشور و مردم است - استفاده کند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که در کشورهای دچار سیستمهای ظالمانه در گذشته و امروز در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی ثروت در یک نقطه متمرکز خواهد شد و جمع‌گیری دچار محرومیت و فقر خواهند گردید. این تبعیض است؛ این چیزی است که اسلام برای مبارزه با آن آمده است. ما هم که مدعی اسلام هستیم، باید با آن مبارزه کنیم.

این که امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «ما رأیت نعمة موفورة الا و فی جانبها حق مضیع (۶)»؛ یعنی هر جا شما دیدید ثروت انباشته‌ای به وجود آمده، بدانید در کنارش حقوق ضایع شده فراوانی وجود دارد؛ مظهر اصلی و مصداق عمده‌اش همین است که کارگزاران و مسؤولان حکومت، با استفاده از نفوذ و قدرت، راحت بتوانند از امکانات عمومی استفاده کنند؛ بانکها راحت وام بدهند؛ مراکز گوناگون، امکان استفاده از زمین، آب، هوا، تجارت و وارد کردن و صادر کردن را در اختیار آنها بگذارند؛ ناگهان ببینید کسانی که دستشان از مال دنیا تا اندکی پیش خالی بود، ثروت‌های گزاف پیدا کرده‌اند؛ ظاهر کار هم قانونی است.

### منافات داشتن قانوندانان قانون شکن با نظام اسلامی و انتظار مهدی موعود

من یک وقت گفتم قانوندانهای قانون شکن، خطرناکتر از همه‌اند؛ کسانی که قانون را خوب بلدند، پیچ و خمها و دالانهای تودرتوی قانون را خوب می‌شناسند، اما خودشان قانون شکنند؛ بدون این که معلوم شود کارشان قانون شکنی است. اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است. این چیزی است که با نظام اسلامی و با انتظار مهدی موعود کاملاً منافات دارد. این حدی است که من از مسؤولان خواسته‌ام.

به مسؤولان بارها گفته‌ام، تأکید هم کرده‌ام، باز هم می‌گویم و پای این مطلب ایستاده‌ام: باید

با فساد در دستگاه‌های دولتی و دیگر دستگاه‌های حکومتی مبارزه شود. متعهد این مبارزه، خودِ مسؤ‌ولان قوای مختلف هستند. در درجه اول، برای جلوگیری از فساد در دولت، خودِ مسؤ‌ولان دولتی، خودِ وزرا و خودِ مدیران ارشد مسؤ‌ولند. نگذارند در مجموعه‌های آنها فساد به وجود آید. اگر آنها بخواهند مبارزه کنند و اگر این مبارزه را جدی بگیرند، بهتر از هر کس خواهند توانست مبارزه کنند. البته باید حواسشان جمع باشد که دامنه‌ای خود را پاکیزه نگهدارند.

### 🌸 نیاز عمده نظام اسلامی به عدالت

این راهمه بدانند: کسی که خودش آلوده به فساد باشد، قادر نخواهد بود با فساد مبارزه کند. خودِ مسؤ‌ولان باید با هشیاری و دقت، با این پدیده مبارزه کنند. اگر خدای نکرده مدیران در مقابله با فساد در دستگاه‌های خود کوتاه بیایند، ناگزیر باید قوه قضائیه وارد میدان شود. دستگاه قضایی هم باید بی‌اغماض و بدون ملاحظه، هر جا فساد و یا عملی را برخلاف قانون و در جهت سوءاستفاده ملاحظه کرد، با آن مقابله کند.

برادران و خواهران عزیز! نیاز عمده امروز کشور ما عدالت است. مردم از تبعیض رنج می‌برند. مسؤ‌ولان کشور - که بحمدالله مسؤ‌ولان ارشد کشور مؤمن و پاکیزه‌اند - اگر می‌خواهند آنچه را که نیاز حقیقی مردم است، اعمال کنند، باید به عدالت بیندیشند. اگر فکر و انگیزه عدالت در دلها زنده باشد، آن‌گاه فرصت، کار و توفیق برای باز کردن گره‌ها یکی یکی به وجود خواهد آمد؛ بیکاری و مسائل اقتصادی و مشکلات گوناگونی که در زمینه‌های فرهنگی وجود دارد، حل می‌شود و رشد علم در دستگاه‌های علمی و در دانشگاه‌ها ممکن خواهد شد.

ملت عزیز ما با ایمان ناب و پاکی که دارد و با اعتمادی که به نظام اسلامی در سرتاسر وجود او بحمدالله موجود است، خواهد توانست در مقابل تهدیدهای جهانی همچنان با استقامت و سرافرازی و با قدرت و شهامت بایستد و متجاوزان سلطه‌طلب و سیطره‌طلب جهانی را از نزدیک شدن به مرزها و حریم این ملت بر حذر دارد.



## نگاه صحیح به مهدویت و تأثیر آن در عرصه اجتماع

- ❖ مهدویت، استمرار حرکت نبوت و دعوت‌های الهی
- ❖ مفهوم شناسی صحیح انتظار فرج
- ❖ تحقق فرج واقعی با عمل، انگیزه و حرکت
- ❖ توجه و نظارت امام زمان (ارواح‌نفاذ) بر رفتار و عمل ما
- ❖ اطمینان و قوت قلب جامعه در اعتقاد به مهدویت
- ❖ کمک غیبی و توان مضاعف در اعتقاد به مهدویت
- ❖ تأثیر اتکا به خدا و اعتقاد به نگاه رؤفانه حضرت بقیه‌الله (ارواح‌نفاذ) به ملت

## نگاه صحیح به مهدویت و تأثیر آن در عرصه اجتماع\*

در حقیقت ولادت این بزرگوار یک عید حقیقی است؛ لذا بزرگداشت خاطره‌ی این روز و این ساعت هرگز از یاد معتقدان به مهدویت نخواهد رفت. فقط مردم شیعه نیستند که منتظر مهدی موعود (سلام‌الله‌علیه) هستند، بلکه انتظار منجی و مهدی، متعلق به همه‌ی مسلمانهاست. فرق شیعه با دیگران این است که شیعیان آن منجی را با نام و نشان، با خصوصیات گوناگون می‌شناسند؛ اما دیگر مسلمانان که به منجی هم معتقدند، منجی را نمی‌شناسند؛ تفاوت، این جاست؛ و الاصل مهدویت مورد اتفاق همه‌ی مسلمانهاست. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را در نهایت زمانه دارند؛ آنها هم در یک بخش از قضیه، مطلب را درست فهمیده‌اند؛ اما در بخش اصلی قضیه که معرفت به شخص منجی است، دچار نقص معرفتند. شیعه با خبر مسلم و قطعی خود، منجی را با نام، با نشان، با خصوصیات، با تاریخ تولد، می‌شناسد. نکاتی در اعتقاد به مهدویت هست، که من به اجمال آنها را عرض می‌کنم:

### مهدویت، استمرار حرکت نبوت و دعوت‌های الهی

یک نکته این است که وجود مقدس حضرت بقیة‌الله (ارواح‌افداه) استمرار حرکت نبوت‌ها و دعوت‌های الهی است از اول تاریخ تا امروز؛ یعنی همان‌طور که در دعای ندبه می‌خوانید، از «فبعض اسکنته جنتک» - که حضرت آدم است - تا «الی ان انتهی الامر» - که رسیدن به خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌واله هست - و بعد مسأله‌ی وصایت و اهل بیت آن بزرگوار، تا می‌رسد به امام زمان، همه، یک سلسله‌ی متصل و مرتبط به هم در تاریخ بشر است. این، بدین معناست که آن حرکت عظیم نبوت‌ها، آن دعوت الهی به وسیله‌ی

پیامبران، در هیچ نقطه‌ی متوقف نشده است. بشر به پیامبر و به دعوت الهی و به داعیان الهی احتیاج داشته است و این احتیاج تا امروز باقی است و هر چه زمان گذشته، بشر به تعالیم انبیا نزدیک‌تر شده است. امروز جامعه‌ی بشری با پیشرفت فکر و مدنیت و معرفت، بسیاری از تعالیم انبیا را - که ده‌ها قرن پیش از این، برای بشر قابل درک نبود - درک کرده است. همین مسأله‌ی عدالت، مسأله‌ی آزادی، مسأله‌ی کرامت انسان - این حرفه‌ی که امروز در دنیا رایج است - حرفه‌ی انبیاست. آن روز عامه‌ی مردم و افکار عمومی مردم این مفاهیم را درک نمی‌کردند. پی‌درپی آمدن پیغمبران و انتشار دعوت پیغمبران، این افکار را در ذهن مردم، در فطرت مردم، در دل مردم، نسل به نسل نهادینه کرده است. آن داعیان الهی، امروز سلسله‌شان قطع نشده است و وجود مقدس بقیة‌الله‌الاعظم (ارواح‌نفاذ) ادامه‌ی سلسله‌ی داعیان الهی است، که در زیارت آل یاسین می‌خوانید: «السَّلامُ عَلَیکَ یا دَاعِیَ اللَّهِ و رِثَانِی آیَاتِهِ». یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم، همان دعوت موسی، همان دعوت عیسی، همان دعوت همه‌ی پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیة‌الله‌مجسم می‌بینید. این بزرگوار، وارث همه‌ی آنهاست و دعوت و پرچم همه‌ی آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده‌اند و به بشر عرضه کرده‌اند، فرا می‌خواند. این، نکته‌ی مهمی است.

### مفهوم شناسی صحیح انتظار فرج

نکته‌ی بعدی در باب مهدویت، انتظار فرج است. انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ی است. یک انتظار، انتظارِ فرجِ نهایی است؛ یعنی این که بشریت اگر می‌بیند که طواغیت عالم ترک‌تازی می‌کنند و چپاولگری می‌کنند و افسارگسیخته به حق انسانها تعدی می‌کنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور کند که بالاخره چاره‌ی نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه، بداند که این وضعیت یک وضعیت گذراست - «للباطل جولة» - و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل؛ و او خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم‌ها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است، لیکن انتظار فرج مصداق‌های دیگر هم دارد. وقتی به ما می‌گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است. فرج، یعنی این؛ فرج، یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار، فرج می‌آموزد و تعلیم می‌گیرد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمی‌شود کرد؛ نه، وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله‌ی با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشیدِ فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه‌ی انسانهاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه‌ی انسانهاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم می‌شود انتظار، یک عمل است، بی‌عملی نیست. نباید اشتباه



کرد، خیال کرد که انتظار یعنی این که دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه‌ی زمینه‌ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه‌ی قرآنی است که: «و نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمةً و نجعلهم الوارثين» یا «ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده و العاقبة للمتقين». یعنی هیچ وقت ملت‌ها و امت‌ها نباید از گشایش مأیوس شوند.

### 🏠 تحقق فرج واقعی با عمل، انگیزه و حرکت

آن روزی که ملت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه‌ی بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و با نشاط حرکت می‌کند. این نور امید است که جوان‌ها را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار می‌کند و از دل مردگی و افسردگی آنها جلوگیری می‌کند و روح پویایی را در جامعه زنده می‌کند. این، نتیجه‌ی انتظار فرج است. بنابراین، هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود. اجازه ندهید یأس بر دل شما حاکم بشود، انتظار فرج داشته باشید و بدانید که این فرج، محقق خواهد شد؛ مشروط بر این که شما انتظارتان، انتظار واقعی باشد، عمل باشد، تلاش باشد، انگیزه باشد، حرکت باشد.

### 🏠 توجه و نظارت امام زمان (ارواح‌نفاذ) بر رفتار و عمل ما

یک نکته‌ی دیگر در مسأله‌ی مهدویت این است که عقیده‌ی ما این است که امام زمان (ارواح‌نفاذ) متوجه و ناظر بر رفتار و عمل ماست؛ اعمال ما بر او عرضه می‌شود. این جوان‌های مؤمن ما که در میدان‌های مختلف - چه در میدان معنویت و عبادت و معرفت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست، چه در میدان جهاد؛ آن روزی که جهاد مورد احتیاج بود - این جور از خودشان اخلاص و شادابی نشان می‌دهند، امام زمان (سلام‌الله‌علیه) را خرسند و خوشحال می‌کنند. این که مردم در کشور اسلامی - حالا در کشور مسلمان ما - تلاش‌شان این است که بر اداره‌ی کشور، بر پیشرفت امور کشور نظارت داشته باشند، تصمیم بگیرند، اقدام کنند، وارد میدان بشوند؛ و میدان را رها نمی‌کنند که دیگران بیایند و برای آنها تصمیم بگیرند؛ اجازه نمی‌دهند که امتداد خواست‌های استکباری و استعماری در داخل کشور سرنوشت آنها را معین بکند، امام زمان را خوشحال می‌کنند؛ امام زمان ناظر است و می‌بیند. انتخابات شما را امام زمان دید؛ اعتکاف شما را امام زمان دید؛ تلاش شما جوان‌ها را برای آذین‌بندی نیمه‌ی شعبان، امام زمان دید؛ حضور شما زن و مرد را در میدان‌های گوناگون، امام زمان دیده است و می‌بیند؛ حرکت دولتمردان ما را در میدان‌های مختلف، امام زمان می‌بیند و امام زمان از هر آنچه که نشانه‌ی مسلمانی و نشانه‌ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر می‌زند، خرسند می‌شود. اگر خدای

نکرده عکس این عمل بکنیم، امام زمان را ناخرسند می‌کنیم. ببینید، چه عامل بزرگی است.

### اطمینان و قوت قلب جامعه در اعتقاد به مهدویت

نکته‌ی دیگر و سخن آخر این است که جامعه‌ی که به مهدویت معتقد است، قوت قلب پیدا می‌کند. این قوت قلب برای ملت‌ها خیلی مهم است. بدانید تسلط استعمار بر کشورهای اسلامی بعد از آن بود که توی دل ملت‌ها را خالی کردند؛ آنها احساس ضعف کردند؛ احساس عدم توانایی کردند، بعد اینها آمدند و با قدرت بر آنها مسلط شدند. امروز هم همین جور است. مادر روابط سیاسی و دیپلماسی دنیا داریم جلوی چشم‌مان می‌بینیم که یکی از بزرگ‌ترین شگردهای استکبار جهانی این است که می‌خواهد دل مسؤولان کشورهای گوناگون را - حالا در کشورهای اسلامی - خالی کند و احساس بی‌پشتوانگی به آنها تزریق کند، تا آنها احساس کنند که چاره‌ی ندارند جز این که زیر بار مثلاً آمریکا بروند. این احساس ضعف، بلا‌ی بزرگی است. ملت‌ها حرکت نمی‌کنند؛ چون احساس ضعف می‌کنند. ملت فلسطین ده‌ها سال ساکت و آرام نشسته بود؛ چون احساس می‌کرد نمی‌تواند. آن روزی که فکر توانستن در ملت فلسطین به وجود آمد، قیام کرد و با این قیام، این همه موفقیت را به دست آورده است. رنج می‌برد؛ اما دارد پیش می‌رود. فرق است بین ملتی که حرکتی نمی‌کند، سیلی هم نمی‌خورد؛ اما روزبه‌روز عقب می‌نشیند؛ روزبه‌روز بدبخت‌تر و زیر دست‌تر می‌شود، دلش هم خوش است که من سیلی نمی‌خورم، با آن ملتی که سختی راه را تحمل می‌کند، پایش به سنگ می‌خورد، خونی هم می‌شود؛ اما در راه به سمت موفقیت، به سمت سرمنزل سعادت، به سمت عزت، پیش می‌رود. ملت فلسطین امید پیدا کرد، حالا حرکت می‌کند و جلو می‌رود و این حرکت به جلو تا هر وقت که وجود داشته باشد، باعث می‌شود که درهای فرج به روی آنها باز باشد؛ و راه قطعه قطعه طی خواهد شد تا ان شاء الله به هدف نهایی‌شان برسند. احساس ضعف برای یک ملت، خیلی احساس خطرناک و سم مهلکی است. یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان می‌کند؛ احساس قوت قلب می‌کند؛ احساس قدرت می‌کند. و ملت ما بحمدالله این‌گونه است.

### کمک غیبی و توان مضاعف در اعتقاد به مهدویت

ما در جبهه‌های جنگ هم جوان‌های خودمان را می‌دیدیم که به مدد غیبی و به توجه و نظر لطف ولی عصر (ارواح‌نافه) اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوت قلب هم استفاده می‌کردند و توانایی مضاعف پیدا می‌کردند و پیش می‌رفتند. البته اعتقاد به کمک غیبی اگر معنایش این است که انسان بی‌کار بماند، درها را ببندد و منتظر باشد که از غیب کمک بشود، بداند که از غیب هم کمکی نخواهد شد؛ «و ما جعله الله الا بشری لکم و لتطمئنن قلوبکم به». کمک غیبی در میدان جنگ، در میدان چالش‌های سیاسی و در ایستادگی ملت‌هاست که به سراغ انسان می‌آید. اگر بایستید، کمک غیبی هم هست.

### تأثیر اتکا به خدا و اعتقاد به نگاه رؤفانه حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) به ملت

امروز دنیای استکبار روی نقاط قوت ملت‌ها متمرکز شده، تا آنها را از بین ببرد. البته یک جاهایی موفق می‌شوند، یک جاهایی هم موفق نمی‌شوند. از جمله‌ی جاهایی که به حول و قوه‌ی الهی موفق نشدند و موفق نخواهند شد، ملت ایران است. بحمدالله در منبر سازمان ملل و در مقابل چشم سران کشورهای جهان، رئیس‌جمهور محترم ما حرف دل ملت ایران را بیان کرد. استحکام و متانت و قوت بیان و قوت مواضع در آن تریبون جهانی، به نیابت از ملت ایران، در مقابل چشم همه‌ی دنیا به دست آمد. این، معنایش چیست؟ این، معنایش این است که ملت ایران تسلیم تهدید و زور و فشار نخواهد شد؛ این، معنایش این است که ملت ایران با فشارهای بیست و هفت ساله‌ی از اول انقلاب تا کنون، نه فقط ضعیف نشده، نه فقط اراده‌ی او متزلزل نشده، بلکه امروز قوی‌تر از گذشته شده است و با اراده‌ی راسخ برای پیشبرد اهداف و آرمان‌های متعالی خود - که مصالح ملی در آنهاست - همچنان مستحکم ایستاده است. اتکا به خدای متعال و اعتقاد به نگاه رؤفانه و پدرانه‌ی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) به ملت، این تأثیر بزرگ را در زندگی ما و در رفتار ما دارد که ما را با قوت قلب در مقابل امواج گوناگون و ادار به استقامت می‌کند. نمی‌توانند ملت ایران را شکست بدهند. به توفیق الهی، مسؤولان کشور، دولتمردان مؤمن و صبور، با پیگیری و تلاش باید بتوانند یکی پس از دیگری مشکلات این ملت را حل کنند؛ باید بتوانند سطح علمی و عملی این کشور را آن‌چنان بالا ببرند که به کلی طمع دشمنان از این ملت و از این کشور قطع بشود.

## نقش علما در زمینه‌سازی ظهور

- ❖ مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، دست عدالت گستر در سرتاسر جهان
- ❖ مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، تجسد آرزوی بزرگ امم عالم
- ❖ مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، سرانگشیت گره‌گشا و بازکننده‌ی عقده‌های فروبسته
- ❖ معنای حقیقی انتظار فرج
- ❖ لزوم مجاهدت در مفهوم شناسی مسأله انتظار
- ❖ انتظار حرکت است
- ❖ مرتبطین با حضرت اهل ادعا و گفتن نیستن
- ❖ انتقال صحیح مفاهیم شیعی در همه فرصتها
- ❖ نقش علمای دین، مبلغان و روشنفکران در انتقال مفاهیم شیعی

## نقش علما در زمینه‌سازی ظهور\*

## ❏ مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، دست عدالت گستر در سر تاسر جهان

روز نیمه‌ی شعبان روز امید است. این امید، مخصوص مجموعه‌ی شیعیان یا حتی مخصوص امت مسلمان هم نیست. اصل امید به یک آینده‌ی روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت گستر در سر تاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه‌ی ادیانی است که در عالم سراغ داریم. غیر از حالا دین اسلام و مسیحیت و یهودیت، حتی ادیان هند، بودائی و ادیانی که نامی از آنها هم در ذهن اکثر مردم دنیا نیست، در تعلیمات خود یک چنین آینده‌ای را بشارت داده‌اند. این در واقع امید بخشیدن به همه‌ی انسانها در طول تاریخ است و پاسخگویی به نیاز انسانها به این امید، که حقیقتی هم با آن بیان شده است. ادیان الهی و آسمانی - که اغلب این ادیان ریشه‌های الهی و آسمانی دارند - نخواسته‌اند امید واهی به مردم بدهند؛ آنها واقعیتی را بیان کردند. در خلقت بشر و تاریخ طولانی بشریت حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت این است که این ستیزه‌ی میان حق و باطل، یک روز به سود حق و به زیان باطل پایان خواهد گرفت و از آن روز به بعد دنیای حقیقی بشر، زندگی مطلوب انسان، آغاز خواهد شد که در آنجا ستیزه‌گری مفهوم مبارزه نیست، مبارزه برای تسابق در خیرات است. این یک حقیقتی است که بین همه‌ی ادیان مشترک است.

## ❏ مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، تجسد آرزوی بزرگ امم عالم

خصوصیت اعتقاد ما شیعیان این است که این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر

ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است. حقیقت این است که شیعیان وقتی منتظر مهدی موعودند، منتظر آن دست نجات بخش هستند و در عالم ذهنیات غوطه نمیخورند؛ یک واقعیتی را جستجو میکنند که این واقعیت وجود دارد. حجت خدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی میکنند؛ مردم را می بینند؛ با آنهاست؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس میکند. انسانها هم، آنهایی که سعادت مند باشند، ظرفیت داشته باشند، در مواقعی به طور ناشناس او را زیارت میکنند. او وجود دارد؛ یک انسان واقعی، مشخص، با نام معین، با پدر و مادر مشخص و در میان مردم است و با آنها زندگی میکند. این، خصوصیت عقیده‌ی ما شیعیان است.

آنهایی هم که از مذاهب دیگر این عقیده را قبول ندارند، هیچ وقت نتوانستند دلیلی که عقل پسند باشد بر رد این فکر و این واقعیت، اقامه کنند. همه‌ی ادله‌ی روشن و راسخ که بسیاری از اهل سنت هم آن را تصدیق کرده‌اند، به طور قطع و یقین از وجود این انسان والا، این حجت خدا، این حقیقت روشن و تابناک - با همین خصوصیات که من و شما میشناسیم - حکایت میکند و شما در بسیاری از منابع غیر شیعه هم این را مشاهده میکنید.

فرزند مبارک پاک نهاد امام حسن عسکری (علیه الصّلاة و السّلام)، تاریخ ولادتش معلوم است، مرتب‌پیش معلومند، معجزاتش مشخص است و خدا به او عمر طولانی داده است و میدهد. و این است تجسد آن آرزوی بزرگ همه‌ی امم عالم، همه‌ی قبائل، همه‌ی ادیان، همه‌ی نژادها، در همه‌ی دوره‌ها. این، خصوصیت مذهب شیعه در باره‌ی این مسئله‌ی مهم است.

### ❁ مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، سرانگشتِ گره‌گشا و بازکننده‌ی عقده‌های فروبسته

یک نکته در باب مسئله‌ی مهدویت این است که شما در آثار اسلامی، در آثار شیعی می بینید که از انتظار ظهور حضرت مهدی تعبیر شده است به انتظار فرج. فرج یعنی چه؟ یعنی گشایش. کی انسان انتظار فرج دارد؟ انتظار گشایش دارد؟ وقتی یک فروبستگی‌ای وجود داشته باشد، وقتی گره‌ی هست، وقتی مشکلی هست. در زمینه‌ی وجود مشکل، انسان احتیاج پیدا میکند به فرج؛ یعنی سرانگشتِ گره‌گشا؛ بازکننده‌ی عقده‌های فروبسته. این نکته‌ی مهمی است.

### ❁ معنای حقیقی انتظار فرج

معنای انتظار فرج به عنوان عبارة آخرای انتظار ظهور، این است که مؤمن به اسلام، مؤمن به مذهب اهل بیت (علیهم السّلام) وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر میشناسد. واقع قضیه هم همین است. منتظر است که این فروبستگی کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا بکند. مسئله، مسئله‌ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) برای اینکه فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات

بدهد؛ جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد.

این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیر عادلانه، این نظم بشری‌ای که در آن انسانهای بیشماری مظلوم واقع میشوند، دل‌های بیشماری گمراه میشوند، انسانهای بیشماری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمیکنند، مورد رد و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسانها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است.

امروز شما به اوضاع دنیا نگاه کنید، همان چیزی که در روایات مربوط به ظهور ولی عصر (ارواحنا فداه) وجود دارد، امروز در دنیا حاکم است؛ پر شدن دنیا از ظلم و جور. امروز دنیا از ظلم و جور پر است. در روایت و ادعیه‌ی گوناگون و زیارات مختلف مربوط به ولی عصر (ارواحنا فداه) دارد که «یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً»؛ همچنانیکه یک روزی همه‌ی عالم از ظلم و جور پر بوده است - در روز گارانی ظلم و جور، وضع حاکم بر بشر بوده است - همانطور خدای متعال در زمان او عدل و داد را وضع حاکم بر بشریت قرار خواهد داد. امروز همین است؛ امروز ظلم و جور حاکم بر بشریت است. زندگی بشر امروز زندگی مغلوب و مقهور دست ظلم و استبداد در همه‌ی دنیاست. در همه جا این جور است. بشریت، امروز بر اثر غلبه‌ی ظلم، غلبه‌ی اغراض و هواهای نفسانی دچار مشکلات فراوانند. دو میلیارد گرسنه در دنیای امروز، وجود میلیونها انسانی که در نظامهای طاغوتی مغلوب هوای نفس قدرتمندان طاغوتی هستند، حتی فشار بر مؤمنین و مجاهدین فی سبیل الله و مبارزان راه حق و ملتی مثل ملت ایران که توانسته است در یک مجموعه‌ی محدودی، در یک فضای معینی، پرچم عدل و داد را بلند بکند و فشار بر مجاهدان فی سبیل الله، همه نشانه‌ی سیطره‌ی ظلم و جور بر دنیاست. این، انتظار فرج را با وضعیت کنونی زندگی انسان در دوره‌های مختلف معنا میکند.

### 📌 لزوم مجاهدت در مفهوم شناسی مسأله انتظار

امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه‌ی ظلم و جور را که همه‌ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشه‌ی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است؛ انسانی که سر در پیله‌ی خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه میکند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد. این معنای انتظار است. انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت بن الحسن، مهدی صاحب زمان (صلوات الله علیه و عجل الله فرجه و ارواحنا فداه) تحقق پیدا خواهد کرد. باید خود را به عنوان یک سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای آنچه شراطی مجاهدت کند، آماده کنیم.

انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را و جهه‌ی همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) هستیم. اینکه انتظار نیست. انتظار چیست؟ انتظار دست قاهرِ قدرتمندِ الهیِ ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطره‌ی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده‌ی واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود.

### انتظار حرکت است

تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست. انتظار معنایش این است. انتظار حرکت است؛ انتظار سکون نیست؛ انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم. و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران، که توانسته‌اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند. این معنای انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن. آن انقلاب بزرگ تاریخی برای آن هدف انجام خواهد گرفت. و او عبارت است از ایجاد عدل و داد، زندگی انسانی، زندگی الهی، عبودیت خدا؛ این معنای انتظار فرج است.

امروز بحمدالله ملت ما توجهشان به مقوله‌ی مهدویت و وجود مقدس حضرت مهدی (سلام الله علیه) از همیشه بیشتر است. روز به روز انسان احساس میکند در دل جوانان، در میان آحاد مردم، شوق و عشق و ارادت و تذکر نسبت به وجود مقدس حضرت حجت (سلام الله علیه) بیشتر میشود. این هم از برکات خود آن بزرگوار است. نگاه آن بزرگوار، نظره‌ی رحیمه‌ی آن بزرگوار به ملت ما، دل‌های آنها را متوجه آن حقیقت تابناک کرده است. خود این، نشانه‌ی توجه آن بزرگوار است. این را باید قدر دانست.

### مر تبطین با حضرت اهل ادعا و گفتن نیستن

البته مثل همه‌ی حقائق که در برهه‌های مختلفی از زمان ملعبه‌ی دست سودجویان میشود، این حقیقت هم گاهی ملعبه‌ی دست سودجویان میشود. این کسانی که ادعاهای خلاف واقع میکنند - ادعای رؤیت، ادعای تشریف، حتی به صورت کاملاً خرافی، ادعای اقتدای به آن حضرت در نماز - که حقیقتاً ادعاهای شرم‌آوری است، اینها همان پیرایه‌های باطلی است که این حقیقت روشن را در چشم و دل انسانهای پاکنهاد ممکن است مشوب کند. نباید گذاشت. همه‌ی آحاد مردم توجه داشته باشند این ادعاهای اتصال و ارتباط و تشریف به حضرت و دستور گرفتن از آن بزرگوار، هیچ کدام قابل تصدیق نیست. بزرگان ما، برجستگان ما، انسانهای باارزشی که یک لحظه‌ی عمر آنها ارزش دارد به روزها و ماهها و سالهای عمر امثال



ما، چنین ادعاهائی نکردند. ممکن است یک انسان سعادت‌مندی، چشمش، دلش این ظرفیت را پیدا کند که به نور آن جمال مبارک روشن شود، اما یک چنین کسانی اهل ادعا نیستند؛ اهل گفتن نیستند؛ اهل دکان‌داری نیستند. این کسانی که دکان‌داری میکنند به این وسیله، انسان میتواند به طور قطع و یقین بگوید اینها دروغگو هستند؛ مفتری هستند. این عقیده‌ی روشن و تابناک را بایستی از این آفت اعتقادی دور نگه داشت.

### انتقال صحیح مفاهیم شیعی در همه فرصتها

امروز خوشبختانه در مجلس ما جمعی از عناصر فرهنگی، رایزنان فرهنگی، جمعی از مدیران آموزش و پرورش، جمعی از جوانان زبده و برجسته‌ی سازمان جوانان، جمعی از مجموعه‌های مرتبط با مهدویت حضور دارند. آنچه را که من به این مناسبت در این جمع فرهنگی آگاه و هوشیار به شما برادران و خواهران می‌خواهم عرض بکنم، این است که ما عقاید اسلامی مان، بخصوص عقاید شیعی، جزو پاکیزه‌ترین و منطقی‌ترین و مستحکمترین عقاید است. توحیدی که ما تصویر میکنیم، امامتی که تصویر میکنیم، شخصیت نبی که ما تصویر میکنیم، مسائل اعتقادی و معارف دینی‌ای که در آئین تشیع تصویر میشود، تصویرهای روشن و منطقی‌ای است که هر ذهن فعالی و اهل کنکاشی میتواند به حقانیت و صحت و دقت این اعتقادات پی ببرد. عقاید شیعه، عقاید بسیار مستحکمی است. همیشه در طول تاریخ اسلام، عقاید تشیع اینجور شناخته شده است. دیگران، مخالفین در مقام احتجاج، در مقام استدلال، در هم‌وردی‌های کلامی، به استحکام عقاید امامیه که از ائمه (علیهم‌السلام) اخذ شده است، اعتراف کرده‌اند. و ائمه (علیهم‌السلام) به تبع قرآن کریم، ما را به تأمل، به تفکر و به کارگیری خرد و اندیشه دستور داده‌اند. این است که فکر، اندیشه، خرد، در این عقاید آشکار است؛ به‌علاوه راهنمائی‌های ائمه (علیهم‌السلام) هم که هدایت‌کننده است و جلوگیری از لغزشهاست.

این عقاید را بایستی اولاً درست فهمید، ثانیاً آنها را با تدبر و تأمل عمق بخشید، ثالثاً آنها را بدرستی منتقل کرد. در همه‌ی مجموعه‌های فرهنگی اینجور است. در آموزش و پرورش، یک معلم، یک مدیر آموزشی یا پرورشی به بهترین وجهی میتواند از این فرصت طلایی عمر نوجوان ما که در اختیار اوست، استفاده کند. عقاید دینی را نه فقط در زنگ تعلیمات دینی، بلکه میشود آن را در همه‌ی فرصتهای تعلیم با هوشیاری، با دقت، با سنجیدگی، در عمق ذهن و جان متعلم جایگزین کرد، تا او فرصت پیدا کند آن را در دل و مغز خود رشد بدهد.

مجموعه‌های فرهنگی مرتبط با ملت‌های دیگر و شاغل در خارج کشور یا مرتبط با آنها، مهمترین کارشان این است که این حقائق را بتوانند با شیوه‌های مختلف در مقابل چشم و نظر خواهندگان و جویندگان قرار بدهند؛ همین قدر که آنها مطلع بشوند. در همین قضیه‌ی مهدویت، آن کسانی از اهل سنت یا حتی از علمای غیر مسلمان که به عقاید شیعه در باب مهدویت توجه کردند و از آن اطلاع پیدا کردند، تصدیق



کردند که بشارتهائی که در تورات و انجیل و ادیان دیگر هست، همه منطبق با همین مهدویت است که در شیعه وجود دارد. این را اعتراف میکنند. آن کسی که عقیده‌ی شیعه را نمیداند، یا شکل تحریف شده‌ی آن به او رسیده، خوب، بدیهی است که یک چنین قضاوتی نمیتواند بکند. شکل درست عقیده را باید منتقل کرد. آن وقت خواهید دید که قضاوت خردمندان عالم، آگاهان عالم، قضاوت موافق با این عقیده خواهد بود و تأیید میکنند و تصدیق میکنند و به آن می‌گروند.

### نقش علمای دین، مبلغان و روشنفکران در انتقال مفاهیم شیعی

این را، هم جوانان ما - جوانان فرزانه‌ی ما، دانشجویان ما، طلاب فاضل ما - هم مجموعه‌هائی که متصدی آموزشند، متصدی تبلیغند، متصدی پرورش افکار و اذهان هستند، باید توجه کنند. نشان دادن آن حقیقتی که در اختیار مذهب امامیه و پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) هست به مخاطب، مساوق با قبول مخاطب و همراه با تصدیق و پذیرش مخاطب است. حقیقت را باید نشان داد. باید سعی کنیم پیرایه‌ها، خرافه‌ها، ادعاهای دروغین، کج‌فهمی‌ها، بدفهمی‌ها دخالت نکنند. البته نقش علمای دین، مبلغان برجسته، روشنفکران در این زمینه نقش برجسته‌ای است. و ملت ما با عمل به تعالیم اهل بیت (علیهم‌السلام) و عمل به قرآن، چه در دوران انقلاب، چه در دوران دفاع مقدس، چه در حوادث گوناگونی که برای کشور ما پیش آمده است، حقانیت این تعالیم را نشان داد. بسیاری از مردم دنیا در دوران دفاع مقدس با حقانیت تشیع آشنا شدند و به آن گرایش پیدا کردند و آن را قبول کردند و پذیرفتند؛ همچنانی که خیلی از ناظران جهانی در دوران دفاع مقدس، در دوران انقلاب، با حقائقی که در عمل امام بزرگوار ما و حواریون او - که همین جوانهای مبارز و مجاهد و مجاهدان راه حق بودند - دیده شد، به حقانیت اسلام اعتقاد پیدا کردند. بسیاری از ملتها که مسلمان بودند، اما غفلت از حقیقت اسلام داشتند، بیدار شدند؛ آگاه شدند. نشان دادن حقیقت صحیح دین و نشان دادن آن بخصوص در عمل، چنین خاصیت معجز آسائی دارد.



## انتظار ظهور موعود؛ حقیقتی معطوف به واقعیت

- ❁ مهدویت، مسئله‌ی اصلی معارف عالی‌هی دینی
- ❁ مهدویت، حرکت به سمت اهداف والای الهی
- ❁ لزوم کار علمی، دقیق و متقن روی مسأله مهدویت
- ❁ کلید واژه اصلی حرکت امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام
- ❁ لوازم مسأله انتظار
- ❁ کار عالمانه و مستند در مسأله‌ی انتظار
- ❁ اهمیت توسلات و انس معنوی با امام زمان (ع)

## انتظار ظهور موعود؛ حقیقتی معطوف به واقعیت\*

### مهدویت، مسئله‌ی اصلی معارف عالی‌یه دینی

مسئله‌ی مهدویت که این روزها به مناسبت نزدیکی نیمه‌ی شعبان و عید بزرگ اسلامی - بلکه بشری - با طرح این مسئله تناسب دارد، همین قدر باید عرض کنیم که مسئله‌ی مهدویت در شمار چند مسئله‌ی اصلی در چرخه و حلقه‌ی معارف عالی‌یه دینی است؛ مثل مسئله‌ی نبوت مثلاً، اهمیت مسئله‌ی مهدویت را در این حد باید دانست. چرا؟ چون آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه‌ی انبیاء، همه‌ی بعثتها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداخته‌ی بر اساس عدالت و با استفاده‌ی از همه‌ی ظرفیتهائی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یک چنین دورانی است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه و عجل الله تعالی فرجه). دوران جامعه‌ی توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسانهاست و دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع این کلمه است. خب، انبیاء برای این آمدند.

### مهدویت، حرکت به سمت اهداف والای الهی

ما مکرر عرض کردیم که همه‌ی حرکتی که بشریت در سایه‌ی تعالیم انبیاء، در طول این قرون متمادیه انجام دادند، حرکت به سمت جاده‌ی اسفالت‌هی عریضی است که در دوران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جاده حرکت

خواهد کرد. مثل اینکه یک جماعتی از انسانها در کوه و کمر و راه‌های دشوار و باتلاق‌زارها و خاستانها با راهنمایی‌های کسانی همین‌طور حرکت دارند میکنند تا خودشان را به آن جاده‌ی اصلی برسانند. وقتی به جاده‌ی اصلی رسیدند، راه باز است؛ صراط مستقیم روشن است؛ حرکت در آن آسان است؛ راحت در آن راه حرکت میکنند. وقتی به جاده اصلی رسیدند، این‌جور نیست که حرکت متوقف بشود؛ نه، تازه حرکت به سمت اهداف والای الهی شروع میشود؛ چون ظرفیت بشر یک ظرفیت تمام‌نشده است. در طول این قرون متمادی، بشر از کج‌راه‌ها، بیراهه‌ها، راه‌های دشوار، سخت، با برخورد با موانع گوناگون، با بدن رنجور و پای مجروح شده و زخم‌آلود، در بین این راه‌ها حرکت کرده است تا خودش را به این جاده‌ی اصلی برساند. این جاده‌ی اصلی همان جاده‌ی زمان ظهور است؛ همان دنیای زمان ظهور است که اصلاً حرکت بشریت به یک معنا از آنجا شروع میشود.

### لزوم کار علمی، دقیق و متقن روی مسأله مهدویت

اگر مهدویت نباشد، معنایش این است که همه‌ی تلاش انبیاء، همه‌ی این دعوت‌ها، این بعثت‌ها، این زحمات طاقت‌فرسا، اینها همه‌اش بی‌فایده باشد، بی‌اثر بماند. بنابراین، مسأله‌ی مهدویت یک مسأله‌ی اصلی است؛ جزو اصلی‌ترین معارف الهی است. لذاست که در همه‌ی ادیان الهی هم تقریباً - حالا تا آنجائی که ما اطلاع داریم - یک چیزی که لب و معنای حقیقی آن همان مهدویت است، وجود دارد، منتها به شکلهای تحریف شده، به شکلهای مبهم، بدون اینکه درست روشن باشد که چه میخواهند بگویند.

مسئله‌ی مهدویت در اسلام هم جزو مسلمات است؛ یعنی مخصوص شیعه نیست. همه‌ی مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه‌ی حکومت حق و عدل به وسیله‌ی مهدی (علیه الصلاة والسلام و عجل الله فرجه) است، قبول دارند. روایات معتبر از طرق مختلف، در مذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم و از بزرگان نقل شده است. بنابراین، هیچ تردیدی در آن نیست. منتها امتیاز شیعه در این است که مسئله‌ی مهدویت در آن یک مسئله‌ی مبهم نیست؛ یک مسئله‌ی پیچیده‌ای که برای بشر قابل فهم نباشد، نیست؛ یک مسئله‌ی روشن است، مصداق واضحی دارد که این مصداق را میشناسیم، خصوصیتی از او را میدانیم، پدران او را میشناسیم، خانواده‌ی او را میشناسیم، ولادت او را میشناسیم، جزئیات آن را خبر داریم. در این معرفی هم باز روایات شیعه، تنهائی در صحنه نیستند؛ حتی روایاتی از غیر طریق شیعه هم وجود دارد که همین معرفی را برای ما روشن میکند و باید کسانی که مال مذاهب دیگر هستند، توجه کنند و دقت کنند تا این حقیقت روشن را دریابند. بنابراین اهمیت مسئله یک چنین سطحی دارد و ما بیشتر از دیگران اولی هستیم به اینکه به این مسئله بپردازیم؛ کارهای علمی و دقیق و متقن روی این مسئله انجام بگیرد.

### کلید واژه اصلی حرکت امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام

مسئله‌ی انتظار هم که جزء لاینفک مسئله‌ی مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است؛ انتظار؛ انتظار یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ بخصوص انتظار یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. اینجور نیست که بگویند کسی متولد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می‌بینند، همچنانی که او مردم را می‌بینند، منتها نمی‌شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را میدیدند، بین آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه میرفت، ولی نمی‌شناختند. یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده‌ای؛ این کمک میکند به معنای انتظار. این انتظار را بشریت نیاز دارد، امت اسلامی به طریق اولی نیاز دارد. این انتظار، تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: «و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون. ان فی هذا لبلاغاً لقوم عابدين»<sup>۱</sup> - مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می‌فهمند - باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازمه‌اش آماده‌سازی خود هست.

### لوازم مسأله انتظار

بدانیم که یک حادثه‌ی بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید. هیچ وقت نمیشود گفت که حالا سالها یا مدتها مانده است که این اتفاق بیفتد، هیچ وقت هم نمیشود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصد بود، همیشه باید منتظر بود. انتظار ایجاب میکند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه‌ی انتظار است. وقتی بناست در آن دوران منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد - یک چنین دورانی قرار است باشد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده‌ی عدل کنیم، آماده‌ی پذیرش حق کنیم. انتظار یک چنین حالتی را به وجود می‌آورد.

یکی از خصوصیات که در حقیقت انتظار گنجانده شده است، این است که انسان به وضع موجود، به اندازه‌ی پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواد روز به روز این پیشرفت را، این تحقق حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند. اینها لوازم انتظار است.

### کار عالمانه و مستند در مسأله‌ی انتظار

خب، بحمدالله امروز کسانی دارند در مسئله‌ی انتظار کار عالمانه میکنند؛ آن طوری که در گزارشهای جناب آقای فرائتی بود و قبلاً هم این گزارش را خوانده بودم، حالا هم که ایشان اشاره کردند و گفتند از کار عالمانه و همراه با دقت در مسئله‌ی انتظار و مسئله‌ی دوران ظهور نباید غفلت کرد. و از کار عامیانه و جاهلانه بشدت باید پرهیز کرد. از جمله‌ی چیزهایی که میتواند یک خطر بزرگ باشد، کارهای عامیانه و جاهلانه و دور از معرفت و غیر متکی به سند و مدرک در مسئله‌ی مربوط به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، که همین زمینه را برای مدعیان دروغین فراهم میکند. کارهای غیر عالمانه، غیر مستند، غیر متکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهمات؛ اینجور کاری مردم را از حالت انتظار حقیقی دور میکند، زمینه را برای مدعیان دروغگو و دجال فراهم میکند؛ از این بایستی بشدت پرهیز کرد.

در طول تاریخ مدعیانی بودند؛ بعضی از مدعیان هم همین چیزی که حالا اشاره کردند، یک علامتی را بر خودشان یا بر یک کسی تطبیق کردند؛ همه‌ی اینها غلط است. بعضی از این چیزهایی که راجع به علائم ظهور هست، قطعی نیست؛ چیزهایی است که در روایات معتبر قابل استناد هم نیامده است؛ روایات ضعیف است، نمیشود به آنها استناد کرد. آن مواردی هم که قابل استناد هست، اینجور نیست که بشود راحت تطبیق کرد. همیشه عده‌ای این شعرهای شاه نعمت‌الله ولی را - در طول سالهای متمادی و در موارد زیادی - بر آدمهای مختلفی در قرون مختلف تطبیق کردند، که بنده دیدم. گفتند بله، اینی که گفته من فلان کس را، فلان جور می بینم، این فلان کس است؛ یک شخصی را گفته‌اند. باز در یک زمان، صد سال بعد مثلاً، یک کس دیگری را پیدا کردند و به او تطبیق کردند! اینها غلط است، اینها کارهای منحرف کننده است، کارهای غلطانداز است. وقتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت، مهجور خواهد شد، مشتبه خواهد شد، وسیله‌ی گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کار عوامانه، از تسلیم شدن در مقابل شایعات عامیانه بایستی بشدت پرهیز کرد. کار عالمانه، قوی، متکی به مدرک و سند، که البته کار اهل فن این کار است، این هم کار هر کسی نیست، باید اهل فن باشد، اهل حدیث باشد، اهل رجال باشد، سند را بشناسد، اهل تفکر فلسفی باشد؛ بداند، حقایقی را بشناسد، آن وقت میتواند در این زمینه وارد میدان شود و کار تحقیقاتی انجام دهد. این بخش از کار را هر چه ممکن است، بیشتر باید جدی گرفت تا راه ان شاء الله برای مردم باز شود؛ هر چه دلها با مقوله‌ی مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوستر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود.



### اهمیت توسلات و انس معنوی با امام زمان (علیه السلام)

این توسلاتی که در زیارات مختلف وجود دارد که بعضی از اینها اسانید خوبی هم دارد، اینها بسیار باارزش است. و توسل، توجه، انس با آن بزرگوار از دور. این انس به معنای این نیست که حالا کسی ادعا کند که من خدمت حضرت میرسم یا صدای ایشان را میشنوم؛ ابتدا اینجور نیست. غالب آنچه که در این زمینه گفته میشود، ادعاهائی است که یا دروغ است، یا طرف دروغ هم نمیگوید، تصور میکند، تخیل میکند. ما کسانی را دیدیم. آدمهای دروغگوئی نبودند، اما خیال میکردند، تخیل میکردند؛ تخیلات خودشان را به عنوان واقعیت برای این و آن نقل میکردند! نایستی تسلیم اینها شد. راه درست، راه منطقی. آن توسل، توسل از دور است؛ توسلی است که امام آن را از ما میشنود، ان شاء الله میپذیرد؛ ولو اینکه ما با مخاطب خودمان از دور داریم حرف میزنیم؛ اشکالی ندارد. خدای متعال سلام سلام دهندگان و پیام پیام دهندگان را به آن بزرگوار میرساند. این توسلات و این انس معنوی بسیار خوب و لازم است.





یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوانها را، نوجوانها را به کتابخوانی تشویق میکنیم؛ مراجعه میکنند، میگویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب - چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها - روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیرمطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد.

بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران ۱۳۹۰/۴/۲۹